

قاصد

بررسی وضعیت تحولات
پس از تفاهم میان

ایران و آمریکا

۲۵ مرداد ۱۴۰۵

ساعت تنظیم گزارش: ۱۷:۰۰

شماره ۱۴۹

مرکز رصد و پایش ق. رسانه



مقدمه و پیشگفتار

تحولات منعکس شده در این گزارش نشان می‌دهد که منازعه ایران و آمریکا از قالب یک رویارویی صرفاً نظامی فاصله گرفته و به رقابتی چندلایه در حوزه‌های دریایی، اقتصادی، امنیتی، دیپلماتیک، اجتماعی و ادراکی تبدیل شده است. در این میان، **تنگه هرمز** همچنان نقطه ثقل بخش مهمی از تحولات است؛ هم مذاکرات فنی ایران و عمان درباره الگوی عبور کشتی‌ها ادامه دارد و هم رسانه‌های غربی، آمریکایی و عبری می‌کوشند میزان کنترل واقعی بر این آبراه را به شاخصی برای سنجش نتیجه جنگ تبدیل کنند. در کنار آن، استمرار فشار بر ناوگان آمریکا، فرسایش ذخایر پدافندی، آسیب‌پذیری اطلاعاتی پایگاه‌ها و دشواری توزیع نظامی میان خاورمیانه، اوکراین و آسیا، بحث درباره **پایداری راهبرد نظامی و اشینگتن** را تقویت کرده است.

در سطح منطقه‌ای، تشدید دوباره تنش در **جنوب لبنان**، اختلاف بر سر آینده حضور رژیم صهیونیستی، پرونده خلبانان ایرانی در قطر و کشمکش بر سر هرمز، هم‌زمان با تلاش‌های دیپلماتیک برای مهار بحران جریان دارد. در داخل نیز فضای سیاسی و رسانه‌ای حول سه مسئله اصلی شکل گرفته است: بازتعریف نسبت **دیپلماسی و میدان**، تکرار قرائت‌ها درباره **انتقام خون رهبر شهید** و تلاش جریان‌های سیاسی برای بازخوانی آرایش اجتماعی کشور و جایگاه افکار عمومی.

هم‌زمان، فشارهای معیشتی، ناترازی انرژی، بنزین، تورم تولیدکننده، اختلال زنجیره تأمین و نگرانی از **کسری بودجه** به بخش مهمی از فضای رسانه‌ای تبدیل شده و رسانه‌های معاند نیز در تلاش اند این مسائل را به روایت بزرگ‌تر «**هزینه جنگ و ناکارآمدی**» متصل کنند. حاصل این هم‌زمانی، شکل‌گیری محیطی است که در آن نتیجه منازعه نه فقط در میدان نظامی، بلکه در **توان اقتصادی، انسجام اجتماعی، مدیریت روایت و ظرفیت تحمل هزینه‌های بلندمدت** سنجیده می‌شود.

مهمترین اخبار خارجی و داخلی در ۲۴ ساعت منتهی به تهیه گزارش

اخبار و تحرکات محور آمریکا - غرب

- ❖ سرفرماندهی مرکزی ارتش ایالات متحده، سنتکام، که عملیات نظامی در منطقه خاورمیانه را مدیریت می‌کند اعلام کرده که ناو هواپیمابر یواس اس جورج اچ دبلیو بوش وارد دریای عرب در شرق عمان و یمن شده است. (حساب ایکس سنتکام)
- ❖ سنتکام: فرمانده براد کوپر سفر خود به خاورمیانه را پس از بازدید از ۶ کشور و یک ناو هواپیمابر به پایان رساند. (حساب ایکس سنتکام)
- ❖ نیروهای دفاعی اوکراین، کارخانه نظامی صنعتی «کامنسکی» روسیه در استان روستوف را هدف قرار دادند. ستاد کل نیروهای مسلح اوکراین این حمله را در کانال تلگرام خود تأیید کرده است. (صدای آمریکا)

اخبار و تحرکات محور عربی - منطقه‌ای

- ❖ سخنگوی وزارت امور خارجه قطر: ما قاطعانه ادعاهای مربوط به بازداشت خلبانان ایرانی را تکذیب می‌کنیم. (الجزیره)
- ❖ سخنگوی وزارت امور خارجه قطر اظهار داشت که طرف ایرانی به دعوت آنها برای اعزام تیمی برای نظارت بر عملیات جستجوی خلبان‌ها در آوریل گذشته پاسخی نداد. (الجزیره)
- ❖ دفتر نتانیا هو: ۳ سرباز اسرائیل بر اثر حمله حزب الله در «منطقه امنیتی» در جنوب لبنان زخمی شدند. ارتش اسرائیل نمی‌داند که حزب عمداً غیرنظامیان را در یک مجتمع نظامی قرار داده است. حزب الله امروز با حمله به سربازان مان در منطقه امنیتی در جنوب لبنان، آتش بس را نقض کرد. (خبرگزاری فرانسه)
- ❖ اسرائیل کاتز، وزیر دفاع اسرائیل: هیچ حسابی در هیچ جبهه‌ای تسویه نشده باقی نخواهد ماند و به خاطر سربازان و غیرنظامیان خود به هر اقدامی با قدرت پاسخ خواهیم داد. (حساب ایکس کاتز)
- ❖ حزب الله اعلام کرد که حملات اخیر اسرائیل در لبنان با «پاسخی مناسب» روبه‌رو خواهد شد. (خبرگزاری فرانسه)
- ❖ به نقل از سخنگوی نتانیا هو: اسرائیل خواهان مذاکراتی با جدیت بیشتر با لبنان است. (خبرگزاری فرانسه)
- ❖ عراق: حشد الشعبی با شماره‌ها و عناوین دولتی نام‌گذاری مجدد می‌شوند، نام‌های جدید فاقد عناوین سیاسی و مذهبی خواهند بود. (العربیه)
- ❖ رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه، گفت که بازگشایی تنگه هرمز یک اولویت است و ادامه

بسته ماندن آن به نفع هیچ کس نیست. (الجزیره)

❖ دولت به رسمیت شناخته شده یمن می گوید که حوثی ها روز جمعه شش موشک بالستیک به بندر مخادر دریای سرخ شلیک کردند که در نتیجه آن دست کم چهار غیرنظامی کشته شدند. (بی بی سی)

❖ مدیربندر المخادر یمن اعلام کرده که فعالیت های تجاری و دریایی این بندر پس از حملات اخیر حوثی ها متوقف شده است. (رویترز)

❖ عراق: دولت بخش قابل توجهی از انواع مختلف سلاح ها را تحویل گرفته؛ شمار سلاح های ثبت شده تاکنون به ۵۸۰ هزار قبضه رسیده است. (العربیه)

❖ سخنگوی ارتش اسرائیل: در پی حمله به یک مقر فرماندهی در منطقه انصار: ارتش اسرائیل یک فرمانده گردان از یگان «رضوان» وابسته به سازمان حزب الله را حذف کرد. (ارتش دفاعی اسرائیل)

❖ حملات شهرک نشینان اسرائیلی به روستاهای شمال کرانه باختری تشدید شده است. منابع محلی شنبه اطلاع دادند شهرک نشینان به محله «شعب اللوز» در شمال غرب روستای المغیر حمله کردند، خانه های فلسطینیان را به محاصره درآوردند و تلاش کردند وارد آنها شوند. (خبرگزاری وفا)

❖ بر اساس مذاکرات جاری میان ایران و سلطنت عمان، مسیر جنوبی لغو خواهد شد. تمامی نفتکش ها ملزم خواهند بود بانیروی دریایی سپاه هماهنگ کنند. بیشتر کشتی ها هنگام عبور از تنگه هرمز، مسیر ایرانی را رعایت کرده اند. (المیادین)

❖ اتحادیه عرب از جامعه بین المللی و به ویژه آمریکا خواست مداخله کند تا «ماشین جنگی اسرائیل فوراً متوقف شود و این کشور به پایبندی به قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل وادار شود». (العربیه)

❖ مایک هاکی، سفیر آمریکا در اسرائیل: «آنچه دونالد ترامپ می فهمد این است که ایران مانند آزمایشگاه ووهان است؛ جایی که بیماری جهادگرایی در آن تقویت پژوهشی شده و زهر حماس، حزب الله و حوثی ها را بیرون می دهد؛ گروه هایی که به همان اندازه که از اسرائیل نفرت دارند، از آمریکا هم نفرت دارند.» (حساب ایکس هاکی)

❖ خلیل الحیه، رئیس دفتر سیاسی حماس، شامگاه شنبه به قاهره می رود تا پیش از سفر جرد کوشنر، فرستاده آمریکا، به منطقه، با مقام های مصری درباره تحولات و طرح مربوط به غزه گفت و گو کند.. (خبرگزاری فرانسه)

❖ کوشنر پس از برگزاری نشست هایی در اسرائیل، با حضور میانجی گران با نمایندگان حماس دیدار خواهد کرد. (العربیه)

❖ سازمان امنیت داخلی اسرائیل و مدیریت ملی سایبری این کشور اعلام کردند موج تازه ای از تلاش های فیشینگ هدفمند از سوی عوامل اطلاعاتی جمهوری اسلامی علیه روزنامه نگاران و کارکنان رسانه ای در اسرائیل شناسایی کرده اند. (کانال ۱۲ اسرائیل)

❖ ارتش اسرائیل روز یکشنبه اعلام کرد در جریان حملات اخیر به جنوب لبنان، علی محمد فخرالدین، معروف به ابو حسن علاء، از فرماندهان ارشد یگان «بدر» حزب الله، در منطقه دیرالزهرانی کشته شده است. (بیانیه ارتش اسرائیل)

اخبار مهم سیاسی - امنیتی داخلی

❖ بقائی درباره توافق ایران و عمان بر سر تنگه هرمز: یک سری موارد وجود دارد که گفت وگوها همچنان درباره آن‌ها ادامه دارد... بر همین اساس، رفت و آمدها بین دو کشور همچنان ادامه دارد و هر زمانی که نهایی شود حتما در مورد آن اطلاع رسانی خواهد شد. (دفاع پرس)

❖ اسماعیل بقائی سخنگوی وزارت امور خارجه، حملات وحشیانه رژیم صهیونیستی به مناطق مختلف لبنان از جمله الانصار، ارتفاعات علی الطاهر، نبطیه الفوقا و دیرالزهرانی را که منجر به شهادت یازده نفر از جمله سه کودک و دوزن از اعضای یک خانواده و زخمی شدن چند تن دیگر و تخریب اماکن مسکونی و غیر نظامی شد، به شدت محکوم کرد. (ایرنا)

❖ جلسه سران سه قوه به میزبانی رئیس جمهور، و با حضور «محمد باقر قالیباف» رئیس مجلس و حجت الاسلام «غلامحسین محسنی اژه‌ای» رئیس قوه قضائیه برگزار شد. (تسنیم)

❖ حکم شهرام صادقی که به اتهام اقدام عملیاتی به نفع رژیم صهیونیستی و آمریکا و گروه‌های متخاصم علیه امنیت و منافع ملی به اعدام و مصادره اموال محکوم شده بود. پس از تایید دیوان عالی ایران با مداد یکشنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۵ اجرا شد. (میزان)

❖ سپهر امیرزاده، از بازداشت شدگان اعتراضات سراسری دی ماه ۱۴۰۴ در اصفهان، از سوی دادگاه انقلاب به اتهام «محاربه» به اعدام محکوم شده است. (هرانا)

❖ اطلاعیه دفتر رهبر انقلاب اسلامی: هم زمان با ایام چهلمین روز تشییع تاریخی و تدفین پیکر مطهر آقای شهید ایران، مراسم بزرگداشت آن رهبر عظیم الشان و خانواده ایشان از سوی حضرت آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، در تهران، قم و مشهد برگزار می شود. (رسانه رهبر انقلاب اسلامی)

❖ عباس گودرزی سخنگوی هیئت رئیسه مجلس: طبق اجازه ای که از رهبر معظم انقلاب اخذ شده از تاریخ ۲۹ مرداد ماه به مدت یک و نیم ماه دولت فرصت دارد تا وزیران پیشنهادی اطلاعات و دفاع را به مجلس شورای اسلامی معرفی کند، در این راستا ایده ای مطرح است که شرط اجتهاد برای وزیر اطلاعات ضرورت نداشته باشد. (تسنیم)

❖ عباس گودرزی سخنگوی هیئت رئیسه مجلس: طرح مقابله بانفوذ سرویس های اطلاعاتی و دولت ها یا نهادهای بیگانه در کشور، در صحن علنی امروز مجلس با ۱۸۳ رأی موافق تصویب شد. (تسنیم)

❖ شاخص کل بورس بارش ۲۹ هزار واحدی در پایان معاملات امروز به ۵ میلیون و ۷۶۶ هزار واحد رسید. (فارس)

نگاه جریان های داخلی به جنگ و مسائل مرتبط

خلاصه مدیریتی - مهم ترین محورهای رسانه ای

- ❖ انتشار خوشه بندی نگرش های سیاسی - اجتماعی جامعه ایرانی توسط اصلاح طلبان با هدف تغییر گفتمان از دوگانه های ساده ساز به تحلیل داده محور
- ❖ باز نشر پژوهش گونه شناسی سیاسی برای جذب خوشه های میانی جامعه با تأکید بر عدالت اقتصادی و اصلاحات درون سیستمی
- ❖ ارائه هشدار غیر تهدید آمیز به حاکمیت درباره کاهش اعتماد نهادی در میان جوانان تحصیل کرده شهری توسط چهره های اصلاح طلب
- ❖ انتقال اصلاح طلبان از موقعیت معترض حاشیه ای به مشاور دلسوز نظام با استناد به داده های رسمی پژوهشی
- ❖ ترسیم نقشه سه لایه اصلاح طلبان شامل پذیرش اقتدار ملی، برجسته سازی نقش ولایت فقیه و اجماع سازی رسانه ای برای پایان تقابل نظامی
- ❖ افزایش تکرارگری در قرائت «انتقام خون رهبر شهید» توسط چهره های اصلاح طلب نهادگرا و ساختارگرا برای معطوف کردن آن به تصمیم ولی دم
- ❖ جامعه شناختی کردن انتقام توسط حمیدرضا جلایی پور با تأکید بر سرمایه اجتماعی تشیع میلیونی و هشدار نسبت به انحصارگری رادیکال ها
- ❖ نفی خون خواهی جمعی توسط سروش محلاتی با استناد به آیات قرآن و تکیه بر عفو و صلح به عنوان حق قابل گذشت ولی دم
- ❖ تلاش محسن هاشمی رفسنجانی برای اعتبارزدایی از سیاست های کلان رهبری شهید در چارچوب نقد کارنامه سه دهه اخیر نظام با گزینش گری تاریخی
- ❖ تقدم دیپلماسی بر میدان توسط اصلاح طلبان با تأکید بر بازگشت به تفاهمنامه و مدیریت بحران از طریق مذاکره با میانجی های منطقه ای و حقوق بین الملل

رصد و تحلیل

تمرکز جریان اصلاحات بر خوشه بندی نگرش های سیاسی - اجتماعی جامعه ایرانی در قبال حاکمیت

به تازگی پژوهش «گونه شناسی سیاسی ایرانیان» (آرش نصر اصفهانی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات) در محافل و منابع اصلاح طلب دست به دست می شود. این گزارش مبتنی بر موج چهارم

پیمایش ملی ارزش‌ها، باشناسایی شش خوشه نگرشی، تصویری چندلایه از جامعه ارائه می‌دهد.

یافته‌های کلیدی پژوهش:

- ❖ شش خوشه شامل «منتقدان سکولار عدالت‌خواه» (۲۴٪ با ۸۲٪ نارضایتی)، «منتقدان محافظه‌کار» (۱۵٪)، «مذهبیان غیرایدئولوژیک حامی نظم» (۲۰٪)، «اسلام‌گرایان میانه‌رو» (۱۵٪)، «اسلام‌گرایان حامی حکومت» (۱۳٪) و «سکولارهای آزادی‌خواه» (۱۲٪) شناسایی شده‌اند.
- ❖ پژوهش نشان می‌دهد دوگانه‌های رایج مانند سنت / مدرنیته یا دین‌دار / سکولار برای توضیح جامعه کافی نیستند. خوشه‌های میانی ثابت می‌کنند که دینداری الزاماً به معنای حمایت از حکومت نیست و نقد سیاسی با رویکرد محافظه‌کارانه فرهنگی قابل جمع است. همچنین خوشه‌های سکولار عمدتاً جوان، تحصیل‌کرده و شهری هستند، در حالی که مذهبیان غیرایدئولوژیک در میان اقشار کم‌برخوردار روستایی متمرکزند.

اهداف اصلاح‌طلبان از بازنشر:

۱. تغییر گفتمان از دوگانه‌های ساده‌ساز به تحلیل داده‌محور و طراحی پیام برای هر خوشه.
۲. جذب خوشه‌های میانی با تأکید بر عدالت اقتصادی و اصلاحات درون‌سیستمی.
۳. ارائه هشدار غیرتهدیدآمیز به حاکمیت درباره کاهش اعتماد نهادی در میان جوانان تحصیل‌کرده.

برآیند:

بازنشر این گزارش، یک کنش فعالانه در مواجهه با حاکمیت است. اصلاح‌طلبان با استناد به داده‌های رسمی، نقد خود را از سطح منازعات ایدئولوژیک به سطح واقعیت‌های عینی منتقل می‌کنند و هزینه سیاسی نقد را کاهش می‌دهند. این گزارش به حاکمیت پیام می‌دهد که جامعه یکپارچه نیست و مسیر ثبات از پذیرش تکرر می‌گذرد. همچنین اصلاح‌طلبان با نشان دادن نارضایتی در میان خوشه‌های مذهبی، استدلال می‌کنند که حتی پایگاه سنتی نظام نیز خواستار تغییرات اقتصادی و اجتماعی است؛ بدون آنکه اتهام براندازی به آنها وارد شود. این استراتژی، اصلاح‌طلبان را از موقعیت «معترض حاشیه‌ای» به «مشاور دلسوز» منتقل می‌کند؛ جابه‌جایی که ارزش راهبردی بالایی دارد.

تداوم انتشار قرائت‌های مختلف پیرامون مسئله «انتقام خون رهبر شهید» همزمان با تلاش جریان ساختارگرای معطوف ساختن موضوع مذکور به «تصمیم‌ولی‌دم» تا اقدام جمعی / حاکمیتی

در پی شهادت آیت‌الله خامنه‌ای، بحث «انتقام خون رهبر شهید» به یکی از محورهای اصلی گفتمان سیاسی ایران تبدیل شده است. در این میان، سه رویکرد متمایز از سوی چهره‌های شاخص

اصلاح طلب نهادگرا (حمیدرضا جلایی پور)، اصلاح طلب ساختارگرا (سروش محلاتی) و روحانیت اصولگرا (حجت الاسلام مجتهدزاده) ارائه شده که هر یک خوانش متفاوتی از تکلیف شرعی، سیاسی و راهبردی انتقام دارند.

سه رویکرد به انتقام خون رهبر شهید

۱. رویکرد اصلاح طلب نهادگرا (جلایی پور): انتقام در چارچوب منافع ملی و وحدت

❖ حمیدرضا جلایی پور با تحلیل جامعه شناختی از تشییع میلیونی، انتقام رانه یک امر شرعی صرف، بلکه یک «مسئله ملی و راهبردی» می داند. او بر دوسرمایه اجتماعی ایجاد شده (اجتماعات شبانه و تشییع) تأکید کرده و هشدار می دهد که «انحصارگری رادیکال ها» در پرچم های سرخ انتقام، وحدت ملی را خدشه دار می کند. از منظر او، مهم ترین بازدارنده، «حمایت ۹۰ میلیون ایرانی با پرچم ایران» است، نه شعارهای شعاری. وی انتقام را با «عبور عزتمندان از پیچ جنگ» پیوند می زند و هرگونه اقدام بدون پشتیبانی عمومی را خطرناک می خواند. در این دیدگاه، اولویت با «مدیریت بحران، کاهش شکاف های اجتماعی و حفظ سرمایه ملی» است و انتقام باید در چارچوب مصالح کلان کشور، نه هیجانات لحظه ای، تعریف شود.

۲. رویکرد اصلاح طلب ساختارگرا (سروش محلاتی): نفی خون خواهی جمعی و تکیه بر عفو و صلح

❖ محلاتی با استناد به آیات قرآن (نحل / ۱۲۶، شورا / ۴۰) و سیره معصومین، خون خواهی را «حق ولی دم» می داند، نه «تکلیف عمومی». او با نقد تاریخی شعار «یا ثارات الحسین» آن را ابزاری برای قدرت طلبی (مانند مختار و بنی عباس) معرفی کرده و تأکید می کند که ائمه هرگز چنین شعاری را تعلیم ندادند. وی با اشاره به آیه «فَأَغْضَوْا وَأُصْفَحُوا» (مائده / ۱۳) حتی در برابر یهودیان پیمان شکن، بر «تفاهم و کاهش خشونت» تأکید دارد. در این نگاه، «قصاص حق است اما تکلیف نیست» و اولویت با «جلوگیری از آسیب به نظام و مردم» و «اصلاح گری» است. محلاتی کمک به مظلوم را وظیفه می داند اما آن را مشروط به پیمان های بین المللی و عقلانیت سیاسی می کند و هرگونه اقدام عجولانه را محکوم می نماید.

۳. رویکرد روحانیت اصولگرا (مجتهدزاده): انتقام، تکلیف شرعی و حکومتی قطعی

❖ مجتهدزاده با نقد دیدگاه جوادی آملی (که پیشتر منتشر شده بود)، انتقام را «فریضه حکومتی» در چارچوب ولایت مطلقه فقیه می داند و آن را از مصادیق «نفی سبیل» و «قصاص اجتماعی» (اسراء / ۳۳) برمی شمارد. او با استناد به قاعده «منصب الفقیه منصب الرسول»، اختیار انتقام را در عصر غیبت برای ولی فقیه محفوظ می داند و اقداماتی مانند واقعه مختار را تأیید شده از سوی امام سجاد (ع) معرفی می کند. وی تأکید دارد که «مهیا بودن شرایط» نباید به بهانه ای برای سکون تبدیل

شود و با اشاره به وعده‌های الهی (محمد / ۷، شعرا / ۶۲)، بر «ایمان به امدادهای غیبی» و «بازدارندگی تهاجمی» تأکید دارد. در این گفتمان، انتقام با تشخیص ولی امر قطعی شده و هرگونه تردید در آن، خلاف روح ولایت‌پذیری و تشویق دشمن به ادامه جنایت است.

جمع‌بندی تطبیقی:

- ❖ مبنا: جلایی‌پور (ملی / اجتماعی)، محلاتی (شرعی / تاریخی)، مجتهدزاده (فقهی / ولایی).
- ❖ نتیجه‌گرایی: جلایی‌پور بر هزینه‌های اجتماعی، محلاتی بر عواقب خشونت‌آمیز و مجتهدزاده بر عبرت‌آموزی و بازدارندگی تأکید دارند.
- ❖ نقطه افتراق کلیدی: مجتهدزاده انتقام را «تکلیف»، محلاتی آن را «حق قابل گذشت» و جلایی‌پور آن را «ابزاری برای وحدت ملی» می‌داند.
- ❖ نقطه اشتراک: هر سه بر ضرورت «دفاع از کشور» تأکید دارند، اما در ماهیت، زمان و کیفیت اقدام، اختلاف بنیادین دارند.

نتیجه راهبردی:

در شرایط جنگی کنونی، حاکمیت با سه گفتمان روبه‌روست: گفتمان انقلابی تکلیف‌محور (اصولگرا)، گفتمان مدعی عقلانیت‌گرایی هزینه‌پرهیز (اصلاح‌طلب ساختارگرا) و گفتمان ملی‌گرایی وحدت‌آفرین (اصلاح‌طلب نهادگرا). انتخاب هر یک، مسیر آینده جنگ، سرمایه اجتماعی و جایگاه بین‌المللی ایران را تعیین خواهد کرد. به زعم بسیاری از تحلیلگران داخلی تحقق «انتقام هوشمند» مستلزم آشتی میان «تکلیف شرعی»، «مصلحت نظام» و «همبستگی ملی» است.

تلاش محسن هاشمی رفسنجانی برای اعتبارزدایی از سیاست‌های کلان رهبری شهید در چارچوب نقد کارنامه «سه دهه‌ی اخیر نظام»

سرمقاله‌ی روزنامه‌ی سازندگی به قلم محسن هاشمی رفسنجانی، نه یک تحلیل بی‌طرفانه، بلکه بیانیه‌ای سیاسی-تاریخی در لفافه است که با بهره‌گیری از بستر شهادت رهبر انقلاب، تلاش می‌کند گزینشی‌ترین روایت ممکن از کارنامه‌ی نظام را به عنوان تنها حقیقت مسلم به افکار عمومی تحمیل کند. مهم‌ترین لایه پنهان متن، پرهیز از ذکر مستقیم نام رهبر شهید در جایگاه منتقد عنه و به جای آن، برجسته‌سازی افراطی مقاطع تعامل با غرب (برجام، تعلیق، همکاری با ائتلاف ضد طالبان) در مقابل ابهام‌سازی و اتهام‌پراکنی به راهبردهای مقاومت است. این روش، امکان طرح این پرسش را فراهم می‌کند که آیا نویسنده در پی قضاوت ضمنی درباره‌ی کل رویکردهای رهبری شهید در دهه‌های اخیر است؟

سازوکار اتهامی و گزینش گری تاریخی:

متن بادقت، «دوراهی» را به گونه ای تعریف می کند که راه اول (تفاهم با غرب) نه فقط منطقی، که پیروزمندانه جلوه داده شود و راه دوم (مقاومت) توأم با ابهام، هزینه، و ناتوانی معرفی گردد. اما این **دوگانه سازی**، مرتکب چند خطای فاحش می شود:

۱. **حذف داده های کلیدی:** متن از ذکر این واقعیت که برجام نیز مورد نقض یک جانبه ی آمریکایا قرار گرفت و این "تعامل" به خروج ترامپ و تحریم های فلج کننده انجامید، به کلی عبور کرده است. در مقابل، هیچ اشاره ای به دستاوردهای راهبردی مقاومت (مانند بازدارندگی موشکی یا عمق راهبردی در منطقه) وجود ندارد.

۲. **مصادره ی تاریخ به نفع یک جریان خاص:** با برجسته کردن تصمیماتی که در دوران اخیر با تأیید رهبری شهید اتخاذ شده، اما همسو با رویکرد جریان سیاسی خاصی بوده، تلاش می کند این گونه القا کند که "تنها تصمیمات معقول، آن هایی بودند که با غرب تعامل داشتند" و به تبع آن، هر نوع رویکرد مبتنی بر مقاومت، اشتباهی تاریخی قلمداد می شود. این یعنی نادیده گرفتن سیاست های چندوجهی و اقتضایی رهبری در طول سال های مختلف.

۳. **اتهام به جریان نفوذ با مقصدی مشخص:** ادعای «نفوذ روسی - عبری برای برهم زدن توافق»، در حالی که مستندات محکمی ندارد، صرفاً برای متهم کردن جبهه ی انقلاب به همسویی با دشمن طراحی شده، در حالی که خود متن از تأثیر نهادهای رسمی و مورد تأیید نظام برای دفاع از امنیت ملی غافل است.

اهداف محسن هاشمی:

واقعیت آن است که رهبر شهید، در هر مقطع، بر اساس منافع ملی و توانمندی های کشور، راهبرد تعامل یا مقاومت را انتخاب کرده اند؛ نه یک خط ثابت، که یک مدیریت هوشمندانه ی فراز و فرودها. اما سرمقاله ی یاد شده، با حذف این چندگانگی، تلاش دارد یک روایت خطی و جریانی ساز بسازد که فقط بر تعامل با غرب مهر تأیید می زند و هرگونه سیاست مبتنی بر استقلال و ایستادگی را به حاشیه می راند. این، نه روشنفکری، که تاریخ فروشی و مصادره ی کارنامه ی یک دوره به نفع یک جریان حذف شده از قدرت است؛ آن هم در بحرانی ترین شرایط ملی که نیازمند وفاق و انسجام است، نه بازگشایی پرونده های کهنه با ادبیات فرافکنانه.

نتیجه گیری:

این سرمقاله، بیش از آنکه به حل دوراهی کشور کمک کند، خود بخشی از دوراهی تازه ای است: میان واقع گرایی مبتنی بر تاریخ کامل و تفسیر دلخواه از تاریخ. ضروری است مراکز پژوهشی و

رسانه‌های معتمد، با انتشار اسناد و مصاحبه‌های کارشناسی، این گزینش‌گری تاریخی را خنثی کنند و به عموم مردم نشان دهند که راهبردهای نظام، همواره بر اساس شرایط و نه تعصب، طراحی شده و هر دو مسیر تعامل و مقاومت، در چارچوب عقلانیت انقلابی، معنا پیدا کرده‌اند.

برآیند رویکرد جریان اصلاحات نسبت به وضعیت آتی کشور، همزمان با تقویت گذاره «دیپلماسی» در برابر «میدان»

در روزهای اخیر و همزمان با سه رویداد همزمان میدانی، جریان اصلاح طلب با قرائت «تقدم دیپلماسی بر میدان» بر بازگشت به چارچوب تفاهمنامه به عنوان محور تنش زدایی تأکید کرده است. این رویکرد، ضمن پذیرش واقعیت‌های جنگ، مذاکره با میانجی‌های منطقه‌ای و بهره‌گیری از ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل را راهکار مدیریت بحران می‌داند. اصلاح طلبان با استناد به اظهارات علی باقری که تنها مخالفان تفاهم را «تندروهای داخلی و نتانیا‌هو» معرفی کرده، بر ضرورت آسیب‌شناسی پیشین و تصویب در شورای عالی امنیت ملی برای هرگونه بازگشت رسمی پای می‌فشارند.

سه پرونده اصلی دیپلماسی

مطابق داده‌های میدانی، سه پرونده کلیدی در دستور کار دیپلماسی ایران قرار دارد:

❶ نخست، اسارت سه خلبان نیروی هوایی در قطر که بر اساس کنوانسیون سوم ژنو، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ موظف به دیدار و راستی‌آزمایی سلامت آنان است؛ به باور برخی اصلاح طلبان این پرونده نه تنها یک مطالبه حقوق بشری، بلکه آزمونی برای پایبندی میانجی منطقه‌ای به قواعد بشردوستانه محسوب می‌شود.

❷ دوم، یکی از مسائل مورد توجه رسانه‌های اصلاح طلب، مرزبندی مفهومی میان «آتش بس موقت» و «خاتمه جنگ» که وزیر امور خارجه و رئیس مجلس بر آن تأکید دارند. به گفته مقامات، تفاهم اسلام‌آباد خاتمه جنگ را تعریف کرده و دوره ۶۰ روزه صرفاً فرصت مذاکره برای توافق نهایی بوده است. به زعم اصلاح طلبان روایت قالبیاف از پاسخ فوری تهران به نقض تفاهم و عقب نشینی ترامپ در ۵۸ دقیقه، نشان دهنده نقش انسجام داخلی در راستی‌آزمایی توافقات است.

❸ سوم، به باور اصلاح طلبان مسئله مذاکرات فنی با عمان برای تعیین نقشه ناوبری جدید در تنگه هرمز یکی از حیاتی‌ترین پرونده‌های فعلی دیپلماسی است. هرچند بازگشایی تنگه منوط به پایبندی یکجانبه آمریکا به چارچوب‌های قبلی است.

رسانه‌های اصلاح طلب با استناد به تحلیل‌گران بین‌المللی مانند مارک گینزبرگ و فرید زکریا بر شکست راهبرد فشار حداکثری و بی‌اعتباری اظهارات متناقض آمریکا صحنه گذاشته‌اند. از منظر

راهبردی، آنچه از مجموعه داده‌ها برمی‌آید، هم‌پوشانی رویکرد اصلاح طلبان با مسیر دیپلماسی است: بازگشت به تفاهم‌نامه، مشروط به پایبندی طرف مقابل، راستی‌آزمایی مستمر و پشتیبانی نهادهای رسمی، به زعم آنان می‌تواند نسخه‌ای کارآمد برای مدیریت تنش‌ها باشد، به شرط آنکه دیپلماسی نه به عنوان عقب‌نشینی، بلکه ادامه میدان با ابزارهای حقوقی و مذاکراتی تعریف شود. این راهبرد، تاب‌آوری ملی را با ظرفیت‌های بین‌المللی پیوند می‌زند و از تکرار تجربه‌های پیشین در بی‌اعتمادی به تعهدات شفاهی جلوگیری می‌کند.

روندها و تحلیل‌های امنیتی، نظامی و دفاعی

خلاصه مدیریتی - مهم‌ترین محورهای رسانه‌ای

- ❖ برجسته‌سازی فرسودگی خدمه «آبراهام لینکلن» در رسانه‌های غربی برای بازنمایی هزینه انسانی و روانی استقرار طولانی مدت در جنگ ایران
- ❖ تصویرسازی منفی از کیفیت پشتیبانی نیروی دریایی آمریکا با تمرکز بر کمبود مواد غذایی، اختلال آب گرم، مشکلات بهداشتی و تأخیر بسته‌های خانوادگی
- ❖ پررنگ‌سازی سرایت مشکلات روحی و رفاهی از «آبراهام لینکلن» به «یواس اس باکسر» برای تبدیل بحران یک ناو به مسئله‌ای فراگیرتر در ناوگان منطقه‌ای آمریکا
- ❖ بازنمایی سفر فرمانده سنتکام به «آبراهام لینکلن» به عنوان تلاش برای جایگزینی روایت «فرسایش» با «ایستادگی و افتخار عملیاتی»
- ❖ برجسته‌سازی شکاف میان روایت خانواده‌های نظامیان و مواضع رسمی پنتاگون برای تشکیک در نحوه مدیریت شرایط خدمه
- ❖ پررنگ‌سازی انتقال «جورج واشینگتن» از اقیانوس آرام برای القای محدودیت آمریکا در توزیع هم‌زمان قدرت دریایی میان خاورمیانه و شرق آسیا
- ❖ هراس افکنی «هیل» از شکل‌گیری «جنگ جهانی چهارم» بر پایه حملات سایبری، هوش مصنوعی، عملیات ادراکی و سامانه‌های خودکار
- ❖ تصویرسازی از امکان فلج شدن آب، برق، نظام مالی، حمل و نقل و ماهواره‌های آمریکا بدون توسل به جنگ متعارف یا هسته‌ای
- ❖ برجسته‌سازی حملات منتسب به هکرهای مرتبط با ایران علیه سامانه‌های آب آمریکا برای نشان دادن قابلیت تهدید زیرساخت‌های داخلی این کشور
- ❖ آینده‌هراسی از کاربرد دیپ فیک و پهپادهای از پیش مستقر برای ترکیب جنگ ادراکی، سایبری و حملات فیزیکی علیه آمریکا
- ❖ تشکیک در مزیت فناورانه واشینگتن با القای اینکه گسترش هوش مصنوعی و خودکارسازی هم‌زمان دامنه نقاط قابل نفوذ را افزایش می‌دهد
- ❖ برجسته‌سازی زرادخانه نمایش داده شده در پایگاه «تزریفین» برای بازنمایی حزب الله به عنوان بخشی از شبکه گسترده تسلیحاتی فرامرزی
- ❖ پررنگ‌سازی منشأ ایرانی بخشی از تسلیحات برای تثبیت نقش تهران به عنوان یکی از منابع اصلی تجهیز حزب الله
- ❖ این همانی ادراکی دشمنان کنونی رژیم صهیونیستی با نمادهای نازیسم از طریق برجسته‌سازی

- تسلیمات آلمانی متعلق به جنگ جهانی دوم
- ❖ تکرار ادعای استقرار تجهیزات حزب الله در منازل مسکونی برای زمینه سازی روایی جهت توجیه عملیات نظامی در روستاهای جنوب لبنان
- ❖ اعتبارزدایی از ارتش لبنان با القای ناتوانی آن در خلع سلاح حزب الله و پاک سازی جنوب لبنان از زیر ساخت های نظامی
- ❖ فضا سازی در آستانه مذاکرات امنیتی لبنان برای مشروعیت بخشی به استمرار آزادی عمل و حضور نظامی رژیم صهیونیستی در جنوب این کشور
- ❖ تصویر سازی مثبت «میدل ایست آی» از راهبرد نامتقارن دریایی ایران به عنوان الگوی حفظ اهرم فشار بدون نیاز به شکست مستقیم ناوگان آمریکا
- ❖ مقایسه راهبرد دریایی ایران و اوکراین برای برجسته کردن مفهوم «ممانعت دریایی بدون تسلط بر دریا» در برابر قدرت های نظامی برتر
- ❖ برجسته سازی مین، موشک ساحلی، پهپاد، شناور تندرو، زیر دریایی کوچک و شبکه حسگرها به عنوان معماری تولید هزینه برای واشینگتن
- ❖ تشکیک در تبدیل برتری هوایی آمریکا و رژیم صهیونیستی به پیروزی راهبردی با تأکید بر باقی ماندن اهرم فشار ایران در هرمز
- ❖ پررنگ سازی تفاوت میان «غلبه نظامی» و «تحقق اهداف سیاسی جنگ» برای بازنمایی محدودیت دستاوردهای عملیاتی آمریکا
- ❖ تأکید بر هرمز به عنوان ابزاری برای پرهزینه، نامطمئن و دست نیافتنی کردن اهداف راهبردی آمریکا در جنگ
- ❖ طرح مطالبه تسلیم، آموزش و حمایت اطلاعاتی از مخالفان جمهوری اسلامی به عنوان یکی از اجزای «پیروزی راهبردی» آمریکا بر ایران
- ❖ اعمال فشار برای تداوم حملات نظامی با طرح این ادعا که تحریم اقتصادی و دستاوردهای تاکتیکی موجود برای شکست تهران کافی نیست
- ❖ اعتبارزدایی از هرگونه «راه خروج» یا توافق میانی با بازنمایی پایان جنگ بدون پیروزی به عنوان نشانه ضعف واشینگتن
- ❖ هراس افکنی از بازگشت ایران به برنامه هسته ای در صورت توقف جنگ برای توجیه استمرار فشار نظامی
- ❖ برجسته سازی نتیجه جنگ ایران به عنوان آزمونی برای اعتبار بازدارندگی آمریکا در برابر چین، روسیه و کره شمالی

- ❖ پررنگ سازی تنگه هرمز به عنوان مسئله ای فراتر از آزادی کشتیرانی و نمادی از رقابت بر سر تعیین قواعد عبور دریایی
- ❖ مقایسه هرمز با دریای چین جنوبی برای القای اینکه عقب نشینی آمریکا در برابر ایران می تواند چین را به اعمال کنترل مشابه تشویق کند
- ❖ برجسته سازی نارضایتی متحدان عرب خلیج فارس از سیاست های ترامپ برای بازنمایی فرسایش اعتماد سیاسی به واشینگتن
- ❖ بازتاب جهت دار توصیف سیاست آمریکا به عنوان «بی ثبات و غیرقابل پیش بینی» برای تشدید تصویر بحران اعتماد میان واشینگتن و شرکای منطقه ای
- ❖ تشکیک در اعتبار «چتر امنیتی آمریکا» با تمرکز بر استمرار حملات موشکی و پهپادی و افزایش هزینه حفاظت از زیرساخت های عربی
- ❖ طرح موضوع بازاندیشی در ارزش میزبانی تأسیسات نظامی آمریکا برای نشان دادن انتقال نارضایتی از سطح سیاسی به معماری امنیتی منطقه
- ❖ برجسته سازی توافق دفاعی عربستان، ترکیه و پاکستان به عنوان نشانه تلاش دولت های منطقه برای تنوع بخشی به شرکای امنیتی
- ❖ بازنمایی جنگ ایران به عنوان عامل شتاب دهنده فرسایش انحصار واشینگتن در تولید امنیت خلیج فارس
- ❖ برجسته سازی انتشار داده های بیش از هزار و سیصد کاربر نظامی آمریکا در «استراوا» برای تصویرسازی از آسیب پذیری اطلاعاتی پایگاه های منطقه
- ❖ هراس افکنی از تبدیل مسیرهای ورزشی و زمان بندی روزانه نظامیان به ابزاری برای شناسایی خوابگاه ها، ورودی ها و نقاط تجمع
- ❖ پررنگ سازی امکان رصد تغییر تراکم فعالیت کاربران برای تشخیص آماده باش، تخلیه یا تقویت یک پایگاه پیش از عملیات
- ❖ برجسته سازی استفاده از نام واقعی نظامیان برای هشدار درباره امکان شناسایی تخصص، یگان و شبکه ارتباطی آنان
- ❖ اعتبارزدایی از انضباط امنیت عملیاتی ارتش آمریکا با تأکید بر ادامه انتشار داده ها با وجود هشدارها و محدودیت های قبلی پنتاگون
- ❖ برجسته سازی گزارش «فایننشال تایمز» درباره مصرف تقریباً کامل رهگیرهای پاتریوت اوکراین برای تصویرسازی از بحران ذخایر پدافندی غرب
- ❖ پررنگ سازی نقش جنگ خاورمیانه در افزایش مصرف رهگیرهای آمریکایی و تشدید رقابت میان

جبهه‌های مختلف بر سر مهمات محدود

❖ آینده‌هراسی از کاهش ذخایر آمریکا در آسیا و پیامد آن برای آمادگی واشینگتن در برابر بحران احتمالی با چین

❖ برجسته‌سازی قراردادهای جدید تولید رهگیرها برای نشان دادن تبدیل ظرفیت صنعتی به یکی از گلوگاه‌های اصلی قدرت نظامی غرب

❖ پررنگ‌سازی انتقال احتمالی سامانه‌ها و سهمیه مهمات میان اوکراین، خلیج فارس و اقیانوس آرام برای آشکارسازی تعارض اولویت‌های نظامی آمریکا

❖ تأکید بر نسبت «سرعت مصرف» و «سرعت جایگزینی» به عنوان متغیر تعیین‌کننده در تداوم جنگ‌های فرسایشی

❖ برجسته‌سازی پراکندگی جغرافیایی تجمعات کارگری، بازنشستگی و معیشتی برای تصویرسازی از وضعیت «نارضایتی چندکانونی بدون اتصال سراسری»

❖ تأکید بر بنزین، برق و گاز، کالاهای اساسی، دارو و معوقات مزدی به عنوان محتمل‌ترین محرک‌های غیرسیاسی برای گسترش اعتراضات

❖ هشدار درباره هم‌زمانی چند بحران معیشتی و خدماتی به عنوان عامل تبدیل نارضایتی‌های پراکنده به ادراک «اختلال عمومی در اداره امور»

❖ برجسته‌سازی بازتولید رسانه‌ای حافظه اعتراضات دی‌ماه برای حفظ زمینه روانی و تسریع احتمالی سیاسی شدن اعتراضات جدید

❖ هشدار درباره پیوندگذاری رسانه‌ای میان «معیشت» و «جنگ» برای بازتعریف مطالبات اقتصادی در قالب روایت سیاسی ضدجنگ و ضدحاکمیتی

❖ برجسته‌سازی اظهارات مایک پمپئو درباره حمایت از مخالفان جمهوری اسلامی برای نشان دادن امکان پیوند فشار خارجی با بهره‌برداری از نارضایتی‌های داخلی

❖ تأکید بر سیستان و بلوچستان، تهران و شهرهای دارای شبکه‌های کارگری و اعتراضات تکرارشونده به عنوان کانون‌های دارای ظرفیت بیشتر برای آغاز یا اتصال اعتراضات

رصد و تحلیل

تداوم تمرکز بر «آبراهام لینکلن» و تبدیل شرایط خدمه آن به نماد فرسایش جنگ ایران بر نیروی دریایی آمریکا

رسانه‌های آمریکایی و غربی همچنان پرونده ناو هواپیمابر «آبراهام لینکلن» را باز نگه داشته‌اند و ابعاد شرایط خدمه، فشار روانی، محدودیت‌های تدارکاتی و پیامدهای مأموریت طولانی آن را

برجسته می‌کنند. این پوشش رسانه‌ای دیگر درباره یک ناو نیست، بلکه به معیاری برای سنجش هزینه انسانی و عملیاتی جنگ ایران بر ساختار نیروی دریایی آمریکا تبدیل شده است.

۱. تداوم روایت از فرسودگی خدمه و افت کیفیت زندگی

❖ «ان پی آر»، «گاردین»، «یواس ای تودی» و «تایمز آو ایندیا» به کمبود مواد غذایی، اختلال در آب گرم، سرویس‌های بهداشتی، آلودگی، تأخیر بسته‌های خانوادگی و فشار ناشی از بیش از ۲۵ روز حضور در دریا پرداخته‌اند. انتشار تصویر غذایی شامل ترکیبی محدود از اقلام موجود نیز به تقویت روایت «کمبود و افت کیفیت پشتیبانی» کمک کرده است.

۲. عبور بحران روانی از لینکلن و سرایت به دیگر شناورها

❖ گزارش‌های تازه نشان می‌دهد نگرانی‌های مربوط به سلامت روان صرفاً به «آبراهام لینکلن» محدود نمانده است. خانواده ملوانان «یواس اس باکسر» نیز از ماه‌ها حضور بدون توقف بندری، فرسودگی نیروها و کمبود اقلام بهداشتی، به ویژه برای زنان، سخن گفته‌اند. این روند، مسئله را از یک بحران موردی به نشانه‌ای از فشار بر ناوگان مستقر در منطقه ارتقا می‌دهد.

۳. ورود مستقیم فرمانده سنتکام به صحنه مدیریت روایت

❖ سفر دریا سالار برد کوپر، فرمانده سنتکام، به لینکلن در پایان سفر ده روزه منطقه‌ای، واجد معنای رسانه‌ای است. او با تمجید از خدمه، این استقرار را یکی از «شدیدترین و تعیین‌کننده‌ترین» مأموریت‌های معاصر توصیف کرد. این حضور رami توان تلاشی برای بازتعریف شرایط ناواز «فرسایش» به «ایستادگی و افتخار عملیاتی» دانست.

۴. تشدید شکاف میان روایت خانواده‌ها و روایت رسمی پنتاگون

❖ در حالی که خانواده‌ها و برخی نمایندگان کنگره از افت روحیه، مشکلات معیشتی و نگرانی‌های روانی سخن می‌گویند، پنتاگون و نیروی دریایی افزایش خودکشی یا از دست رفتن کنترل وضعیت را رد کرده‌اند. همین تضاد، به رسانه‌ها امکان داده است پرونده لینکلن را به منازعه‌ای درباره صداقت نهادهای دفاعی، کیفیت فرماندهی و نحوه مدیریت جنگ تبدیل کنند.

۵. جایگزینی با «جورج واشینگتن» و انتقال فشار به اقیانوس آرام

❖ حرکت ناو «جورج واشینگتن» از غرب اقیانوس آرام برای جایگزینی لینکلن، در رسانه‌ها صرفاً یک جابه‌جایی فنی تلقی نشده است. «آسوشیتد پرس» و «الجزیره» بر این نکته تمرکز کرده‌اند که انتقال یک ناو از آسیا، در مقطعی که رقابت با چین ادامه دارد، نشان‌دهنده محدود شدن حاشیه مانور آمریکا در مدیریت هم‌زمان چند جبهه است.

جمع‌بندی و ارزیابی

تداوم برجسته‌سازی «آبراهام لینکلن» نشان می‌دهد این ناوبه نمادی از طولانی شدن جنگ و فرسایش تدریجی ظرفیت دریایی آمریکا تبدیل شده است. اهمیت اصلی روایت‌های جدید در سرایت نگرانی‌ها به شناورهای دیگر، ورود فرمانده سنتکام برای مهار آثار ادراکی بحران و جابه‌جایی ناو از اقیانوس آرام نهفته است. اگر این روند ادامه یابد، مسئله دیگر صرفاً شرایط یک ناو نخواهد بود، بلکه به پرسشی درباره پایداری الگوی استقرارهای طولانی، توان حفظ روحیه نیروها و ظرفیت واشینگتن برای توزیع قدرت دریایی میان چند صحنه راهبردی بدل خواهد شد.

هشدار درباره «جنگ جهانی چهارم»؛ تصویرسازی از آسیب‌پذیری آمریکا در برابر حملات سایبری، هوش مصنوعی و جنگ رباتیک

داگ مک‌کینون، مقام پیشین کاخ سفید و پنتاگون، در یادداشتی برای «هیل» با عنوان «آیا آمریکا هم اکنون در جنگ جهانی چهارم است و در حال باختن؟» استدلال می‌کند که تهدید اصلی آینده الزاماً از مسیر جنگ هسته‌ای یا موشک‌های بالستیک عبور نخواهد کرد، بلکه می‌تواند از ترکیب حملات سایبری، هوش مصنوعی، عملیات ادراکی و سامانه‌های خودکار شکل بگیرد. محور مقاله، هشدار نسبت به وابستگی فزاینده زیرساخت‌های آمریکا به فناوری‌های شبکه محور و تبدیل همین مزیت فناورانه به یک آسیب‌پذیری راهبردی است.

مک‌کینون با طراحی سناریویی فرضی از حمله چین، مجموعه‌ای از اهداف را برمی‌شمارد: قطع آب و برق، اختلال در نظام مالی، از کار انداختن حمل و نقل، شبکه‌های ریلی و کشتیرانی، خارج کردن ماهواره‌ها از مدار عملیاتی و استفاده از دیپ‌فیک‌های هوش مصنوعی برای القای آشفتگی و بی‌اعتبارسازی رهبران آمریکا. در مرحله بعد، نویسنده از استقرار انبوه پهپادهای از پیش موضع‌گیری شده در داخل یا پیرامون آمریکا سخن می‌گوید؛ تصویری از پیوند جنگ سایبری با عملیات فیزیکی غیرمتعارف.

«هیل» برای تقویت این هشدار، به حملات منتسب به هکرهای مرتبط با ایران علیه سامانه‌های آب در چند ایالت آمریکا و هشدار نهادهای فدرال درباره اختلال در تأسیسات آب و فاضلاب استناد می‌کند. مقاله همچنین گزارش سال ۲۰۱۸ دفتر پاسخگویی دولت آمریکا را یادآوری می‌کند که از آسیب‌پذیری‌های سایبری در شماری از سامانه‌های تسلیحاتی آزمایش شده خبر داده بود.

نویسنده گسترش ارز دیجیتال، خودروهای خودران، زیرساخت‌های هوشمند، رباتیک و ارتش‌های خودکار را نه فقط نشانه پیشرفت، بلکه عامل افزایش نقاط نفوذ و اختلال برای دشمنان آمریکا می‌داند. از نگاه او، وابستگی گسترده به هوش مصنوعی می‌تواند ساختار

دفاعی و اجتماعی آمریکا را در برابر بازیگران دولتی و غیردولتی آسیب پذیرتر کند.

جمع بندی و تحلیل

اهمیت این یادداشت بیش از آنکه در پیش بینی «جنگ جهانی چهارم» باشد، در بازتاب نگرانی فزاینده بخشی از نخبگان امنیتی آمریکا از شکنندگی زیرساخت های دیجیتال این کشور است. مقاله با اشاره به سناریوهای حمله هم زمان سایبری، ادراکی و پهپادی بر یک تناقض راهبردی دست می گذارد: هرچه مزیت آمریکا بیشتر به اتصال، خودکارسازی و هوش مصنوعی متکی شود، دامنه اهداف قابل اخلاص نیز گسترش می یابد. با این حال، بخش مهمی از متن ماهیت فرضی دارد و نباید با ارزیابی قطعی از وقوع چنین جنگی یکسان تلقی شود.

بهره برداری رسانه ای اسرائیل از نمایش زرادخانه توقیفی حزب الله برای توجیه تداوم حضور در جنوب لبنان

گزارش اختصاصی فاکس نیوز از پایگاه «تزرفین» ارتش رژیم صهیونیستی رامی توان بخشی از یک عملیات رسانه ای هدفمند برای بازنمایی ابعاد تسلیحاتی محور مقاومت و مشروعیت بخشی به استمرار اقدامات نظامی اسرائیل در لبنان ارزیابی کرد. دسترسی ویژه خبرنگار این شبکه به انبار تجهیزات ادعایی توقیفی از حزب الله و حماس، مجموعه ای متنوع از موشک ها، پهپادها، خمپاره ها، سلاح های تک تیرانداز، تجهیزات ضد زره و تسلیحات ساخت ایران، روسیه، چین و برخی کشورهای دیگر را در معرض نمایش قرار داده است.

مهم ترین مؤلفه های این روایت رسانه ای عبارتند از:

❶ برجسته سازی منشأ چند ملیتی تسلیحات حزب الله؛ فاکس نیوز با تأکید بر وجود تسلیحات ایرانی، روسی، چینی، اتریشی، ترکی و حتی تجهیزات تولید شده در سوریه و لبنان، تلاش می کند حزب الله را نه صرفاً یک نیروی بومی، بلکه بخشی از شبکه گسترده تأمین تسلیحات فرامرزی معرفی کند. نمایش نمونه ایرانی سلاح تک تیرانداز «اشتایر» و ادعای کشف ده ها قبضه توپ ساخت ایران نیز در همین چارچوب قرار دارد.

❷ استفاده از عناصر نمادین و تاریخی برای افزایش بار روانی گزارش؛ برجسته کردن کشف مسلسل آلمانی MG-۳۴ و تفنگ StG-۴۴ متعلق به دوران نازی، اگرچه از نظر عملیاتی ارتباط محدودی با توان کنونی حزب الله دارد، اما به گزارش امکان می دهد از بار تاریخی نماد نازیسم برای ایجاد پیوند ادراکی میان دشمنان کنونی اسرائیل و یکی از حساس ترین مؤلفه های حافظه تاریخی یهودیان استفاده کند.

❸ تثبیت روایت استفاده نظامی از مناطق مسکونی جنوب لبنان؛ فرمانده اسرائیلی حاضر در گزارش

مدعی شده است شماری از توپ‌ها و تجهیزات حزب‌الله در منازل روستایی مستقر بوده‌اند. این گزاره در امتداد روایت ثابت ارتش رژیم صهیونیستی درباره ادغام زیرساخت نظامی حزب‌الله با محیط غیرنظامی قرار دارد و می‌تواند زمینه روایی لازم برای توجیه عملیات‌های آتی در روستاهای جنوب لبنان را فراهم کند.

۴ بازنمایی ارتش لبنان به عنوان بازیگری ناتوان از خلع سلاح حزب‌الله؛ مهم‌ترین پیام سیاسی گزارش در سخنان فرمانده واحد تخلیه تجهیزات توقیفی دیده می‌شود که مدعی است حتی پس از توافق آتش بس نیز ارتش اسرائیل با ورود مجدد به لبنان همچنان مقادیر قابل توجهی سلاح کشف کرده است. نتیجه‌ای که مستقیماً القا می‌شود این است که در صورت عقب‌نشینی کامل اسرائیل، هیچ بازیگر دیگری قادر یا مایل به پاکسازی جنوب لبنان از زیرساخت نظامی حزب‌الله نیست.

۵ پیوند نمایش تسلیحات با مذاکرات پیش‌رو درباره جنوب لبنان؛ درج اظهارات مقام وزارت خارجه آمریکا درباره ادامه روند خلع سلاح حزب‌الله و مذاکرات اوایل سپتامبر در رم نشان می‌دهد گزارش صرفاً ناظر بر نمایش غنائم جنگی نیست، بلکه در فضای مذاکراتی منتشر شده که آینده حضور نظامی اسرائیل، خلع سلاح حزب‌الله و نحوه استقرار ارتش لبنان موضوع اصلی آن است. در مجموع، گزارش فاکس نیوز بیش از آنکه یک گزارش فنی درباره تسلیحات توقیف شده باشد، روایتی امنیتی برای اثبات استمرار تهدید حزب‌الله و ضرورت حفظ آزادی عمل اسرائیل در جنوب لبنان ارائه می‌دهد. با این حال، بخش عمده اطلاعات گزارش مبتنی بر داده‌ها و توضیحات ارتش رژیم صهیونیستی است و درباره زمان دقیق کشف بسیاری از تجهیزات، نسبت آنها با موجودی فعلی حزب‌الله و امکان راستی‌آزمایی مستقل ادعاها اطلاعات محدودی ارائه شده است. از این منظر، نمایش زرادخانه تزرفین رامی توان بخشی از زمینه‌سازی رسانه‌ای اسرائیل در آستانه مرحله بعدی مذاکرات امنیتی لبنان دانست.

بازنمایی الگوی دریایی ایران به عنوان راهبرد شکست اهداف آمریکا بدون نیاز به پیروزی کلاسیک بر ناوگان این کشور

عمر عاشور، پژوهشگر شناخته شده مطالعات امنیتی، در یادداشتی برای میدل ایست آی با عنوان «چگونه ایران و اوکراین رقبای خود را در دریا به صورت راهبردی غرق می‌کنند»، استدلال می‌کند که نتیجه راهبردی جنگ ایران بیش از آنکه در آسمان تعیین شود، به توان تهران برای حفظ اهرم فشار دریایی در تنگه هرمز وابسته است. از نگاه نویسنده، برتری هوایی آمریکا و رژیم صهیونیستی توانسته خسارات قابل توجهی به ایران وارد کند، اما به فروپاشی ساختار سیاسی، خلع سلاح موشکی یا از میان رفتن ظرفیت اعمال فشار دریایی منجر نشده است.

تفکیک «برتری عملیاتی» آمریکا از «پیروزی راهبردی» در جنگ

❖ عاشور با مقایسه ایران و اوکراین، مفهوم «ممانعت دریایی بدون تسلط بر دریا» را محور تحلیل خود قرار می‌دهد. به اعتقاد او، همان‌گونه که اوکراین بدون برخورداری از ناوگان متعارف توانست با موشک‌های ساحلی، پهپادهای دریایی و عملیات ویژه بخشی از اهداف روسیه در دریای سیاه را مختل کند، ایران نیز نیازی ندارد نیروی دریایی آمریکا را در یک نبرد کلاسیک شکست دهد.

❖ در این چارچوب، مین‌های دریایی، موشک‌های ساحلی، پهپادها، شناورهای تندرو، زیردریایی‌های کوچک، جزایر و شبکه حسگرهای پراکنده ایران اجزای معماری‌ای معرفی می‌شوند که هدف آن نابودی ناوگان آمریکا نیست، بلکه افزایش هزینه حضور، ایجاد ابهام عملیاتی، اخلاص در عبور کشتی‌ها و تحمیل فشار اقتصادی و سیاسی بر واشینگتن و شرکای منطقه‌ای آن است.

تبدیل هرمز از یک جغرافیای دریایی به اهرم تولید هزینه برای آمریکا

❖ نویسنده با مرور تجربه «جنگ نفتکش‌ها» در دهه ۱۹۸۰ تأکید می‌کند که شرایط کنونی با آن مقطع تفاوت دارد؛ زیرا نیروی دریایی سپاه بر پایه پراکندگی، تعدد سامانه‌ها، اختفا و عملیات نامتقارن سازمان یافته و از ابتدا برای جلوگیری از نابودی سریع در برابر یک نیروی دریایی برتر طراحی شده است.

هسته اصلی روایت «میدل ایست آی» آن است که ایران ممکن است بسیاری از درگیری‌های تاکتیکی را واگذار کرده باشد، اما همچنان توانسته بخشی از اهرم راهبردی خود را حفظ کند. در این صورت بندی، آمریکا بر آسمان برتری یافته اما نتوانسته دریا را از معادله جنگ حذف کند و همین مسئله، به تعبیر عاشور، فاصله میان «غلبه نظامی» و «تحقق اهداف سیاسی جنگ» را برجسته کرده است. در نهایت، مقایسه ایران و اوکراین برای تثبیت یک گزاره کلیدی به کار گرفته می‌شود: در عصر پهپادها، موشک‌ها، مین‌ها و شبکه‌های توزیع شده، یک بازیگر ضعیف‌تر الزاماً به شکست ناوگان برتر نیاز ندارد؛ کافی است اهداف راهبردی آن را در دریا پرهزینه، نامطمئن یا دست نیافتنی کند.

ترویج ضرورت «پیروزی راهبردی» بر ایران با طرح هم‌زمان تسلیح اپوزیسیون، تداوم

حملات نظامی و جلوگیری از تثبیت کنترل تهران بر هرمز

شبکه فاکس نیوز در برنامه «زندگی، آزادی ولوین» با میزبانی مارک لوین، گفت‌وگویی با مایک پمپئو، وزیر خارجه و رئیس پیشین سازمان سیا، پخش کرده که در آن پمپئو صریحاً از عبور آمریکا از منطق «راه خروج» و حرکت به سمت یک پیروزی راهبردی علیه جمهوری اسلامی دفاع می‌کند. چارچوب اصلی این گفت‌وگو بر این گزاره استوار است که بازگشایی تنگه هرمز یا توقف موقت درگیری،

به تنهایی معادل پیروزی نیست و واشینگتن باید با ترکیب فشار اقتصادی، عملیات نظامی و حمایت سازمان یافته از نیروهای مخالف ایران، شرایط را به گونه ای تغییر دهد که شکست تهران برای متحدان و رقبای جهانی آمریکا قابل مشاهده باشد.

❶ پمپئو در بخش نخست گفت وگو، در پاسخ به پرسش لوین درباره چرایی عدم حمایت آشکار آمریکا از نیروهای مخالف جمهوری اسلامی، ابراز امیدواری کرد چنین اقداماتی به صورت محرمانه در حال انجام باشد. او تأکید کرد ایالات متحده می تواند با کمک رژیم صهیونیستی، گروه های مناسب را شناسایی و ابزار، مهمات، تجهیزات ارتباطی و سایر ظرفیت های لازم را در اختیار آنان قرار دهد. به گفته وی، تجربه های گذشته سیار در مسلح کردن نیروهای مخالف، الگویی است که می تواند در پرونده ایران نیز به کار گرفته شود.

مهم ترین محورهای مطرح شده در این گفت وگو عبارت اند از:

۱. پمپئو حمایت اطلاعاتی، آموزشی و تسلیحاتی از اپوزیسیون را یکی از اجزای ضروری «موفقیت راهبردی» آمریکا معرفی می کند و تل آویو را شریک بالقوه این روند می داند.
۲. او معتقد است فشار اقتصادی به تنهایی کافی نیست و آمریکا باید حملات نظامی بیشتری انجام دهد تا اهداف باقی مانده منهدم و امکان پرواز امن بر فراز ایران فراهم شود.
۳. پمپئو پیروزی بر جمهوری اسلامی را صرفاً مسئله ای منطقه ای نمی داند و آن را به اعتبار بازدارندگی جهانی آمریکا در برابر چین، روسیه و کره شمالی پیوند می زند.
۴. او هرگونه توافق یا توقف جنگ با عنوان «آف رمپ» را خطرناک توصیف می کند و مدعی است خروج بدون پیروزی، پیام ضعف و ناتوانی واشینگتن در «تمام کردن کار» را به متحدان و دشمنان آمریکا منتقل خواهد کرد.
۵. در این روایت، اقدامات پیشین آمریکا علیه برنامه هسته ای و توانمندی های نظامی ایران به عنوان «موفقیت های تاکتیکی و عملیاتی» بازنمایی شده و توقف در این مرحله، اتلاف دستاوردهای به دست آمده تلقی می شود.
۶. پمپئو هشدار می دهد عقب نشینی آمریکا می تواند در آینده مسیر بازگشت ایران به برنامه هسته ای را باز کند و هم زمان اعتماد شرکای واشینگتن به تعهدات امنیتی آمریکا را تضعیف سازد.
۷. بخش مهم دیگری از گفت وگو به تنگه هرمز اختصاص دارد. پمپئو بازگشایی این آبراه را «ضروری اما ناکافی» می خواند و تأکید می کند پذیرش کنترل ایران یا دریافت عوارض از عبور کشتی ها، سابقه ای خطرناک برای سایر قدرت ها ایجاد می کند.
۸. او این مسئله را مستقیماً به دریای چین جنوبی مرتبط می سازد و استدلال می کند اگر

آمریکا پس از چند ماه فشار از هرمنز عقب نشینی کند، چین نیز می تواند نتیجه بگیرد که اعمال کنترل بر آبراه های مورد مناقشه با هزینه ای قابل مدیریت امکان پذیر است.

۹. پمپئو در پایان، از رویکرد دونالد ترامپ تمجید کرده و عملیات «روح حماسی»، «چکش نیمه شب» و حمله منجر به شهادت سردار قاسم سلیمانی را نمونه هایی از تصمیم گیری رئیس جمهور برخلاف توصیه برخی مشاوران دانسته است.

در مجموع، فاکس نیوز در این گفت و گور وایت «پیروزی یا شکست» را جایگزین منطق مدیریت بحران کرده است. برجسته سازی ضرورت تسلیح مخالفان، تداوم حملات و بازپس گیری کامل هرمنز، عملاً زمینه ای رسانه ای برای مشروعیت بخشی به تشدید فشار علیه ایران فراهم می کند. هم زمان، پیوند دادن نتیجه جنگ ایران با تایوان، ناتو و کره شمالی، پرونده ایران را از یک منازعه منطقه ای به آزمونی برای اعتبار جهانی آمریکا ارتقا می دهد و هرگونه توافق میانی را به عنوان نشانه عقب نشینی و اشینگتن بازتعریف می کند. این چارچوب، تشدید جنگ را شرط حفظ بازدارندگی می سازد.

برجسته سازی شکاف امنیتی خلیج فارس در روایت نارضایتی متحدان عرب آمریکا و فرصت ایران برای تضعیف انحصار بازدارندگی و اشینگتن

«واشینگتن پست» در گزارش تازه خود با عنوان «افزایش نارضایتی متحدان خلیج فارس آمریکا از ترامپ» از تعمیق شکاف میان بی اعتمادی سیاسی دولت های عربی منطقه به واشینگتن و وابستگی ساختاری آنها به چتر امنیتی آمریکا سخن می گوید. این روزنامه با استناد به مقامات عرب و غربی، سیاست دولت ترامپ را «بی ثبات و غیر قابل پیش بینی» توصیف کرده و از قول یک مقام منطقه ای می نویسد: «ترامپ این جنگ را شروع کرد و ما بهای آن را می پردازیم». با این حال، همین دولت ها در حوزه تسلیحات، اطلاعات و تضمین های دفاعی همچنان جایگزین عملی برای آمریکا ندارند.

بنا بر ارزیابی این رسانه آمریکایی سه تحول، این تناقض را به سطحی راهبردی تر رسانده است:

- ❖ نخست، استمرار حملات موشکی و پهپادی و افزایش هزینه حفاظت از زیرساخت های حیاتی، اعتبار «چتر امنیتی آمریکا» را تحت فشار قرار داده است.
- ❖ دوم، طرح بحث درباره «ارزش ادامه میزبانی از تأسیسات نظامی بزرگ آمریکا» نشان می دهد نارضایتی از سطح گلابه سیاسی به بازاندیشی در معماری پایگاهی منطقه نزدیک شده است.
- ❖ سوم، توافق دفاعی عربستان، ترکیه و پاکستان از نگاه «واشینگتن پست» نشانه ای از تلاش برای

تنوع بخشی به شرکای امنیتی و ارسال پیام نارضایتی به واشینگتن است. با این حال، این روند هنوز به معنای خروج قریب الوقوع آمریکا از خلیج فارس یا شکل گیری بلوکی ضد آمریکایی نیست. مسئله اصلی، **فرسایش تدریجی انحصار واشینگتن در تولید امنیت منطقه ای** است. این وضعیت می تواند فرصتی برای تقویت ترتیبات بومی و چند جانبه ای برای جمهوری اسلامی ایران باشد که **وابستگی مطلق دولت های عربی به زیر ساخت نظامی آمریکا را کاهش دهد؛** اما اگر همین سازوکارها ذیل منطق «مهار ایران» تعریف شوند، ممکن است وابستگی پیشین را با بازیگران و تعهدات بیشتری باز تولید کنند.

جمع بندی و تحلیل

متغیر تعیین کننده برای تهران، جهت گیری سیاسی پیمان های جدید، میزان استقلال تصمیم گیری اعضا از فشار خارجی و نسبت آنها با حضور پایگاهی آمریکا است. **استمرار جنگ می تواند هم شکاف اعتماد میان واشینگتن و شرکای عرب را عمیق تر کند و هم رقابت بر سر شکل دهی به نظم امنیتی جدید خلیج فارس را شتاب دهد.**

هشدار «اسکای نیوز» پیرامون نشت اطلاعات و داده های ورزشی نیروهای آمریکایی در منطقه و آشکار شدن آسیب پذیری اطلاعاتی پایگاه هادر برابر ظرفیت های شناسایی ایران

«اسکای نیوز» با بررسی داده های عمومی برنامه ورزشی «استراوا»، یک آسیب پذیری اطلاعاتی کم هزینه اما جدی را آشکار کرده است؛ «بیش از هزار وسیله کاربر» از تأسیسات نظامی آمریکا داده منتشر کرده اند و این اطلاعات شامل «مسیرهای دقیق، زمان بندی ها و روال های روزانه» بوده است. گزارش همچنین به فعالیت در «پایگاه هایی که روی نقشه های عمومی مشخص نشده اند» اشاره می کند؛ یعنی داده شخصی می تواند به نقشه عملیاتی تبدیل شود.

کارشناسان سایبری و امنیت داده تهدیدات این آسیب پذیری را در موارد ذیل لیست کرده اند:

❶ تهدید نخست، افشای الگوی حضور نیرو است. تکرار مسیرهای دویدن یا تمرین می تواند محدوده خوابگاه ها، نقاط تجمع، ورودی ها و ساعات تغییر شیفت را مشخص کند و برای طراحی شناسایی تکمیلی به کار رود.

❷ تهدید دوم، آشکار شدن جابه جایی پیش از عملیات است. تغییر ناگهانی تراکم فعالیت در یک پایگاه یا انتقال کاربران به محل دیگر می تواند علامتی از تخلیه، تقویت یا آماده باش باشد؛ داده ای که در کنار تصاویر ماهواره ای ارزش بیشتری پیدا می کند.

❸ تهدید سوم، شناسایی افراد است. استفاده از نام واقعی، امکان پیوند دادن تخصص، یگان، محل خدمت و شبکه ارتباطی یک نظامی را فراهم می کند و خطر مهندسی اجتماعی یا هدف گیری

اطلاعاتی را بالا می برد.

❖ تهدید چهارم، شکاف انضباطی است. محدودیت های پنتاگون پس از هشدارهای قبلی نتوانسته اند رفتار همه کاربران را کنترل کنند؛ بنابراین ضعف اصلی فقط فنی نیست و به فرهنگ امنیت عملیاتی بازمی گردد.

بحران ذخایر پدافندی آمریکا و غرب؛ آشکار شدن شکاف هم زمان تامین تسلیحات در جبهه های اوکراین، خلیج فارس و آسیا

«فایننشال تایمز» در ارزیابی پدافند اوکراین هشدار داده است که کی یف «تقریباً تمام موشک های رهگیر پاتریوت» خود را مصرف کرده و هم زمان «ذخایر آمریکا و متحدانش» نیز زیر فشار قرار گرفته است. بازتاب های این گزارش تأکید می کنند جنگ خاورمیانه مصرف رهگیرهای آمریکایی را افزایش داده و در آسیا نیز کاهش ذخایر، پرسش هایی درباره آمادگی برای بحران احتمالی با چین ایجاد کرده است. این هم زمانی، مسئله را از کمبود اوکراین به رقابت جهانی بر سر مهمات تبدیل کرده است.

بررسی سناریوهای مرتبط با بحران ذخایر مهمات:

❖ در افق یک هفته ای، نشانه نخست هر خبر درباره «تأمین فوری» رهگیر برای کی یف است. اگر تحویل های اضطراری افزایش یابد، فشار بر ذخایر عملیاتی آمریکا و سهم سایر متحدان بیشتر می شود؛ اگر تامین مهمات افزایش نیابد، آسیب پذیری اوکراین در برابر موشک های بالستیک تشدید خواهد شد.

❖ نشانه دوم، قراردادهای تازه تولید موشک های پدافندی است. حرکت آمریکا برای افزایش تولید رهگیرهای دریایی و قطعات مرتبط نشان می دهد مسئله فقط توزیع موجودی نیست، بلکه ظرفیت صنعتی به گلوگاه تبدیل شده است. در کوتاه مدت، قرارداد جدید نمی تواند فوراً کسری انبار را جبران کند.

❖ نشانه سوم، واکنش فرماندهی های منطقه ای آمریکا در خلیج فارس و اقیانوس آرام است. هر انتقال سامانه یا کاهش سهمیه یک جبهه برای تقویت جبهه دیگر، شکاف اولویت ها را آشکارتر می کند.

تحلیلگران و میلیتاریست ها معتقدند؛ پیامد راهبردی این روند در منطق جنگ فرسایشی روشن است. سامانه گران قیمت زمانی تحت فشار قرار می گیرد که مجبور به مقابله مستمر با حجم بالای تهدید شود. با این حال، تهران نباید کمبود فعلی را ناتوانی پایدار غرب تصور کند. مزیت واقعی در توسعه تولید انبوه، تنوع مسیرهای نفوذ، فریب و حفظ ذخایر خودی است؛ زیرا رقابت آینده بیش از تعداد سامانه ها، به نسبت سرعت مصرف و سرعت جایگزینی وابسته خواهد بود.

هم‌زمانی فرسایش معیشتی، اختلال در خدمات پایه و انباشت نارضایتی صنفی؛ افزایش ریسک اعتراضات چندکانونی با امکان سیاسی شدن در صورت وقوع یک محرک بزرگ

در وضعیت فعلی و با توجه به استمرار محاصره آمریکا، آثار جنگ بر زیرساخت‌ها، فشار بر تجارت خارجی، ناترازی انرژی و تشدید دشواری‌های معیشتی، احتمال شکل‌گیری فوری یک موج سراسری و منسجم اعتراضات همچنان کمتر از احتمال بروز تجمعات محلی، اعتراضات صنفی و اعتصاب‌های پراکنده است؛ اما محیط اجتماعی به تدریج به وضعیتی نزدیک می‌شود که یک اختلال ملموس، ناگهانی و فراگیر در زندگی روزمره می‌تواند کانون‌های جدا از یکدیگر را به یک مسئله مشترک متصل کند. در چنین شرایطی، متغیر تعیین‌کننده صرفاً حجم نارضایتی نیست؛ بلکه هم‌زمانی فشار اقتصادی، اختلال خدمات عمومی، شوک ناشی از جنگ، حافظه امنیتی اعتراضات دی‌ماه، فعالیت مستمر رسانه‌های معارض و ظهور یک «محرک مشترک» است.

از نارضایتی پراکنده تا ظرفیت تجمعی

❶ داده‌ها و رصدهای صورت گرفته نشان می‌دهد نارضایتی‌ها صرفاً در فضای مجازی یا سیاسی متمرکز نیستند و در سطح واقعی جامعه نیز نشانه‌هایی از تحرک صنفی وجود دارد. به عنوان مثال تنها در یک روز، دست کم شش تجمع مستقل شامل خانواده بیماران در تهران، بازنشستگان فولاد در اصفهان، کارگران پتروشیمی و شهرداری در ماهشهر، متقاضیان زمین در سیرجان و بازنشستگان معدن در زیراب گزارش شده است. اهمیت این وضعیت بیش از اندازه هر تجمع، در پراکندگی جغرافیایی و تنوع گروه‌های اجتماعی درگیر است.

❷ در ماهشهر، هم کارگران شهرداری در اعتراض به مطالبات معوق اعتصاب کرده‌اند و هم کارگران پتروشیمی سلمان فارسی درباره وضعیت شغلی خود تجمع داشته‌اند. در اصفهان نیز اعتراض بازنشستگان فولاد تکرار شونده شده و هم‌زمان گزارش‌هایی از رکود گسترده واحدهای صنفی منتشر شده است. بنابراین وضعیت فعلی را می‌توان «نارضایتی چندکانونی بدون اتصال سراسری» توصیف کرد؛ مرحله‌ای که هنوز فاقد یک مطالبه واحد است، اما ظرفیت اتصال در آن در حال افزایش است.

محرک‌های محتمل؛ جرقه لزوماً سیاسی نخواهد بود

برآورد فعلی این است که محتمل‌ترین جرقه یک موج گسترده‌تر، یک موضوع ملموس معیشتی یا اختلال در خدمات پایه خواهد بود، نه صرفاً یک فراخوان سیاسی!

۱. **بنزین و سوخت:** این حوزه از بالاترین حساسیت برخوردار است. در نیمروز سیستان و بلوچستان، انتظار از ساعات اولیه صبح برای دریافت تنها **۱۰ لیتر بنزین** گزارش شده و در آمل نیز صف‌های چندساعته و سهمیه محدود دیده شده است. در جنوب شرق، محدودیت سوخت علاوه بر حمل و نقل عمومی، بر معیشت بخشی از فعالان

اقتصاد غیررسمی (قاچاقچیان خُرد سوخت) نیز اثر مستقیم داشته. توقف یا دشوار شدن واردات، بحث‌های مربوط به تغییر شیوه سهمیه‌بندی و هرگونه افزایش محسوس قیمت، این حوزه را به یکی از مهم‌ترین نقاط آسیب‌پذیر تبدیل کرده است.

۲. برق و گاز: کاهش ظرفیت تولید گاز، هشدار درباره ماه‌های سرد و فشار بی‌برقی بر کسب و کارها می‌تواند ناترازی انرژی را از مسئله‌ای اقتصادی به مسئله‌ای اجتماعی تبدیل کند. خطر مهم‌تر زمانی ایجاد می‌شود که این ناترازی با **حمله نظامی یا خرابکاری علیه زیرساخت انرژی** هم‌زمان شود؛ زیرا در آن صورت منشأ اختلال برای بخش‌هایی از افکار عمومی ممکن است از یک «مشکل فنی» به نشانه‌ای از ناتوانی در استمرار خدمات پایه تعبیر شود.

۳. کالاهای اساسی و غذا: استمرار اختلال در بنادر جنوبی و انتقال بخشی از بار تجارت به مسیرهای زمینی هزینه قابل توجهی ایجاد کرده است. در یکی از برآوردهای موجود، افزایش هزینه حمل‌هرکانتینر از مسیر زمینی نسبت به دریایی بسیار چشمگیر عنوان شده و هزینه اضافی کلان برای اقتصاد مطرح شده است. انتقال این فشار به قیمت مرغ، گوشت، نان، روغن و سایر اقلام پرمصرف می‌تواند به سرعت دامنه نارضایتی را از گروه‌های صنفی به خانوارهای کم‌درآمد گسترش دهد.

۴. دارو و درمان: گزارش افزایش قیمت و کمبود برخی داروها و تجمع خانواده بیماران خاص و اعتراضات صنفی کادر درمان نشان می‌دهد این حوزه ظرفیت اعتراضی متفاوتی دارد؛ زیرا مسئله مستقیماً با سلامت و جان افراد پیوند خورده است.

۵. حقوق، مستمری و معوقات: اعتصاب کارگران برخی واحدهای تولیدی خصوصی و دولتی و استمرار تجمع بازنشستگان نشان می‌دهد اختلال در پرداخت‌ها نیز پتانسل بالایی برای تبدیل یک نارضایتی منفعل به کنش سازمان‌یافته صنفی را داراست.

ضریب‌دهنده‌ها؛ چه زمانی اعتراض صنفی سیاسی می‌شود؟

❶ **ضریب‌دهنده نخست، هم‌زمانی بحران‌هاست.** صف‌بنزین به تنهایی الزاماً بحران امنیتی تولید نمی‌کند؛ اما اگر با قطع برق، گرانی مواد غذایی، ترس از آینده، تأخیر در حقوق و کمبود دارو همراه شود، ممکن است در ذهن بخشی از جامعه به ادراک «اختلال عمومی در اداره امور» تبدیل شود.

❷ **ضریب‌دهنده دوم، حافظه دی‌ماه است.** برخوردهای سخت و ادامه پیامدهای قضایی اعتراضات گذشته، در کوتاه‌مدت کارکرد بازدارنده دارد؛ اما اگر بحران تازه‌ای با تلفات، کمبود گسترده یا فشار اقتصادی شدید همراه شود، همان حافظه می‌تواند روند سیاسی شدن مطالبات را تسریع کند. از این رومعاندین خبرهای مربوط به اجرای احکام مرتبط با حوادث دی‌ماه راه‌مچنان در فضای رسانه‌ای

بازتولید می کنند، تا این حافظه حفظ شود.

❖ ضربیدهنده سوم، پیوندگذاری رسانه‌ای میان «معیشت» و «جنگ» است. در این نقطه، جنبش‌ها و جریان‌های «نه به جنگ»، طیف‌هایی از اپوزیسیون خارج از کشور و بخش‌هایی از نیروهای سیاسی داخلی می‌توانند تلاش کنند اعتراض به قیمت، سوخت، برق یا دستمزد را در قالبی بزرگ‌تر بازتعریف کنند؛ اینکه «هزینه جنگ و سیاست منطقه‌ای مستقیماً از سفره مردم پرداخت می‌شود، آینده با استمرار جنگ مبهم‌تر خواهد شد، استمرار نظام سیاسی فعلی این خسارات‌ها را تشدید خواهد کرد». هرچند باید متذکر شد در رصدهای فعلی، شواهد کافی برای اثبات یک شبکه سازمانی واحد میان تجمعات صنفی و این جریان‌ها وجود ندارد؛ اما امکان هم‌پوشانی روایی و سیاسی شدن مطالبات، یک سناریوی قابل اعتناست.

عامل خارجی؛ از فشار اقتصادی تا تلاش برای فعال‌سازی مخالفان

❖ اظهارات اخیر مایک پمپئو اهمیت این سناریو را افزایش می‌دهد. او در گفت‌وگو با فاکس نیوز صریحاً فشار اقتصادی را نا کافی دانسته و از تداوم حملات نظامی، حمایت اطلاعاتی و تجهیزاتی از مخالفان جمهوری اسلامی و حتی شناسایی گروه‌های مناسب با کمک رژیم صهیونیستی سخن گفته است. این اظهارات به خودی خود اثبات نمی‌کند که چنین طرحی در داخل ایران عملیاتی شده، اما نشان می‌دهد در بخشی از جریان امنیتی-سیاسی آمریکا، پیوند فشار خارجی با فعال‌سازی نارضایتی داخلی به عنوان یکی از مؤلفه‌های «پیروزی راهبردی» مورد بحث قرار دارد.

❖ از این منظر، استمرار فشار اقتصادی صرفاً کارکرد فرسایشی ندارد؛ می‌تواند با هدف ایجاد شکاف میان هزینه‌های جنگ و زندگی روزمره مردم دنبال شود. بنابراین مهم‌ترین خطر، نه «ساختن اعتراض از صفر»، بلکه بهره‌برداری خارجی از نارضایتی واقعی و تبدیل آن به یک چارچوب سیاسی ضد جنگ و ضد حاکمیتی است.

سیستان و بلوچستان؛ کانون زود حساس، نه لزوماً نقطه آغاز قطعی

❖ ناظر به تحرکات برخی گروه‌های تجزیه طلب، حوادث رخ داده در جنوب شرق کشور، احتمال آغاز اعتراضات از سیستان و بلوچستان قابل اعتناست، اما داده موجود برای قطعی دانستن آن کافی نیست. وضعیت سوخت در این منطقه یک شاخص مهم است، زیرا مسئله‌ای روزمره و فوری را در منطقه‌ای با حساسیت بالای اقتصادی و اجتماعی نشان می‌دهد. اگر محدودیت سوخت با افزایش قیمت، اختلال حمل و نقل یا کاهش درآمدهای اقتصاد مرزی هم‌زمان شود، جنوب شرق می‌تواند یکی از کانون‌های زود فعال باشد.

❖ با این حال، شهرهایی که به شدت با مسئله ناترازی مواجه‌اند و در آینده نیز این چالش را خواهند داشت، تهران به عنوان پایتخت و مرکز تحرکات سیاسی و اعتراضی گسترده پیشین، و همچنین

شهرهای کمتر برخوردار هر یک ظرفیت‌های متفاوتی برای شروع یا گسترش اعتراضات احتمالی دارند. علاوه بر این، باید به این نکته توجه کرد که شهرهایی که دارای شبکه‌های کارگری فعال هستند، شهرهایی که با رکود صنفی و اعتراضات بازنشستگان مواجه‌اند، و به ویژه تهران که بیشترین ظرفیت برای اتصال گروه‌های دانشجویی، صنفی، درمانی و سیاسی را داراست، محتمل‌ترین نقاط برای آغاز و گسترش اعتراضات و اعتصابات و اتصال نقاط و گروه‌های صنفی و اجتماعی خواهند بود.

برآورد نهایی

در کوتاه‌مدت، ریسک اعتراضات محلی و اعتصابات صنفی «متوسط روبه بالا» و ریسک یک شورش سراسری همچنان پایین‌تر است؛ اما فاصله میان این دو سناریو در حال کاهش است. نقطه خطر زمانی ایجاد می‌شود که چند بحران - سوخت، برق، غذا، دارو و دستمزد - در یک بازه محدود بر یکدیگر منطبق شوند و در همان زمان، جریان‌های سیاسی و رسانه‌ای بتوانند آنها را ذیل یک روایت مشترک درباره هزینه جنگ، ناکارآمدی اقتصادی و ضرورت تغییر سیاسی قرار دهند.

مهم‌ترین علامت هشدار، تبدیل مطالبه «بنزین، برق، حقوق و غذا» به مطالبه‌ای درباره «جنگ و سیاست کلان کشور» است. از آن مرحله به بعد، رفع یک مشکل اقتصادی منفرد الزاماً برای توقف موج کافی نخواهد بود؛ زیرا مسئله از سطح «کمبود» به سطح «معنای سیاسی کمبود» منتقل شده است.

واکنش‌ها و فضا سازی رسانه‌های معاند و ضد انقلاب

خلاصه مدیریتی - مهم‌ترین محورهای رسانه‌ای

- ❖ انتشار فایل صوتی ادعایی جلسه محرمانه «قرارگاه رسانه‌ای و فضای مجازی» پاکدشت توسط ایران اینترنشنال با محوریت نگرانی بسیج از تداوم اعتراضات، ریزش نیروها و افشای هویت بسیجیان، آماده‌باش در برابر اعتراضات احتمالی بنزینی، رصد فعالیت اعتراضی شهروندان و نگرانی از نفوذ سایبری و هوش مصنوعی
- ❖ القای نگرانی ج.ا.ا از بازگشت اعتراضات خیابانی توسط صدای آمریکا با بازخوانی جهت‌دار گزارش فارس مبنی بر توصیه‌های محله محوره به مساجد و پایگاه‌های بسیج برای مواجهه با اغتشاشات احتمالی
- ❖ اتهام‌زنی ایران اینترنشنال علیه نماینده بوشهر در مجلس با طرح ادعای حضور مسلحانه پورکبگانی در آشوب‌های دی‌ماه و شلیک و کشتار مردم توسط او
- ❖ اعلام موجودیت «شورای انقلابی زنان» با هدف تبدیل ظرفیت جنبش [ادعایی] «زن، زندگی، آزادی» به قدرت سیاسی سازمان‌یافته و حضور موثر در ساختار تصمیم‌گیری آینده ایران
- ❖ اعتباربخشی به انتشار یوتیوبی و بدون مجوز فیلم «بی‌داد» به عنوان نمونه‌ای از تثبیت سینمای زیرزمینی و مستقل در مقابل سینمای رسمی و مجوز محور ج.ا.ا
- ❖ برجسته‌سازی نمایش زنان بدون حجاب، آوازخوانی زن، استفاده از صدای پرستو احمدی و تولید خارج از چارچوب مجوزهای رسمی در فیلم «بی‌داد»
- ❖ بازنمایی فیلم بدون مجوز «بی‌داد» به عنوان تصویری از واقعیت‌های موجود در جامعه و محدودیت‌های اجتماعی و تجربه زیسته زنان با تمرکز بر بازداشت، بازرسی بدنی و ممانعت از خوانندگی زنان
- ❖ حمایت از عوامل فیلم «بی‌داد» از جمله کارگردان و بازیگران با اشاره به ساختار شکنی‌های صورت گرفته در این فیلم
- ❖ اولویت‌دهی به کارکرد سیاسی و ساختار شکنانه فیلم «بی‌داد» بر کیفیت سینمایی آن همزمان با اذعان برخی کاربران به ضعف فیلمنامه، بازی، تدوین و شخصیت‌پردازی

القای نگرانی و آماده‌باش بسیج و سپاه نسبت به بازگشت اعتراضات و آشوب‌های خیابانی با انتشار فایل صوتی ادعایی از جلسه محرمانه پاکدشت توسط ایران اینترنشنال

شبکه ضدانقلاب ایران اینترنشنال روز گذشته در گزارشی اختصاصی مدعی شده به فایل صوتی جلسه محرمانه «قرارگاه رسانه‌ای و فضای مجازی شهرستان پاکدشت» از زیرمجموعه‌های سپاه پاسداران دست یافته که بخش مهمی از مباحث مطرح شده در این جلسه به نگرانی درباره تداوم زمینه‌های اعتراض اجتماعی، فشار بر نیروهای بسیج، شناسایی و افشای هویت آنان، نفوذ به سامانه‌های امنیتی، اثرگذاری شبکه‌های اجتماعی و احتمال شکل‌گیری اعتراضات تازه بر سر مسائل معیشتی و افزایش قیمت سوخت اختصاص دارد. ایران اینترنشنال با کنار هم قرار دادن این اظهارات، تلاش کرده تصویری از نگرانی امنیتی، احساس آسیب‌پذیری و آماده‌باش نیروهای بسیج و سپاه در برابر احتمال بازگشت اعتراضات ارائه کند.

مجموعه موارد مطرح شده در این فایل صوتی، طبق آنچه که ایران اینترنشنال منتشر کرده، به صورت زیر است:

۱. قتل حمیدرضا رجب‌زاده، مداح و فعال فضای مجازی بسیج، به عنوان هشدار دربارۀ احتمال هدف قرار گرفتن نیروهای بسیج در فضای حقیقی و مجازی مطرح شده است.
۲. فشار اجتماعی بر بسیجیان، روحانیون مساجد و فرماندهان پایگاه‌ها با هدف ایجاد احساس پشیمانی و واداشتن آنان به فاصله‌گیری از مواضع خود در این جلسه مورد اشاره قرار گرفته است.
۳. یکی از حاضران در جلسه بر پایان نیافتن زمینه‌های اعتراض و استمرار تقابل بخشی از جامعه با نیروهای نظامی و بسیجی تأکید کرده است.
۴. نگرانی از هک و نفوذ به سامانه‌های امنیتی، افشای اطلاعات نیروها و شناسایی چهره بسیجیان از طریق تصاویر و ابزارهای هوش مصنوعی مطرح شده است.
۵. در جلسه حتی نسبت به امکان شنود مکالمات از طریق تلفن‌های همراه و برنامه‌هایی مانند «چت جی پی تی» ابراز نگرانی شده است.
۶. به نیروهای سایبری دستور داده شده فعالیت‌های اعتراضی شهروندان در اینستاگرام را رصد و مستند کنند و اطلاعات هویتی افراد (حتی بستگان خود) را برای پیگیری ارسال کنند.
۷. در این جلسه فضای مجازی و دسترسی به اینستاگرام، تلگرام و واتساپ در ایجاد اعتراضات، تغییرات فرهنگی، گرانی و حتی نتیجه انتخابات مؤثر معرفی شده است.
۸. از احتمال عضوگیری سرویس‌های اطلاعاتی خارجی از جوانان با استفاده از مشکلات

اقتصادی و ارائه اینترنت، سرور و فیلتر شکن سخن گفته شده است.

۹. نسبت به وقوع اعتراضات آینده بر سر افزایش قیمت سوخت هشدار داده شده و احتمال

حمله معترضان به بانک‌ها، خودروهای امدادی و نیروهای بسیجی مطرح شده است.

همزمان با انتشار این گزارش، رسانه معاند صدای آمریکا نیز در گزارشی مکمل و هم‌جهت، اقدام به بازتاب جهت‌دار گزارشی از خبرگزاری فارس درباره «لزوم آمادگی مساجد و پایگاه‌های بسیج برای مقابله با اعتراضات خیابانی و شناسایی معترضان» کرده و با مرور مواردی چون آمادگی محله‌محور، توصیه به مساجد و پایگاه‌های بسیج برای شبکه‌سازی، تهیه نقشه محله، شناسایی افراد آسیب‌پذیر و «بازیگران مشکوک» و تعیین نقش‌ها در شرایط بحران، به دنبال القای «نگرانی از اعتراضات دوباره» است. صدای آمریکا همچنین با اشاره به تحلیل و تفسیرهای رسانه‌ای درباره حضور حجت‌الاسلام حسین طائب در سازمان بسیج، این موضوع را نیز در چارچوب «نگرانی ج.ا.ا. از وقوع دوباره اعتراضات خیابانی گسترده مردم ایران» تفسیر کرده است.

اعلام موجودیت «شورای انقلابی زنان» با هدف تبدیل ظرفیت جنبش [ادعایی] «زن، زندگی، آزادی» به قدرت سیاسی سازمان‌یافته و حضور مؤثر در ساختار تصمیم‌گیری آینده ایران

«شورای انقلابی زنان» به عنوان تشکلی تازه در جریان اپوزیسیون، روز گذشته (۲۴ مرداد) اعلام موجودیت عمومی کرد؛ هرچند فعالیت اولیه آن از ۱۲ فروردین ۱۴۰۵ با محوریت پنج بنیان‌گذار یعنی سمانه سواد، صنم دولت‌شاهی، مینا خانی، نعیمه دوستدار و یاسمین فهد آغاز شده بود. این تشکل خود را شبکه‌ای «دموکراتیک، متکثر، فراگیر و فمینیستی» معرفی و مأموریت اصلی‌اش را تبدیل نقش پررنگ زنان در جنبش‌های اعتراضی، به ویژه «زن، زندگی، آزادی»، به قدرت سیاسی سازمان‌یافته و حضور مؤثر در ساختارهای تصمیم‌گیری و تحولات احتمالی آینده ایران عنوان کرده است.

ترکیب اعضا و ساختار تشکیلاتی

در کنار پنج بنیان‌گذار، ۱۴ کنشگر دیگر در دوره تأسیس به شورا پیوسته‌اند و هماهودفر، نیره توحیدی، مهرانگیز کار و شادی صدر نیز به عنوان مشاور در کنار آن حضور دارند. اعضای شورا غالباً در حوزه‌هایی مانند حقوق زنان، حقوق بشر، روزنامه‌نگاری، پژوهش، محیط زیست، حقوق اتنیکی و حقوق افراد ال‌جی‌بی‌تی کی‌وی‌ای پلاس فعالیت داشته‌اند. ساختار داخلی شورا بر مجمع اعضا و کمیته هماهنگی منتخب استوار است و بنا بر ادعای اعضا، بنیان‌گذاران حق و توپا کرسی دائمی ندارند و دبیر و سخنگو نیز از درون کمیته هماهنگی انتخاب می‌شوند.

هدف گذاری برای سهم زنان از قدرت سیاسی

محور مرکزی برنامه «شورای انقلابی زنان»، عبور از «حضور نمادین زنان» و تثبیت سهم مستقیم آنان در تعیین دستور کار، قانون گذاری، سیاست گذاری، توزیع منابع و رهبری سیاسی است. این شورا به طور مشخص بر حداقل ۵۰ درصد حضور زنان در نهادهای تصمیم گیری و ساختارهای احتمالی دوران گذار تأکید دارد و استفاده از سازوکارهایی مانند سهمیه جنسیتی را برای تضمین این حضور قابل قبول می داند. اعضا همچنین اعلام کرده اند در صد ورود به گفت و گویا احزاب و ائتلاف های اپوزیسیون، تولید پیشنهادهای مشخص درباره ساختارهای دوران گذار و کسب جایگاه بین المللی به عنوان یکی از صدهای سازمان یافته زنان هستند.

جایگاه گفتمانی در جریان ضدانقلاب

بر اساس اصول اعلامی، این شورا از حیث گفتمانی به طیف فمینیستی، حقوق بشری، سکولار، تکثرگرا و متأثر از جنبش «زن، زندگی، آزادی» در جریان ضدانقلاب نزدیک تر است. تأکید بر دموکراسی مشارکتی، تمرکززدایی از قدرت، برابری جنسیتی، عدالت انتقالی، حقوق فرهنگی و زبانی، مخالفت با اعدام، نقد نظامی گری و رویکرد «تقاطع» در مسئله جنسیت، اتنیک، مذهب و گرایش جنسی، چارچوب فکری این شبکه را شکل می دهد.

جمع بندی

اعلام موجودیت «شورای انقلابی زنان» را می توان در چارچوب تلاش بخشی از جریان ضدانقلاب برای بازآرایی ظرفیت های سیاسی و اجتماعی خود پس از فروکش کردن فضای جنگی و کاهش نسبی تنش های نظامی ارزیابی کرد. در شرایطی که طی دوره جنگ، وزن رسانه ای و سیاسی بیشتری در اختیار طیف های جنگ طلب و حامی فشار و مداخله خارجی در جریان معاند و ضدانقلاب قرار داشت، شکل گیری چنین تشکلی می تواند نشانه ای از تلاش طیف های فمینیستی، حقوق بشری و متکی بر جنبش های اجتماعی برای بازگرداندن محور رقابت از میدان جنگ و فشار خارجی به سازمان دهی سیاسی، مطالبات اجتماعی و سهم خواهی از سناریوی گذار از ج.ا.ا باشد.

از سوی دیگر، زمان اعلام موجودیت عمومی این تشکل جدید، حدود یک ماه پیش از سالگرد فوت مهسا امینی و آغاز اغتشاشات ۱۴۰۱ با محوریت «انقلاب ادعایی زنان» و جداهمیت سیاسی و رسانه ای است. تأکید شورا بر تداوم جنبش [ادعایی] «زن، زندگی، آزادی»، تبدیل ظرفیت آن به قدرت سیاسی سازمان یافته علیه ج.ا.ا و حضور حداقل ۵۰ درصدی زنان در ساختارهای دوران گذار، می تواند نشان از آن باشد که این تشکل جدید سعی دارد سرمایه نمادین و اعتراضی آشوب های پاییز ۱۴۰۱ را پیش از سالگرد آن مجدداً فعال و از سطح اعتراض اجتماعی به سازوکار تشکیلاتی و قدرت سیاسی منتقل کند.

در مجموع، اعلام موجودیت «شورای انقلابی زنان» رامی توان بخشی از تلاش جریان ضدانقلاب برای بازسازی آرایش سیاسی خود در دوره پساجنگ، احیای گفتمان «زن، زندگی، آزادی» و تثبیت جایگاهی برای طیف فمینیستی و تکرگرا در ترتیبات احتمالی قدرت پس از ج.ا.ا دانست.

ضرب دهمی کاربران معاند به اکران یوتیوبی فیلم «بیداد» برای اعتبار بخشی به سینمای زیرزمینی و برجسته سازی ساختار شکنی فرهنگی و محدودیت های اجتماعی در ج.ا.ا

در یک هفته اخیر نسخه کامل فیلم «بی داد»، ساخته سهیل بیرقی، از طریق کانال یوتیوب او منتشر شده و در میان کاربران صفحات معاند بازتاب یافته است. این فیلم که در سال ۱۴۰۱ «پروانه ساخت» اخذ کرده اما با تغییر در شیوه تولید، نتوانسته «پروانه نمایش» کسب کند، روایت دختری دهه هشتادی به نام «ستی» است که محدودیت های موجود برای خوانندگی زنان را کنار زده و آواز خیابانی را دنبال می کند و به شهرت می رسد و چهره های سرشناسی چون امیرجدیدی و لیلی رشیدی در آن ایفای نقش داشتند. ساخت بدون مجوز رسمی، نمایش زنان بدون حجاب، استفاده از صدای پرستو احمدی و پرداختن به ممنوعیت آوازخوانی زنان، از مهم ترین عناصر حاشیه ساز این فیلم بوده که اغلب مورد توجه کاربران مخالف ج.ا.ا قرار گرفته است.

۱. اعتبار بخشی به سینمای زیرزمینی به عنوان «سینمای جدید ایران»

بخش قابل توجهی از کاربران معاند انتشار «بی داد» را نشانه ای از تثبیت «سینمای مستقل» و «زیرزمینی» در مقابل سینمای رسمی معرفی کرده اند. در این روایت، ساخت خارج از سازوکار رسمی مسیری برای تولید آثاری دانسته می شود که به ادعای این کاربران، «واقعیت جامعه» را برخلاف تصویر مورد نظر حاکمیت بازتاب می دهند.

۲. برجسته سازی مؤلفه های ساختار شکن و عبور از هنجارهای رسمی

حضور زنان بدون حجاب، محوریت خوانندگی زن، استفاده از صدای پرستو احمدی و ساخت بدون مجوز کاربران مکرراً مورد توجه صفحات و کاربران معاند در توصیف فیلم «بی داد» بوده است. برخی از این کاربران نیز صریحاً علیه سانسور، حجاب و محدودیت صدای زنان موضع گرفته و فیلم را نمونه ای از عبور عملی از این خطوط رسمی معرفی کرده اند.

۳. بازنمایی «بی داد» به عنوان روایت «واقعیت جامعه» و تجربه زیسته زنان

برخی کاربران اپوزسیون و مخالف نظام صحنه های بازداشت، بازرسی بدنی، محدودیت آوازخوانی و فشارهای اجتماعی را با تجربه های شخصی خود پیوند زده اند و «بی داد» را بازتاب تجربه زیسته زنان در جامعه ایران دانسته اند. در همین چارچوب، برخی فیلم را مدعی هستند چنین آثاری تصویر واقعی تری از جامعه را ارائه می کنند.

۴. برجسته سازی شکاف نسلی و انتقال خشم و امید

یکی از مضامین مشاهده شده در تولیدات کاربران اپوزسیون، تفسیر «بی داد» به عنوان تقابل نسل دهه شصت و دهه هشتاد است. در این روایت، نسل قدیمی تر با سازش، مهاجرت یا راه حل های موقت تصویر می شود و نسل جدید تر با امتناع از عقب نشینی؛ برخی کاربران این رابطه را «انتقال خشم و امید» میان دو نسل توصیف کرده اند.

۵. حمایت از عوامل فیلم و تبدیل ساخت آن به کنش سیاسی. فرهنگی

بخش دیگری از محتواهای منتشر شده در فضای مجازی توسط کاربران اپوزسیون و مخالف نظام سهیل بیرقی و بازیگران و عوامل فیلم را به دلیل مشارکت در اثری بدون مجوز تحسین کرده اند. اشاره به پرونده قضایی، احکام و برخورد با برخی عوامل این فیلم نیز برای برجسته سازی هزینه این اقدام به کار رفته و حمایت از سازندگان، به حمایت از یک کنش سیاسی- فرهنگی پیوند خورده است.

۶. غلبه کارکرد سیاسی و فرهنگی و اذعان به ضعف فنی فیلم

برخی کاربران اپوزسیون نیز از جنبه فنی و سینمایی، معترف به کیفیت پایین فیلمنامه، شخصیت پردازی، بازی ها، تدوین و غیره این فیلم هستند. برخی دیگر نیز با اذعان به این امر، تاکید دارند حمایتشان از «بی داد» ناظر بر موضوع، جسارت ساخت و انتشار آن بدون مجوز است.

اتهام زنی ایران اینترنشنال علیه نماینده بوشهر در مجلس با طرح ادعای حضور مسلحانه پورکبگانی در آشوب های دی ماه و شلیک و کشتار مردم توسط او

شبکه ضد انقلاب ایران اینترنشنال در دوسه روز اخیر و به بهانه بازخوانی آشوب های ۱۸ و ۱۹ دی ماه سال گذشته خط رسانه ای فضا سازی علیه جعفر پورکبگانی، نماینده بوشهر در مجلس را پیش گرفته و مدعی شده او با حضور در ناآرامی های آن دوشب در بوشهر، دست به کشتار مردم زده است. ایران اینترنشنال در این روایت سازی خود با استناد به روایت های ادعایی و تأیید نشده شاهدان محلی ادعای کاند پورکبگانی، که سابقه ریاست بر هیئت امنای مسجد قرآن در محله عاشوری بوشهر را دارد، شامگاه ۱۸ دی در محدوده این مسجد و پایگاه بسیج آن شخص در محل حضور داشته و با کلت کمری یا کلاشینکف به سوی افراد حاضر شلیک کرده و همزمان شعار «لبیک یا خامنه ای» سر می داده است. ایران اینترنشنال پورکبگانی را «لیدر و سردسته» نیروهای [به اصطلاح وزعم خود] سرکوبگر و حکومتی معرفی کرده و تیراندازی به دست کم ۱۹ نفر و کشته شدن حداقل ۲ نفر را به وی نسبت داده است. طبق این روایت نماینده بوشهر پس از واقعه و کشته شدن برخی افراد، به منازل خانواده های آنان مراجعه کرده و برای پذیرش روایت کشته شدن فرزندانشان به دست «تروریست ها» بر آنها فشار وارد کرده است.

بخش دیگری از فضا سازی ایران اینترنت نشنال علیه نماینده بوشهر، به سابقه پورکبگانی در ادوار مختلف از جمله حضور و عضویت در سپاه در دهه ۶۰، مسئولیت در واحد امر به معروف بسیج در دهه ۸۰ (با ادعای تفتیش منزل مردم و آزار و اذیت آن‌ها)، مرور و بازخوانی حضور او در اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ و ادعای شهرت او به «جعفر تبر» در میان مردم محلی اختصاص دارد و تلاش کرده ادعاهای مربوط به آشوب‌های دی ماه را در قالب امتداد یک **سابقه چند دهه‌ای امنیتی و انتظامی** او بازنمایی کند. برخی کاربران معاند نیز با باز نشر ادعاهای ایران اینترنت نشنال، حملات لفظی و تخریبی علیه پورکبگانی مطرح و با استفاده از تعبیری مانند «قاتل»، «فاسد» و «جعفر تبر»، تصویری **خسونت محور و مجرمانه از نماینده بوشهر ساختند**. برخی کاربران نیز با طرح پرسش‌هایی درباره ادعای «شلیک نماینده مجلس به معترضان»، این ادعا را به عنوان نمونه‌ای از **تقابل مسئولان ج.ا.ا با معترضان** بازنمایی کرده‌اند.

خلاصه مدیریتی - مهم ترین محورهای رسانه ای

- ❖ تداوم روند صعودی قیمت ها در بازار موبایل و بازنمایی توقف ثبت سفارش به عنوان مهم ترین محرک تورمی همراه با تشدید نارضایتی از افت قدرت خرید
- ❖ ترسیم آینده منفی در بازار قطعات یدکی در پی ابهام در تأمین مواد اولیه، نوسان ارز، افت تولید و آشفتگی زنجیره تأمین خودرو و خدمات
- ❖ تداوم پرداخت رسانه ها پیرامون سوژه بنزین با محوریت سناریوهای قیمتی و توزیعی ناترازی سوخت و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و معیشتی آن
- ❖ چرخش ادبیات رسانه ای از جنگ نظامی به فشار اقتصادی و محاصره دریایی با هدف القای فرسایش توان اقتصادی و فروپاشی قریب الوقوع اقتصاد ایران در جامعه
- ❖ طرح ادعای گسترش «فقر تعمیراتی» در پی افزایش هزینه قطعات و خدمات و کاهش توان خانوارها برای تعمیر و نگهداری لوازم و خودرو
- ❖ بازتاب منفی جهش تورم تولیدکننده بخش صنعت و افزایش نگرانی از انتقال فشار هزینه به تورم مصرف کننده در شش ماه آتی
- ❖ طرح ادعای کسر مبالغ قابل توجه از حقوق بازنشستگان توسط بانک رفاه بابت بدهی تسهیلات قدیمی و بازتاب آن در رسانه ها
- ❖ ابهام در مبنای حقوقی و کارکرد طرح «خانه ریز» و آغاز خط انتقادی نسبت به فروش سانتی متری مسکن در تهران
- ❖ طرح ادعای جاماندگی درآمدهای مالیاتی از اهداف بودجه و افزایش ریسک کسری بودجه همزمان با بازنمایی نشانه های رکود و فشار مالی دولت
- ❖ هشدار نسبت به ریسک های تورمی و احتمال ورود اقتصاد به چرخه تورم فزاینده در صورت تعمیق کسری بودجه و تأمین آن از مسیر چاپ پول
- ❖ **طرح ادعای خودکشی یک مأمور انتظامی و همسرش در میانه بر اثر فشارهای اقتصادی و معیشتی و بهره گیری از این حادثه برای برجسته سازی آسیب های اجتماعی**
- ❖ برجسته سازی اقدام به خودکشی کارگر اخراج شده پتروشیمی پتروناد در پی بیکاری و مشکلات مالی همزمان با تجمع کارگران و انتقاد از بی پاسخی مسئولان اداره کار
- ❖ هراس افکنی از شکل گیری بحران قریب الوقوع کمبود گندم و مواجهه دولت با اختلال جدی در تأمین این کالای اساسی از ابتدای زمستان
- ❖ بازنمایی معاملات بورس کالا به عنوان شاخصی پیش نگر برای تشخیص زود هنگام تغییرات

سودآوری شرکت‌ها و پیش‌بینی روند بازار سهام پیش از انتشار گزارش‌های رسمی کدال

❖ انتقاد از رویکرد دستگاه دیپلماسی در قبال روسیه و چین و طرح ادعای نقش جریان‌های

ضدروسی در کاهش تعاملات راهبردی و حاشیه‌سازی پیرامون کنوانسیون خزر

❖ برجسته‌سازی ضرب و شتم مدیر برق عسلویه توسط صاحبان ماینرهای غیرمجاز و نقش استخراج

غیرقانونی رمزارز در تشدید قطعی برق و فشار بر شبکه انرژی

❖ انتقاد از رفتار دوگانه قالیباف در قبال دولت‌های رئیسی و پزشکیان و برجسته‌سازی مداخلات

مجلس دوازدهم با ناکارآمدی‌ها و ممانعت از استیضاح وزرا

❖ انتقاد از تداوم سیاه‌نمایی پزشکیان درباره وضعیت اقتصادی و ارسال پالس ضعف به دشمن با

تأکید بر آثار این مواضع بر انسجام و وحدت ملی

❖ تشکیک در ادعای محاصره دریایی ایران و انتقاد از ارائه اطلاعات نادرست به رئیس‌جمهور

با تأکید بر ظرفیت همسایگان و مسیرهای جایگزین ترانزیتی کشور منطقه‌ای

❖ طرح ادعای کاهش سلیقه‌ای ۷۰۰ همتی درآمدهای مالیاتی و انتقاد از رئیس سازمان امور مالیاتی

به دلیل عدول از ظرفیت پیش‌بینی شده در بودجه

❖ انتقاد از تبدیل جنگ وادعای محاصره به توجیه ناکارآمدی‌های اقتصادی دولت و تشکیک در

هشدارهای رئیس‌جمهور درباره احتمال قحطی با تأکید بر ظرفیت مرزهای زمینی

❖ طرح ادعای واردات حدود ۷۰۰ تن برنج آمریکایی به کشور از مسیر عراق توسط اشخاص حقیقی و

خارج از شبکه رسمی شرکت‌های واردکننده

❖ بحران‌نمایی از چشم‌انداز اقتصادی کشور با برجسته‌سازی کاهش ذخایر کالاهای اساسی و القای

ورود ایران به جنگ اقتصادی تمام‌عیار در پی تشدید فشارهای آمریکا

❖ برجسته‌سازی رکورد خروج پول از شبکه بانکی در آستانه جنگ و بازنمایی افزایش ۶۳ درصدی

اسکناس در دست مردم به عنوان نشانه تشدید نااطمینانی اقتصادی

❖ برجسته‌سازی تداوم تجمع بازنشستگان ذوب‌آهن اصفهان در اعتراض به حل نشدن مشکلات

بیمه‌ای و محقق نشدن وعده مسئولان برای رسیدگی به مطالبات آنان

رصد و تحلیل

تداوم روند صعودی قیمت‌ها در بازار موبایل و بازنمایی توقف ثبت سفارش به عنوان

مهم‌ترین محرک تورمی همراه با تشدید نارضایتی از افت قدرت خرید

بررسی بازتاب‌های رسانه‌ای و صنفی بازار موبایل طی روزهای اخیر نشان می‌دهد تداوم روند

صعودی قیمت‌ها بیش از هر عامل دیگری با توقف ثبت سفارش واردات از ابتدای سال ۱۴۰۵

پیوند خورده است. فعالان این بازار می گویند با گذشت حدود پنج ماه، هنوز برنامه روشنی برای ازسرگیری ثبت سفارش اعلام نشده و موجودی بازار عمدتاً متکی به سفارش های سال گذشته است؛ وضعیتی که تعادل عرضه و تقاضا را برهم زده و به **رشد ۳۰ تا ۸۰ درصدی قیمت برخی مدل ها منجر شده است.**

در این میان، افزایش هزینه های لجستیکی ناشی از تغییر مسیرهای تجاری نیز به عنوان عامل مکمل مورد توجه قرار گرفته و در برخی موارد از **رشد تا ۱۰ برابری این هزینه ها سخن گفته شده است.** همزمان، برخی فعالان صنفی تأکید دارند در صورت بازگشایی ثبت سفارش، **امکان کاهش حدود ۲۰ درصدی قیمت ها وجود دارد.** استمرار بلاتکلیفی همچنین شرکت های واردکننده را با فشار مالی، تعدیل نیرو و حتی خطر تعطیلی مواجه کرده است.

در شبکه های اجتماعی نیز واکنش های منفی به افزایش قیمت گوشی های موسوم به اقتصادی شدت گرفته است. مقایسه قیمت مدل های پایه با حداقل دستمزد، به نمادی از افت قدرت خرید تبدیل شده و کاربران به این نکته اشاره می کنند که خرید یک گوشی اقتصادی اکنون می تواند معادل نزدیک به **دو ماه حداقل حقوق باشد.** این واکنش ها سبب شده موضوع گرانی موبایل از یک مسئله صرفاً تجاری فراتر رفته و به شاخصی برای بازنمایی کاهش توان خرید خانوارها تبدیل شود. همزمان افت جهانی عرضه گوشی هوشمند و افزایش قیمت قطعات نیز بر فضای بازار اثرگذار است، اما در روایت داخلی، توقف ثبت سفارش همچنان مهم ترین محرک افزایش قیمت ها بازنمایی می شود.

مهم ترین محورهای بازتاب داده شده در رسانه ها:

- ❖ برجسته سازی توقف پنج ماهه ثبت سفارش به عنوان مهم ترین عامل کاهش عرضه و رشد ۳۰ تا ۸۰ درصدی قیمت موبایل در بازار داخلی طی سال جاری کشور
- ❖ بازنمایی افزایش هزینه های لجستیکی تا ۱۰ برابر در پی تغییر مسیرهای تجاری به عنوان عامل تشدیدکننده گرانی و فشار مضاعف بر شرکت های واردکننده فعال بازار موبایل
- ❖ وزن دهی به برآورد فعالان صنفی درباره امکان کاهش حدود ۲۰ درصدی قیمت موبایل در صورت بازگشایی ثبت سفارش و بازگشت جریان طبیعی واردات کشور دوباره
- ❖ بازتاب افزایش تعدیل نیرو و خطر تعطیلی شرکت های واردکننده در نتیجه تداوم بلاتکلیفی سیاست واردات و نبود برنامه شفاف دولت برای ثبت سفارش موبایل جدید
- ❖ برجسته سازی واکنش های منفی کاربران به قیمت گوشی های اقتصادی و مقایسه بهای آنها با نزدیک دو ماه حداقل حقوق به عنوان نشانه افت شدید قدرت خرید خانوارها

ترسیم آینده منفی در بازار قطعات یدکی در پی ابهام در تأمین مواد اولیه، نوسان ارز، افت تولید و آشفته‌گی زنجیره تأمین خودرو و خدمات

مجموع گزارش‌ها و اظهارات منتشرشده طی هفته‌های اخیر، تصویری از افزایش بلا تکلیفی و نا اطمینانی در بازار قطعات یدکی خودرو ترسیم می‌کند؛ وضعیتی که از یک سو با افت تولید خودرو و از سوی دیگر با محدودیت‌های ارزی، دشواری واردات و افزایش هزینه تأمین قطعه پیوند خورده است. **محمود نجفی سهی**، عضو اتاق بازرگانی سمنان، با اشاره به ابهام در تأمین مواد اولیه و نرخ ارز تأکید کرده است که تولیدکنندگان و فعالان بازار چشم‌انداز روشنی از آینده ندارند و بلا تکلیفی تولید می‌تواند سایر حلقه‌های زنجیره را نیز دچار آشفته‌گی کند.

این نگرانی همزمان با افت کم سابقه تولید خودروهای مونتاژی مطرح شده است؛ به طوری که تولید سه خودرو ساز بزرگ خصوصی در بهار ۱۴۰۵ به طور میانگین **حدود ۷۰ درصد کاهش یافته** و مدیران خودرو، کرمان موتور و بهمن موتور به ترتیب افت ۸۷.۷، ۶۶ و ۵۶ درصدی را تجربه کرده‌اند. محدودیت تأمین قطعه، انتقال ارز و پیامدهای جنگ بر زنجیره تأمین، از عوامل این وضعیت عنوان شده و آثار آن به خدمات پس از فروش نیز رسیده است.

در بازار، کمبود قطعه موجب افزایش زمان خواب خودرو، **حرکت بخشی از تقاضا از شبکه رسمی به بازار غیررسمی و قطعات بدون تضمین اصالت و رشد هزینه تعمیرات شده** است. قیمت قطعات از ابتدای سال در مواردی ۳۰ تا ۴۰ درصد و در برخی اقلام خاص تا ۸۰ درصد افزایش یافته و کاهش قدرت خرید، برخی مصرف‌کنندگان را به سمت قطعات استوک و دست دوم سوق داده است. درباره خودروهای چینی نیز از زمین گیر شدن تاشش ماه برای یافتن برخی قطعات گزارش شده است. در کنار این مسائل، فرآیند طولانی واردات و ترخیص نیز بر فشار بازار افزوده است؛ **فعالان اقتصادی از زمان ۴۵ تا ۶۰ روزه ترخیص و زمان ۷ تا ۶۰ روزه دریافت برخی تأییدیه‌های استاندارد سخن گفته‌اند**. وزارت صمت در واکنش به کمبودها از اختصاص سهمیه ویژه ارزی برای قطعات خودروهای وارداتی خبر داده؛ تصمیمی که پس از انتقاد از تخصیص نیافتن ارز قطعات در سال ۱۴۰۴ و تأخیر در اجرای سهمیه سه درصدی مطرح شده است. در مجموع، گزارش‌ها از انتقال فشار تورمی و اختلال تولید خودرو به بازار قطعات، تعمیرات و خدمات پس از فروش حکایت دارد؛ روندی که تداوم آن می‌تواند هزینه نگهداری خودرو را برای خانوارها افزایش دهد.

مهم‌ترین محورهای ذیل سوژه

❶ برجسته‌سازی بلا تکلیفی بازار قطعات یدکی در نتیجه نامشخص بودن تأمین مواد اولیه و ارز و سرایت نا اطمینانی از خطوط تولید به بازار خدمات خودرو.

❷ بازنمایی افت شدید تولید خودروهای مونتاژی به عنوان عامل تشدید کمبود قطعات و افزایش

زمان انتظار مصرف کنندگان در شبکه رسمی خدمات پس از فروش.

- ❖ برجسته سازی افزایش ۳۰ تا ۸۰ درصدی قیمت قطعات و سوق یافتن بخشی از مصرف کنندگان به بازار قطعات استوک دست دوم و فاقد تضمین اصالت.
- ❖ انتقاد از طولانی بودن فرآیند واردات و ترخیص قطعات و تأثیر صف تخصیص ارز تأییدیه های استاندارد و رسوب کالا بر هزینه تأمین بازار.
- ❖ بازنمایی انتقال تورم خودرو به بازار خدمات و تعمیرات با افزایش هزینه نگهداری طولانی شدن خواب خودرو و تشدید فشار اقتصادی بر صاحبان وسایل نقلیه.

تداوم پرداخت رسانه ها پیرامون سوژه بنزین با محوریت سناریوهای قیمتی و توزیعی ناترازی سوخت و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و معیشتی آن

طی روزهای اخیر، مسئله بنزین با طرح سناریوهای مختلف قیمتی و توزیعی، کاهش سهمیه ها، کمبود عرضه و گمانه زنی درباره نرخ های جدید، به یکی از محورهای مهم رسانه ای تبدیل شده است. در کنار هشدار درباره تورم، بازار سیاه و فشار معیشتی، برخی رسانه ها نیز پیامدهای اجتماعی این سیاست ها، احتمال تشدید نارضایتی و تکرار اعتراضات گذشته را برجسته کرده اند. در ادامه محورهای اصلی رومرور میکنیم.

شایعه پراکنی درباره افزایش قیمت بنزین ۵ هزار تومانی به ۲۳ هزار تومان از ابتدای شهریورماه

در برخی کانال ها و صفحات فضای مجازی، ادعایی بدون ارائه منبع رسمی درباره افزایش نرخ بنزین ۵ هزار تومانی به ۲۳ هزار تومان از ابتدای شهریور منتشر شده است. این ادعا در شرایط افزایش گمانه زنی ها درباره تغییر قیمت و سازوکار سهمیه بندی بنزین، در حال بازنشر است.

بازنمایی افزایش احتمالی قیمت بنزین به عنوان محرک رشد بازار ارز و طلا و عامل افزایش تورم و افت کوتاه مدت بازار سهام

اقتصادنیوز به نقل از پویان مظفری، تحلیل گر بازار سرمایه، سناریوهای افزایش قیمت بنزین را از منظر اثرگذاری بر بازارهای دارایی بررسی کرده است. براساس این ارزیابی، افزایش نرخ بنزین به محدوده ۳۰ تا ۴۰ هزار تومان می تواند موجب رشد ارز و طلا و افت کوتاه مدت بورس شود و نرخ های بالاتر نیز ریسک های تورمی و اجتماعی را تشدید کند.

تأکید بر نقش بنزین به عنوان لنگر اسمی تورم و عامل شکل گیری سریع انتظارات گرانی در جامعه پس از افزایش قیمت

اسکان نیوز با بازتاب اظهارات سقاب اصفهانی درباره اثر روانی قیمت بنزین بر اقتصاد، تأکید کرده

است که بنزین در ایران نقش «لنگر اسمی تورم» را دارد. به گفته وی، افزایش قیمت بنزین می تواند بلافاصله انتظارات تورمی را تحریک کرده و تصور افزایش عمومی قیمت کالاها و خدمات را در جامعه تقویت کند.

بازنمایی کمبود و اختلال در توزیع بنزین به عنوان پیامد محاصره دریایی و زمینه ساز تشدید نارضایتی و شکل گیری اعتراضات خیابانی

ایران اینترنشنال با بازتاب اظهارات رضا گوهرزاد، کمبود سوخت، صف های طولانی بنزین و شکل گیری بازار سیاه را به ادامه محاصره دریایی مرتبط دانسته است. در این روایت، حتی واردات بنزین نیز راه حل کافی معرفی نشده و تداوم مشکلات قیمت و توزیع سوخت، زمینه ای برای افزایش نارضایتی و بروز اعتراضات خیابانی عنوان شده است.

تحریک نارضایتی رانندگان مسافرکش با برجسته سازی افزایش احتمالی قیمت بنزین و بازنمایی آنان به عنوان یکی از محورهای اصلی اعتراضات آینده

ایران اینترنشنال با بازتاب اظهارات مراد ویسی، افزایش احتمالی قیمت بنزین و حذف سهمیه ها را عامل نارضایتی گسترده رانندگان مسافرکش معرفی کرده است. در این روایت، با تأکید بر وابستگی معیشتی بسیاری از بیکاران به مسافرکشی، رانندگان به عنوان یکی از گروه های مستعد حضور در اعتراضات آینده علیه حکومت بازنمایی شده اند.

بازخوانی کارنامه دولت ها در اصلاح قیمت بنزین و تأکید بر برتری افزایش تدریجی قیمت نسبت به تثبیت طولانی و شوک ناگهانی

روزنامه «سازندگی» با مرور سیاست بنزینی دولت های هاشمی، خاتمی، احمدی نژاد، روحانی و رئیسی، اصلاح تدریجی قیمت را کم هزینه ترین الگو معرفی کرده است. این رسانه تثبیت طولانی قیمت و سپس اعمال جهش ناگهانی را عامل افزایش هزینه های اقتصادی و اجتماعی دانسته و آبان ۹۸ را نمونه شکست این رویکرد عنوان کرده است.

تأکید بر احتمال جهش بیش از ۱۰ برابری قیمت بنزین مازاد در پی اجرای طرح اختصاص سهمیه سوخت به کدملی

رسانه «مسیر اقتصاد» با اشاره به طرح اختصاص سهمیه بنزین به کدملی تأکید کرده است که اجرای این الگویی تواند بدون اعلام مستقیم افزایش قیمت از سوی دولت، نرخ بنزین مصرف مازاد را به بیش از ۱۰ برابر قیمت فعلی برساند. این رسانه همچنین نسبت به پیامدهای معیشتی و افزایش نارضایتی اجتماعی ناشی از جهش قیمتی هشدار داده است.

طرح ادعای غیرقانونی بودن افزایش چندبرابری قیمت بنزین و هشدار درباره تکرار اعتراضات اجتماعی مشابه آبان ۹۸

دیده بان ایران به نقل از کامران غضنفری، نماینده مجلس، مدعی شده افزایش چندبرابری قیمت بنزین خلاف قانون است و دولت صرفاً مجاز به افزایش سالانه ۲۰ درصدی قیمت سوخت است. وی همچنین جهش ناگهانی قیمت بنزین را تهدیدی برای امنیت ملی و زمینه ساز تکرار اعتراضات اجتماعی دانسته است.

بررسی سه سناریوی جدید سهمیه بندی بنزین و برجسته سازی پیامدهای احتمالی آن از تشکیل صف و بازار سیاه تا جهش قیمت

خبرآنلاین با بررسی سه سناریوی سهمیه بندی بنزین شامل محدودیت عرضه روزانه، فروش مصرف مازاد با نرخ تمام شده و تخصیص سهمیه به کد ملی، مزایا و پیامدهای هر الگورا مقایسه کرده است. در این گزارش، تشکیل صف، احتمال جهش قیمت، کمبود سوخت حمل و نقل عمومی و شکل گیری بازار سیاه از مهم ترین مخاطرات مطرح شده است.

طرح ادعای گسترش فروش مجازی بنزین سوپر وارداتی و افزایش قیمت هر لیتر آن در تهران تا حدود ۱۳ هزار تومان

خبرآنلاین مدعی شده بنزین سوپر وارداتی علاوه بر مسیر رسمی، در کانال ها و گروه های فضای مجازی نیز عرضه می شود و قیمت هر لیتر آن در تهران به حدود ۱۳ هزار تومان رسیده است. این رسانه همچنین درباره منشأ، اصالت و کیفیت بخشی از سوخت های عرضه شده در فضای مجازی ابراز ابهام کرده است.

برجسته سازی کاهش تدریجی سهمیه بنزین ۳ هزار تومانی از ۱۰۰ به ۵۰ لیتر همزمان با تثبیت سهمیه نرخ اول

خبرآنلاین با مرور ساختار سه نرخی بنزین، بر کاهش سهمیه نرخ ۳ هزار تومانی تأکید کرده است. براساس این گزارش، سهمیه دوم که ابتدای اجرای طرح ۱۰۰ لیتر بود، در دوره جنگ به ۷۰ لیتر و اکنون به ۵۰ لیتر رسیده؛ در حالی که سهمیه ۶۰ لیتری بنزین ۱۵۰۰ تومانی بدون تغییر مانده است.

تأکید بر نقش کیفیت طراحی و اجرای سیاست در کنترل پیامدهای اقتصادی و ادعای لزوماً تورم زان بودن اصلاح قیمت بنزین

اکوایران با بازتاب اظهارات مسعود نیلی بر نقش طراحی و اجرای سیاست در پیامدهای اصلاح قیمت ها تأکید کرده است. در این روایت، اصلاح قیمت بنزین به خودی خود عامل قطعی شوک تورمی معرفی نمی شود و تجربه تعدیل تدریجی قیمت در دولت خاتمی به عنوان نمونه ای از

اصلاحات کم هزینه و بدون شوک تورمی مطرح شده است.

طرح ادعای نقش شبکه های سازمان یافته و متصل به قدرت در قاچاق سوخت و بی اثر بودن افزایش قیمت در مهار آن

کانال «تحلیل زمانه» با انتشار دو مطلب، عامل اصلی قاچاق سوخت رانه ارزانی بنزین، بلکه فعالیت شبکه های سازمان یافته و متصل به مراکز قدرت معرفی کرده است. در این روایت، افزایش قیمت سوخت اقدامی بی اثر در مقابله با قاچاق و صرفاً موجب تحمیل هزینه بیشتر به مردم و تشدید نارضایتی اجتماعی دانسته شده است.

بازتاب منفی صف های طولانی بنزین و معطلی چند ساعته شهروندان در گرمای شدید برای تحریک نارضایتی و اعتراض اجتماعی

رسانه «اعتراض مدنی بازار» با انتشار تصاویر و گزارش هایی از صف های طولانی بنزین، برگسترش معطلی چند ساعته شهروندان در گرمای شدید تأکید کرده است. این رسانه با برجسته سازی دشواری تأمین سوخت و طرح «حق تجمع و اعتراض»، این وضعیت را در چارچوب تحریک نارضایتی و مطالبه گری اعتراضی بازنمایی کرده است.

بازنمایی سه سناریوی جدید توزیع بنزین به عنوان یک طرح واحد گران سازی و انتقاد از توجیه آن با مفاهیم عدالت و مدیریت مصرف

رسانه «حکمران» با انتشار یادداشتی از سید محمد کاظم رجایی، سه سناریوی مطرح شده برای توزیع بنزین را در عمل اشکال متفاوت یک سیاست گران سازی دانسته است. در این روایت، استفاده از مفاهیمی مانند عدالت و مدیریت مصرف برای توجیه افزایش هزینه سوخت مورد انتقاد قرار گرفته و نسبت به فشار بیشتر بر اقشار محروم هشدار داده شده است.

طرح مطالبه تشکیل هیئتی از مدیران پاکدست و کارشناسان مجرب برای ساماندهی مسئله بنزین و عبور کم هزینه از بحران سوخت

روزنامه «اطلاعات» با اشاره به نگرانی عمومی از کمبود و گرانی سوخت، خواستار تشکیل هیئتی از کارشناسان، مدیران مجرب و افراد پاکدست برای ارائه راهکاری جامع شده است. این روزنامه مقابله جدی با قاچاق سوخت را راهکار کوتاه مدت و طراحی سیاستی عقلایی برای قیمت و توزیع بنزین را ضرورتی فوری دانسته است.

تأکید بر محدود بودن نقش وزارت اقتصاد به انتقال سهمیه سوخت به کارت بانکی و تصمیم گیری جمعی درباره نرخ و سهمیه بنزین

خبرگزاری مهر به نقل از معاون وزیر اقتصاد اعلام کرده است که این وزارتخانه صرفاً مسئول انتقال

سهامیه سوخت به کارت بانکی است. به گفته مرتضی زمانیان، تصمیم‌گیری درباره نرخ و میزان سهامیه بنزین در کارگروهی متشکل از دستگاه‌های سیاستگذار، اجرایی، امنیتی و رسانه‌ای انجام می‌شود و در اختیار یک دستگاه نیست.

انتقاد از ایجاد بن بست مصنوعی در سیاستگذاری بنزین و بازنمایی طرح مبادله سهامیه به عنوان عامل بی‌عدالتی و تشدید تورم

خبرگزاری «تسنیم» با انتقاد از روند بررسی طرح‌های بنزینی، مدعی شده شرایط سیاستگذاری به گونه‌ای پیش‌رفته که گزینه‌ها به طرح مبادله سهامیه ختم می‌شود. این رسانه تخصیص سهامیه بنزین به افراد را دارای «تله رفاه» دانسته و نسبت به تبدیل منابع دولت به نقدینگی، تشدید تورم و بی‌عدالتی هشدار داده است.

بازتاب شناسایی سوءاستفاده از سهامیه بنزین با استفاده از مخزن ۲۰ لیتری مجاز در صندوق خودرو و سوخت‌گیری چندباره

رسانه «چندثانیه» ویدئویی از شناسایی فردی منتشر کرده که با قرار دادن مخزن ۲۰ لیتری جداگانه در صندوق خودرو، چندین بار اقدام به سوخت‌گیری کرده است. این محتوا نمونه‌ای از دور زدن محدودیت‌های عرضه بنزین و استفاده از مخازن جانبی برای دریافت سوخت بیشتر از میزان معمول را بازتاب داده است.

تشکیک در کارآمدی افزایش قیمت بنزین در کاهش مصرف و برجسته‌سازی فشار بیشتر این سیاست بر دهک‌های پایین و خانوارهای کم‌درآمد

جهان صنعت با استناد به گزارش سازمان برنامه و بودجه، افزایش قیمت بنزین را راهکاری ناکافی برای کاهش مصرف معرفی کرده است. در این گزارش، پایین بودن کشش تقاضای بنزین و نقش عوامل ساختاری در مصرف برجسته شده و همزمان تأکید شده است که افزایش قیمت می‌تواند فشار رفاهی بیشتری بر دهک‌های پایین وارد کند.

انتقاد از انتقال هزینه ناکارآمدی‌های اقتصادی به مردم در قالب اصلاح قیمت بنزین و مطالبه شفافیت دولت درباره سیاست‌های جبرانی

رسانه «حکمران» با انتشار یادداشتی از جواد عبادی، نسبت به انتقال هزینه ناکارآمدی‌های اقتصادی به مردم از مسیر افزایش قیمت بنزین انتقاد کرده است. در این روایت، شفاف‌سازی درباره مبنای قیمت‌گذاری، درآمد حاصل، نحوه جبران قدرت خرید و برنامه دولت برای مدیریت اقتصاد جنگ به عنوان مطالبه اصلی مطرح شده است.

تأکید بر نقش انحصار و ناکارآمدی صنعت خودرو در ناترازی بنزین و انتقال هزینه مصرف بالای خودروهای داخلی به مردم

روزنامه «جمهوری اسلامی» با تأکید بر مصرف بالای خودروهای داخلی، انحصار تولید و محدودیت واردات را از عوامل مهم ناترازی بنزین دانسته است. این روزنامه معتقد است اصلاح قیمت سوخت بدون اصلاح صنعت خودرو، کاهش رانت و افزایش رقابت، هزینه ناکارآمدی های ساختاری را به مردم منتقل می کند.

تأکید بر نقش مصرف بالای خودروهای داخلی در ناترازی بنزین و ضرورت تحمیل هزینه مصرف مازاد به خودروسازان نه مردم

تجارت نیوز با بازتاب اظهارات رئیس سازمان بهینه سازی مصرف سوخت، مصرف بالای خودروهای داخلی را از عوامل اصلی ناترازی بنزین دانسته است. وی تأکید کرده اگر مصرف خودروها مشابه استاندارد های روز بود، ناترازی شکل نمی گرفت و هزینه مصرف اضافی نیز باید متوجه خودروساز باشد؛ از این رو اصلاح تولید، شماره گذاری و واردات خودرو ضروری است.

تأکید بر توقف طرح بنزین ۸۷ هزار تومانی و هشدار درباره افزایش بازار سیاه و کسری بودجه در شرایط توقف واردات سوخت

تجارت نیوز به نقل از سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس، از منتفی شدن فعلی طرح عرضه بنزین مازاد با قیمت فوب خلیج فارس خبر داده است. در این روایت، اجرای سهمیه بنزین به کد ملی در شرایط توقف واردات، زمینه ساز بازار سیاه، افزایش هزینه های دولت و تشدید کسری بودجه ارزیابی شده است.

تشکیک در عدالت تخصیص سهمیه بنزین به افراد فاقد خودرو و طرح نگرانی درباره قیمت مبادله سهمیه و پیامدهای تورمی آن

رسانه «حکمران» با بازتاب اظهارات سید یاسر جبرائیلی، درباره پیامدهای طرح تخصیص بنزین به افراد فاقد خودرو تشکیک کرده است. وی با طرح پرسش درباره قیمت فروش روزانه سهمیه ۵۵ میلیون ایرانی فاقد خودرو، نسبت به اثر تورمی این مبادلات و میزان انتفاع واقعی فاقدان خودرو در مقایسه با مالکان خودرو ابراز نگرانی کرده است.

تصویرسازی منفی از عقب نشینی دولت در طرح بنزینی به عنوان نشانه تعلیق سیاستگذاری و تأکید بر ضرورت آزادسازی قیمت ها و حذف رانت

دنیای اقتصاد عقب نشینی از طرح عرضه بنزین ۸۷ هزار تومانی در کرمان را نمادی از دستپاچگی سیاستگذاران در مواجهه با ناترازی انرژی معرفی کرده است. این روزنامه تأکید دارد تا زمانی که هزینه اصلاحات بر دوش خانوارها باشد و انحصارزدایی و حذف رانت انجام نشود، اصلاح قیمت سوخت با

مقاومت اجتماعی مواجه خواهد شد.

اعتبارزدایی از آمار و سناریوهای بنزینی دولت و ادعای زمینه سازی برای گرانی شدید بنزین با هدف کسب درآمد و ایجاد تورم و نارضایتی

رسانه «حکمران» با انتشار یادداشتی از سید امیرحسین حسینی، آمارها و راهکارهای مطرح شده درباره بنزین و واردات خودرو را غیرکارشناسی و غیرواقعی خوانده است. در این روایت، دولت متهم شده با برجسته سازی کمبود بنزین و تبلیغ واردات خودرو، در حال آماده سازی افکار عمومی برای افزایش شدید قیمت سوخت است.

آینده هراسی از اجرای طرح مبادله سهمیه بنزین با ادعای آغاز قیمت ۸۷ هزار تومانی و تشدید تورم و سقوط ارزش پول ملی

رسانه «حکمران» با انتشار یادداشتی از حسین زمانی میقان، مدعی شده قیمت اولیه مبادله سهمیه بنزین میان مردم می تواند به ۸۷ هزار و ۲۰۰ تومان برسد. در این روایت، اجرای طرح به عنوان آغاز چرخه افزایش قیمت بنزین، تشدید تورم، رشد نرخ ارز، کاهش ارزش پول ملی و گسترش فقر بازنمایی شده است.

تمسخر سه سناریوی توزیع بنزین و بازنمایی آنها به عنوان اشکال مختلف محدودیت عرضه و زمینه سازی برای فروش سوخت با نرخ آزاد

رسانه «حکمران» با باز نشر اظهارات مجید رضا حریری، سه سناریوی مطرح شده برای توزیع بنزین را به صورت طنزآمیز نقد کرده است. در این روایت، محدودیت عرضه، اجرای الگوی کرمان و تخصیص سهمیه فردی، در نهایت به عنوان مسیرهایی برای افزایش خرید بنزین با نرخ آزاد و تحمیل هزینه بیشتر به مصرف کنندگان بازنمایی شده اند.

طرح مطالبه عزل مسببان اعلام بنزین ۸۷ هزار تومانی و هشدار درباره تشدید التهاب اجتماعی و تکرار حوادث آبان ۹۸

رسانه «حکمران» با بازتاب اظهارات حسین صمصامی، اعلام و سپس تکذیب بنزین ۸۷ هزار تومانی در کرمان را عامل تشویش افکار عمومی دانسته است. صمصامی خواستار عزل مسببان این تصمیم شده و هشدار داده بازی با سیاست های قیمتی در شرایط فعلی می تواند به تشدید التهاب اجتماعی و تکرار حوادث آبان ۹۸ منجر شود.

اعتبارزدایی از آمار دولت درباره ناترازی بنزین و تشکیک در ادعای نیاز ۶ میلیارد دلاری به واردات و ضرورت افزایش قیمت سوخت

رسانه «نوبنیاد آنلاین» با انتقاد از ارقام مطرح شده درباره ناترازی بنزین، مدعی شده بخش مهمی از

تأمین سوخت از مسیر تهاثر نفت و دریافت ریفرمیت انجام می‌شود و الزاماً نیازمند پرداخت ۶ میلیارد دلار نقدی نیست. این رسانه افزایش قیمت بنزین را راهکاری پرهزینه و تکمیل پتروپالایشگاه‌ها را گزینه جایگزین معرفی کرده است.

انتقاد از طرح بازتوزیع مساوی بنزین و هشدار درباره کاهش مسئولیت دولت در تأمین سوخت و تکرار آبان ۹۸ اعتراضات

رسانه «خط انرژی» با بازتاب اظهارات احسان حسینی، نسبت به اجرای طرح بازتوزیع مساوی بنزین انتقاد کرده است. در این روایت، دولت در شرایط جنگی مسئول تأمین سوخت مردم دانسته شده و واگذاری مسئولیت از مسیر تقسیم سهمیه مورد نقد قرار گرفته است. همچنین درباره پیامدهای اجتماعی طرح و تکرار اعتراضات آبان ۹۸ هشدار داده شده است.

تأکید بر نبود بنزین فیزیکی کافی برای تأمین مصرف کشور و راهکارهای جایگزین افزایش قیمت برای مدیریت ناترازی سوخت

رسانه «خط انرژی» با بازتاب اظهارات احسان حسینی، بر کمبود واقعی بنزین برای تأمین نیاز کشور تأکید کرده است. در این روایت، راهکارهایی مانند مقابله با قاچاق، جیره‌بندی سوخت، اصلاح مصرف خودروها و اخذ مالیات از ثروتمندان به عنوان جایگزین افزایش قیمت بنزین مورد نقد و پاسخ قرار گرفته‌اند.

برجسته‌سازی رشد مصرف بنزین و هشدار درباره تشدید ناترازی سوخت با احتمال افزایش مصرف روزانه به ۱۷۰ میلیون لیتر تا سال ۱۴۰۷

رسانه «خط انرژی» با استناد به آمار روابط عمومی وزارت نفت، میانگین مصرف روزانه بنزین در بازه ۱۲ تا ۱۶ مرداد را ۱۳۳.۵ میلیون لیتر اعلام کرده است. این رسانه با اشاره به رشد ۱۰ درصدی مصرف طی چهار سال گذشته، نسبت به رسیدن مصرف روزانه به حدود ۱۷۰ میلیون لیتر تا سال ۱۴۰۷ هشدار داده است.

تأکید بر ظرفیت سی‌ان‌جی برای جبران بخش مهمی از ناترازی بنزین و کاهش روزانه ۱۵ تا ۲۰ میلیون لیتر کسری سوخت

تجارت‌نیوز به نقل از رئیس هیات مدیره انجمن صنفی سی‌ان‌جی کشور، ظرفیت موجود این سوخت را راهکاری برای کاهش ناترازی بنزین معرفی کرده است. براساس این ارزیابی، با استفاده از ۴.۵ میلیون خودروی گازسوز و ۲۲۰ جایگاه و ارائه مشوق‌های مناسب، امکان جایگزینی روزانه ۱۵ تا ۲۰ میلیون لیتر بنزین وجود دارد.

طرح ادعای موافقت دولت با سناریوی سوم بنزینی و انتقال سهمیه ۹۱ میلیون لیتری از خودروها به عموم مردم

رسانه «نفت‌ما» در شبکه ایکس مدعی شده دولت با سناریوی سوم توزیع بنزین موافقت کرده

است. براساس این ادعا، قرار است ۹۱ میلیون لیتر بنزین به جای تخصیص به خودروها، میان عموم مردم توزیع شود؛ ادعایی که هنوز جزئیات اجرایی آن در این مطلب تشریح نشده است.

تصویرسازی منفی از بحران بنزین به عنوان نتیجه ناکارآمدی مدیریتی و زمینه ساز انتقال هزینه ناترازی و موج تازه گرانی به مردم

کیهان لندن با بازخوانی طرح بنزین ۸۷ هزار تومانی و گمانه زنی درباره نرخ های بالاتر، ناترازی سوخت را حاصل ناکارآمدی مدیریتی جمهوری اسلامی معرفی کرده است. این رسانه مدعی شده افزایش اجتناب ناپذیر قیمت بنزین، از مسیر رشد هزینه حمل و نقل و تولید، موج تازه ای از تورم و فشار معیشتی بر خانوارها تحمیل خواهد کرد.

چرخش ادبیات رسانه ای از جنگ نظامی به فشار اقتصادی و محاصره دریایی با هدف القای فرسایش توان اقتصادی و فروپاشی قریب الوقوع اقتصاد ایران در جامعه

در تولیدات رسانه ای ساعات اخیر، همزمان با تداوم تقابل ایران و آمریکا، ادبیات «جنگ نظامی» به تدریج جای خود را به روایت «نبرد اقتصادی، محاصره دریایی و فرسایش توان اقتصادی ایران» داده است؛ روایتی که در بخش قابل توجهی از پوشش رسانه های معاند با برجسته سازی آثار محاصره بنادر، اختلال در تنگه هرمز، محدودیت واردات و فشار بر منابع ارزی، به سمت القای نزدیک شدن اقتصاد ایران به مرحله کمبود گسترده، بحران معیشتی و نارضایتی اجتماعی سوق یافته است. ایران اینترنشنال با استفاده از اظهارات شایان سمیعی، رضا گوهرزاد و مراد ویسی، بسته ماندن تنگه هرمز را اقدامی زیان بار برای ایران بازنمایی کرده و همزمان با برجسته سازی افزایش هزینه واردات، صف های بنزین، بازار سیاه سوخت و ادعای کفایت ذخایر غذایی برای تنها سه تا چهار ماه، تلاش کرده تصویری از محدود شدن گزینه های اقتصادی حاکمیت و نزدیک شدن فشارها به زندگی روزمره مردم ارائه دهد. در همین چارچوب، باز نشر اظهارات بهنام بن طالب لواز سوی دونالد ترامپ نیز به عنوان نشانه ای از تأکید واشنگتن بر ترکیب فشار مالی و محاصره دریایی برای فرسایش توان اقتصادی و نظامی ایران برجسته شده است.

همزمان ایندپندنت فارسی اظهارات ترامپ درباره خسارت روزانه صدها میلیون دلاری محاصره را بازتاب داده و روایت منتشر شده از وال استریت ژورنال نیز مرحله کنونی تقابل را «نبرد اقتصادی» توصیف کرده است؛ مرحله ای که در آن هر دو طرف می کوشند با افزایش هزینه های اقتصادی، طرف مقابل را به عقب نشینی وادار کنند. برآیند این تولیدات، انتقال کانون روایت از میدان نظامی به اقتصاد و تقویت انگاره فرسایش سریع ظرفیت های مالی، کالایی و معیشتی ایران و پیوند زدن این وضعیت با احتمال افزایش نارضایتی و اعتراضات داخلی است.

طرح ادعای گسترش «فقر تعمیراتی» در پی افزایش هزینه قطعات و خدمات و کاهش توان خانوارها برای تعمیر و نگهداری لوازم و خودرو

روزنامه شرق در گزارشی با عنوان «فقر تعمیراتی؛ زندگی با وسایل خراب» به افزایش هزینه تعمیر لوازم خانگی، خودرو و حتی برخی خدمات روزمره پرداخته و با استناد به روایت شهروندان و یک جامعه‌شناس اقتصادی، از شکل‌گیری پدیده‌ای با عنوان «فقر تعمیراتی» سخن گفته است؛ وضعیتی که در آن بخشی از خانوارها به دلیل بالا رفتن قیمت قطعات و اجرت خدمات، نه توان خرید کالای جدید را دارند و نه امکان تعمیر وسیله معیوب را پیدا می‌کنند.

در این گزارش، نمونه‌هایی از کنار گذاشتن خودرو به دلیل هزینه بالای تعمیر کولر، به تعویق افتادن تعمیر وسایل خانگی و حتی صرف نظر از تعمیر لباس و وسایل شخصی مطرح شده است. همزمان تعمیرکاران نیز از کاهش تعداد سفارش‌ها خبر داده‌اند و تأکید کرده‌اند بسیاری از مشتریان پس از اطلاع از قیمت قطعه و اجرت، از تعمیر منصرف می‌شوند؛ هرچند افزایش اجاره، مالیات، برق، دستمزد و قیمت قطعات، هزینه فعالیت تعمیرگاه‌ها را نیز افزایش داده است.

علی‌اصغر سعیدی، جامعه‌شناس اقتصادی، این وضعیت را نوعی «محرومیت از تعمیر» دانسته و گفته است خانوارها در شرایط فشار اقتصادی، هزینه‌هایی مانند خوراک، مسکن، دارو و آموزش را بر تعمیر وسایل در اولویت قرار می‌دهند.

در ادامه گزارش، افزایش نابرابری در کیفیت زندگی، سوق یافتن تقاضا به تعمیرکاران غیررسمی، استفاده از قطعات دست دوم یا نامطمئن و تداوم استفاده از وسایل معیوب از پیامدهای این روند عنوان شده و افزایش قیمت و دشواری تأمین قطعات، نوسانات اقتصادی و بی‌اعتمادی به نتیجه تعمیر از عوامل مؤثر بر تشدید این وضعیت معرفی شده است.

بازتاب منفی جهش تورم تولیدکننده بخش صنعت و افزایش نگرانی از انتقال فشار هزینه به تورم مصرف‌کننده در شش ماه آتی

براساس گزارش مرکز آمار، شاخص قیمت تولیدکننده بخش صنعت در بهار ۱۴۰۵ به ۶۵.۳ رسیده و هر سه شاخص تورم فصلی، نقطه به نقطه و سالانه با افزایش قابل توجه همراه شده‌اند. این روند از تشدید فشار هزینه در بخش تولید حکایت دارد و با توجه به نقش تورم تولیدکننده به عنوان یکی از شاخص‌های پیش‌نگر تورم مصرف‌کننده، با بازتاب منفی و افزایش نگرانی نسبت به مسیر قیمت‌ها در ماه‌های آینده همراه شده است.

- تورم فصلی تولیدکننده صنعت بارش ۹۰.۱ واحد درصدی از ۲۷.۱ درصد در زمستان به ۳۶.۲ درصد در بهار رسیده است

- تورم نقطه به نقطه بخش صنعت با جهش ۴۲.۷ واحد درصدی از ۶۶.۳ درصد به ۱۰۹ درصد

افزایش یافته است

- تورم سالانه تولیدکننده صنعت نیز با افزایش ۱۹.۱ واحد درصدی از ۵۱.۸ درصد به ۷۰.۹ درصد رسیده است

- بیشترین تورم فصلی با ۱۰۷.۴ درصد مربوط به گروه ساخت فرآورده های توتون و تنباکو بوده است

- بیشترین تورم نقطه به نقطه نیز در همین گروه با ۱۷۶.۲ درصد ثبت شده است
- در بخش تورم سالانه، ساخت کاغذ و محصولات کاغذی با ۹۶.۸ درصد بالاترین افزایش قیمت را تجربه کرده است

افزایش همزمان و پرشتاب هر سه شاخص نشان می دهد فشارهای قیمتی در حلقه تولید همچنان در حال افزایش است. در صورتی که روند صعودی تورم تولیدکننده در فصل های آینده تداوم داشته باشد، بخشی از این افزایش هزینه با فاصله زمانی حدود دو فصل (شش ماه آتی) به بخش مصرف کننده منتقل خواهد شد و می تواند زمینه تداوم یا تشدید تورم عمومی را فراهم کند.

چالش های پیش روی مدیریت تورم تولیدکننده:

- ۱- تداوم افزایش هزینه مواد اولیه و نهاده های تولید
- ۲- نوسانات و روند صعودی نرخ ارز و اثر آن بر هزینه واردات مواد اولیه
- ۳- افزایش هزینه انرژی و سایر هزینه های سر بار بنگاه های صنعتی
- ۴- محدودیت های تأمین برق و گاز و افزایش هزینه ناشی از اختلال در تولید
- ۵- افزایش هزینه حمل و نقل، دستمزد و تأمین مالی واحدهای تولیدی
- ۶- کاهش قدرت جذب افزایش هزینه ها توسط بنگاه ها و انتقال تدریجی آن به قیمت نهایی
- ۷- تقویت انتظارات تورمی در صورت استمرار رشد هزینه های تولید

در مجموع، جهش تورم نقطه ای تولیدکننده صنعت به ۱۰۹ درصد و افزایش همزمان تورم فصلی و سالانه، تصویری از تشدید فشار در سمت عرضه اقتصاد ارائه می دهد. در صورت استمرار این روند، احتمال انتقال بخشی از فشار هزینه تولید به تورم مصرف کننده با وقفه حدود دو فصل افزایش خواهد یافت؛ موضوعی که ضرورت اتخاذ تدابیر مؤثرتر پولی، ارزی، انرژی و حمایت از تولید از سوی سیاست گذار برای کنترل ریشه های تورم را برجسته می کند.

طرح ادعای کسر مبالغ قابل توجه از حقوق بازنشستگان توسط بانک رفاه بابت بدهی تسهیلات قدیمی و بازتاب آن در رسانه ها

روزنامه اطلاعات در گزارشی مدعی شده است بانک رفاه کارگران بدون اطلاع و اخطار قبلی، از حقوق

برخی بازنشستگان کارگری مبالغ قابل توجهی، گاه تا حدود یک سوم حقوق ماهانه، بابت بدهی تسهیلات قدیمی کسر کرده است؛ ادعایی که پس از انتشار، در شماری از رسانه‌ها و کانال‌های خبری از جمله خبرآنلاین، اسکان نیوز، چندثانیه و پیام اقتصاد بازتاب یافته است.

بر اساس روایت منتشرشده در روزنامه اطلاعات، برخی بازنشستگان پس از مشاهده کاهش مبلغ واریزی حقوق خود و مراجعه برای پیگیری، به شعبه فردوسی بانک رفاه ارجاع شده و در آنجا به آنان اعلام شده است که حدود ۲۵ سال پیش از مؤسسه یا شعبه‌ای که اکنون منحل شده، تسهیلات دریافت کرده‌اند و بدهی باقی مانده با احتساب سود به چند برابر مبلغ اولیه رسیده است.

در بازتاب‌های رسانه‌ای این موضوع، بیش از همه بر برداشت بدون اطلاع قبلی، میزان بالای کسر از حقوق، قدمت بدهی‌های مورد ادعا، نحوه محاسبه سود و ابهام در مستندات و سازوکار قانونی وصول مطالبات تمرکز شده است. همچنین در گزارش اولیه نسبت به چرایی وصول ناگهانی این مطالبات از حقوق بازنشستگان و عدم تقسیط بدهی‌ها پرسش‌هایی مطرح شده است. در مطالب منتشرشده تاکنون، پاسخ رسمی و تفصیلی بانک رفاه درباره اصل ادعا، تعداد افراد مشمول و مبنای حقوقی این برداشت‌ها منعکس نشده است.

این موضوع می‌تواند توسط رسانه‌های معاند برای تحریک بازنشستگان و تشدید نارضایتی معیشتی بهره‌برداری شود و همزمان با تجمعات صنفی، به تحریک کنش خیابانی و گسترش اعتراضات بازنشستگان منجر شود.

ابهام در مبنای حقوقی و کارکرد طرح «خانه‌ریز» و آغاز خط انتقادی نسبت به فروش سانی متری مسکن در تهران

طرح «خانه‌ریز» شهرداری تهران که با هدف جذب سرمایه‌های خرد، حفظ ارزش دارایی شهروندان و فراهم کردن امکان ورود افراد با سرمایه محدود به بازار مسکن آغاز شده، پس از ورود به مرحله فروش گسترده، با افزایش ابهامات حقوقی و اقتصادی و شکل‌گیری خط انتقادی در برخی رسانه‌ها و شورای شهر تهران مواجه شده است.

شهرداری تهران پیش‌تر اعلام کرده بود در این مدل، بخشی از قدرالسهم خود از پروژه‌های ساختمانی در قالب «خانه‌ریز» عرضه می‌شود و خریداران می‌توانند از چند واحد کوچک تا میزان بیشتری از یک پروژه را خریداری کنند. دنیای اقتصاد نیز در بررسی اولیه طرح، موضوعاتی همچون وضعیت حقوقی عرضه، لزوم بررسی نسبت آن با مقررات بازار سرمایه، تورم هزینه ساخت، نحوه مشارکت سرمایه‌گذار در سود و زیان و احتمال تعارض منافع شهرداری را به عنوان ابهامات قابل بررسی مطرح کرده بود. در مقابل، سخنگوی شهرداری تهران تأکید کرده است این طرح یک پروژه مشارکتی مبتنی بر قدرالسهم زمین است و ملاحظات قانونی آن لحاظ شده است.

با آغاز فروش پروژه «فجر» و اعلام واگذاری حدود ۵ هزار خانه ریز طی چهار ساعت، بحث درباره ماهیت این دارایی‌ها بار دیگر افزایش یافت؛ به‌ویژه اینکه هر خانه ریز معادل سهم بسیار کوچکی از یک ملک تعریف شده و درباره حقوق عملی مالک، امکان تجمیع و نحوه تبدیل سهم به ملک پرسش‌هایی مطرح شده است.

همزمان مهدی اقراریان، عضو شورای شهر تهران، با طرح سؤال درباره مبنای حقوقی فروش سانتی‌متری، نسبت به احتمال سفته‌بازی و اثرگذاری آن بر بازار مسکن هشدار داده و خواستار شفاف‌سازی شهرداری شده است. بازتاب این مواضع در دیده‌بان ایران و تجارت نیوز نشان می‌دهد همزمان با گسترش اجرای طرح، خطر سانه‌ای بررسی و نقد ابعاد حقوقی، اقتصادی و آثار احتمالی «خانه ریز» نیز در حال پررنگ‌تر شدن است.

محورهای اصلی ذیل این سوژه:

- ❖ طرح ادعا درباره فقدان مبنای حقوقی روشن برای فروش سانتی‌متری مسکن و مطالبه شفاف‌سازی شهرداری درباره مجوزها و حقوق واقعی خریداران «خانه ریز»
- ❖ برجسته‌سازی ابهام در کارکرد عملی «خانه ریز» و طرح پرسش درباره امکان تجمیع سهم‌های سانتی‌متری، تبدیل آنها به ملک و نحوه اعمال مالکیت
- ❖ هراس افکنی نسبت به تبدیل طرح «خانه ریز» به بستری برای سفته‌بازی و ایجاد موج جدید معاملات سوداگرانه و افزایش فشار قیمتی در بازار مسکن
- ❖ تشکیک در سازوکار اقتصادی طرح با تمرکز بر نحوه قیمت‌گذاری، حقوق سرمایه‌گذاران خرد، شیوه خروج از سرمایه‌گذاری و میزان تضمین نقدشوندگی سهم‌ها
- ❖ انتقاد از ورود مستقیم شهرداری تهران به فروش سهم‌های خرد ملکی و طرح احتمال تعارض میان نقش نظارتی مدیریت شهری و منافع اقتصادی پروژه‌ها
- ❖ هجمه به علیرضا زاکانی با بازخوانی وعده سال ۱۴۰۲ او برای «شکستن کمر قیمت مسکن» و بازنمایی «خانه ریز» به عنوان نماد محقق‌نشدن این وعده
- ❖ تصویرسازی منفی از عملکرد مدیریت شهری با برجسته‌سازی گزاره «کمر قیمت مسکن نشکست اما کمر مردم شکست» در پی افزایش هزینه خرید و اجاره مسکن
- ❖ وزن دهی به احتمال تبدیل اختلافات پیرامون «خانه ریز» به چالش سیاسی برای زاکانی با طرح موضوع سؤال از شهردار در صورت پاسخ‌ندادن به انتقادات شورای شهر

طرح ادعای جاماندگی درآمدهای مالیاتی از اهداف بودجه و افزایش ریسک کسری بودجه همزمان با بازنمایی نشانه‌های رکود و فشار مالی دولت

انتشار آمارهای جدید از عملکرد درآمدهای مالیاتی دولت، به افزایش تولیدات رسانه‌ای پیرامون فاصله وصول مالیات از اهداف بودجه‌ای و پیامدهای احتمالی آن برای کسری بودجه ۱۴۰۵ منجر شده است. براساس آمارهای منتشرشده، درآمد مالیاتی دولت در چهار ماه نخست امسال به ۵۷۷.۶ هزار میلیارد تومان رسیده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته حدود ۴۵.۷ درصد رشد داشته است. درآمد مالیاتی تیرماه نیز ۱۷۴.۵ هزار میلیارد تومان اعلام شده که رشد ۸۳.۸ درصدی نسبت به تیرماه سال قبل را نشان می‌دهد.

با وجود این رشد اسمی، دنیای اقتصاد با تمرکز بر میزان تحقق اهداف بودجه‌ای نوشته است که تا پایان تیرماه تنها ۵۱.۴ درصد از درآمد مالیاتی پیش‌بینی شده برای این مقطع محقق شده و تداوم این عقب‌ماندگی می‌تواند در کنار دشواری تحقق درآمدهای نفتی، برداشت از صندوق توسعه ملی و واگذاری اموال، ریسک کسری بودجه را افزایش دهد.

همزمان، زومان با تمرکز بر عملکرد سه ماهه نخست، از عدم تحقق ۳۰۲ هزار میلیارد تومان از درآمد مالیاتی هدف‌گذاری شده خبر داده و نوشته است از هدف ۷۰۵ همتی، حدود ۴۰۳ همت وصول شده که معادل تحقق ۵۷.۲ درصدی و به روایت این مجموعه، ضعیف‌ترین عملکرد چهار سال اخیر است. این رسانه همچنین افت وصول مالیات را به عنوان نشانه‌ای احتمالی از رکود کسب و کارها، افت سود شرکت‌ها، کاهش قدرت خرید و احتمال تعدیل نیروی بخش خصوصی تفسیر کرده و نسبت به اثر کسری بودجه بر استقراض، نقدینگی و تورم هشدار داده است. در مقابل، داده‌های منتشرشده درباره سال ۱۴۰۴ نشان می‌دهد درآمد مالیاتی دولت بارشد ۳۷ درصدی به ۱۶۹۱ هزار میلیارد تومان رسیده بود که ۷۹۲ همت آن مالیات اشخاص حقوقی و ۲۷۲ همت مالیات بر درآمد افراد بوده است؛ آماري که استمرار رشد اسمی مالیات را با وجود شرایط رکودی و جنگی نشان می‌دهد.

مهم‌ترین محورهای ذیل این سوژه:

۱. طرح ادعای جاماندگی محسوس درآمدهای مالیاتی از اهداف بودجه‌ای با وجود رشد اسمی وصول مالیات و برجسته‌سازی تحقق تنها نیمی از منابع پیش‌بینی شده تا پایان تیرماه
۲. برجسته‌سازی عدم تحقق ۳۰۲ هزار میلیارد تومان از هدف مالیاتی سه ماهه نخست و معرفی تحقق ۵۷.۲ درصدی به عنوان ضعیف‌ترین عملکرد چهار سال اخیر
۳. تفسیر کاهش نسبت تحقق مالیات به عنوان نشانه احتمالی تعمیق رکود اقتصادی، افت سودآوری بنگاه‌ها، کاهش فروش شرکت‌ها و افزایش فشار بر بخش خصوصی

۴. هشدار نسبت به افزایش ریسک کسری بودجه در صورت تداوم جاماندگی مالیاتی همزمان با دشواری تحقق درآمدهای نفتی، واگذاری دارایی‌ها و منابع صندوق توسعه
۵. پیوند دادن کسری احتمالی منابع دولت با افزایش نیاز به استقراض یا پولی‌سازی کسری و طرح نگرانی درباره تشدید تورم و کاهش قدرت خرید خانوارها
۶. بازتاب رشد ۴۵.۷ درصدی درآمد مالیاتی چهارماهه و جهش ۸۳.۸ درصدی وصول تیرماه در کنار تأکید بر فاصله موجود میان رشد اسمی و اهداف بودجه‌ای

ارزیابی و تحلیل روند رسانه‌های منطقه و رژیم صهیونیستی

خلاصه مدیریتی - مهم‌ترین محورهای رسانه‌ای

- ❖ متهم‌سازی تهران به «گمراه‌سازی» در پرونده خلبانان ایرانی؛ فرافکنی دوحه برای انتقال مسئولیت ابهام به ایران
- ❖ تهدیدنمایی از اظهارات قالیباف درباره ارتباط با رزمندگان حزب الله و بازنمایی ایران به عنوان ناقض حاکمیت لبنان
- ❖ تشدید عامدانه تنش در جنوب لبنان؛ تبدیل واکنش حزب الله به بهانه‌ای برای گسترش حملات و تثبیت آزادی عمل نظامی رژیم صهیونیستی
- ❖ بحران‌نمایی از معیشت ایرانیان؛ با القای قرارگیری اقتصاد ایران در آستانه ورود به «چرخه فقر جنگی»
- ❖ القای فروپاشی کارکرد هرمز و تأکید بر تشدید محاصره همه جانبه ایران
- ❖ اولویت انتخابات بر توافق لبنان؛ روایت بن کاسپیت از تقابل نتانیاهو با فشار ترامپ
- ❖ برجسته‌سازی دوگانه «بمب یا بقا» در تحلیل راز زیمت؛ تلاش برای القای چرخش احتمالی دکترین هسته‌ای ایران پس از دو جنگ اخیر
- ❖ وارونه‌سازی جایگاه مطالبه‌گرو پاسخ‌گو در پرونده خلبانان ایرانی با انتقال بار اثبات به تهران و برجسته‌سازی ادعای عدم همکاری ایران با تحقیقات قطر
- ❖ تصویرسازی از «دوحه مسئول و تهران بحران‌ساز» با برجسته‌سازی نقش میانجی‌گری قطر و پیوند پرونده خلبانان با مذاکرات آمریکا و ایران و بازگشایی هرمز
- ❖ مشروعیت بخشی به اقدام نظامی قطر علیه جنگنده‌های ایرانی از طریق برجسته‌سازی ادبیات «دفاع از حریم هوایی» و مقصرنمایی ایران در استمرار تنش‌های خلیج فارس
- ❖ بازنمایی ارتباط ایران با حزب الله به عنوان نشانه نفوذ مستقیم تهران در ساختار نظامی مقاومت و زمینه‌سازی برای متهم‌سازی جمهوری اسلامی به تضعیف استقلال لبنان
- ❖ بایکوت نقش اشغال و حملات رژیم صهیونیستی در جنوب لبنان هم‌زمان با برجسته‌سازی ارتباط تهران و حزب الله برای انتقال مسئولیت بی‌ثباتی لبنان به ایران و مقاومت
- ❖ تحریک حزب الله به واکنش از طریق تداوم حملات و سپس بازنمایی هر پاسخ مقاومت به عنوان «نقض آتش بس» برای توجیه موج تازه حملات رژیم صهیونیستی
- ❖ تثبیت مفهوم «تله تشدید» در جنوب لبنان با ایجاد وضعیتی که هم سکوت حزب الله و هم واکنش آن به افزایش آزادی عمل نظامی رژیم صهیونیستی منتهی شود
- ❖ اعمال فشار بر دولت لبنان با افزایش هزینه‌های انسانی و امنیتی برای تحمیل خلع سلاح فوری

حزب الله و ترتیبات امنیتی مطلوب تل آویو

- ❖ تصویرسازی از اقتصاد ایران به عنوان اقتصادی در آستانه «فروپاشی معیشتی» با برجسته سازی تورم، کاهش ارزش پول ملی، خرید اعتباری مواد غذایی و گسترش فقر و آسیب پذیری
- ❖ بازتعریف «تاب آوری اقتصادی» ایران به عنوان «تله تاب آوری» برای القای انتقال هزینه دورزدن تحریم ها به جامعه و زمینه سازی برای مؤثرنمایی سیاست فشار حداکثری
- ❖ اعتبارزدایی از اهرم هرمز با این همانی محدود سازی کشتیرانی با «دزدی دریایی» و بازنمایی آن به عنوان اقدامی ناشی از استیصال و فقدان گزینه های مؤثرتر تهران
- ❖ آینده هراسی از استمرار کنترل ایران بر هرمز با القای شکل گیری اجماع جهانی علیه تهران، کاهش اهمیت راهبردی تنگه و تشدید انزوای منطقه ای و بین المللی جمهوری اسلامی
- ❖ تهدید سازی از «پنجره هسته ای ایران» با برجسته سازی فرسایش معماری بازدارندگی، تغییر رهبری و افزایش نفوذ سپاه برای زمینه سازی فشار و حملات گسترده تر در صورت حرکت تهران به سوی سلاح هسته ای

رصد و تحلیل

متهم سازی تهران به «گمراه سازی» در پرونده خلبانان ایرانی؛ فرافکنی دوحه برای انتقال مسئولیت ابهام به ایران

ساعاتی پس از اظهارات سردار سید محمد باقرزاده، فرمانده کمیته جست و جوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح، مبنی بر اینکه سه خلبان ایرانی پس از سقوط دو فروند سوخو-۲۴ در اسارت قطر قرار دارند، وزارت خارجه قطر با واکنشی تند این ادعا را «گمراه کننده» خواند. دوحه به جای ورود شفاف به سرنوشت سه خلبان، بر ادعای نقض حریم هوایی، تلاش برای تماس با آنان، یافتن پیکریک خلبان و عدم پاسخ ایران به دعوت برای اعزام تیم تحقیق تمرکز کرده است. این موضع به سرعت در رسانه های عربی و صهیونیستی بازتاب یافت و به بستری برای **متهم سازی تهران به تشدید بحران منطقه ای** تبدیل شده است.

محورهای عملیات روانی قطر و رسانه های همسو

- ❖ وارونه سازی جایگاه طرف مطالبه گر و طرف پاسخگو با تبدیل پرسش درباره وضعیت سه خلبان به اتهام «گمراه سازی» علیه ایران
- ❖ برجسته سازی نقش میانجی قطر برای القای این گزاره که تهران با طرح ادعاهای تازه، روند دیپلماتیک را مختل می کند
- ❖ پیوند زدن پرونده خلبانان با فضای مذاکرات آمریکا و ایران و القای بی میلی تهران به توافق و

بازگشایی هرمز

❶ مقصرنمایی از ایران در استمرار تنش های خلیج فارس و القای اینکه تهران برای تعویق ترمیم مناسبات منطقه ای به «بهانه سازی» متوسل می شود

❷ استفاده از ادبیات حقوقی و «دفاع از حریم هوایی» برای مشروعیت بخشی به اقدام نظامی قطر

❸ انتقال بار اثبات به ایران از طریق طرح ادعای عدم همکاری با تیم های جست و جو

در سطح تحلیلی، دوحه با فرافکنی و طرح موضوعاتی که هنوز مستقلاً راستی آزمایی نشده اند، از پاسخ شفاف درباره وضعیت سه خلبان باقی مانده فاصله می گیرد. هم زمان، برجسته سازی نقش میانجی گری قطر می تواند ابزاری برای ساختن تصویری از «دوحه مسئول و تهران بحران ساز» باشد.

به واقع خط اصلی این موضع، فراتر از تکذیب یک ادعا، تلاش برای تثبیت روایت مسئولیت پذیری قطروبی ثبات سازی ایران است؛ روایتی که در صورت تداوم، می تواند پرونده خلبانان را از یک مطالبه انسانی و حقوقی به ابزاری در منازعه سیاسی پیرامون مذاکرات، هرمز و روابط دوسوی خلیج فارس تبدیل کند.

تهدیدنمایی از اظهارات قالیباف درباره ارتباط با رزمندگان حزب الله و بازنمایی ایران به عنوان ناقض حاکمیت لبنان

«جروزالم پست» در میانه تشدید تنش ها در لبنان در گزارشی با برجسته سازی اظهارات اخیر محمد باقر قالیباف مبنی بر تداوم ارتباط او با رزمندگان حزب الله در خطوط مقدم لبنان، تلاش کرده است این سخنان را به عنوان نشانه ای از تداوم نفوذ مستقیم ایران در ساختار نظامی حزب الله و بی اعتنائی تهران به حاکمیت دولت لبنان بازنمایی کند. این رسانه همچنین ادعا کرده اظهارات قالیباف با اعتراض ها و ملاحظات داخلی لبنان در تعارض قرار دارد.

این صورت بندی در حالی ارائه می شود که «جروزالم پست» در روایت خود، تداوم حضور نظامی رژیم صهیونیستی در جنوب لبنان، اختلاف و اشنگتن با تل آویو بر سر عقب نشینی و نقض های مکرر آتش بس را به حاشیه برده است. به نوشته های رسانه های لبنانی تنها در حملات ۱۵ اوت به جنوب لبنان دست کم ۱۱ نفر کشته شدند و این حملات از مرگبارترین موارد پس از توافق ماه ژوئن بوده است. خط اصلی «جروزالم پست» آن است که ارتباط سیاسی-میدانی ایران با حزب الله رانفی استقلال لبنان معرفی کند، بی آنکه سهم اشغال، تداوم حملات و عدم پایبندی کامل تل آویو به مسیر مذاکرات میانجی گری شده آمریکا را با همان وزن برجسته سازد و می کوشد به بهانه ارتباط سیستماتیک مقاومت و تهران راه را برای جنگ افروزی جدید در لبنان منطبق با مطالبات انتخاباتی لیکو هموار سازد.

تشدید عامدانه تنش در جنوب لبنان؛ تبدیل واکنش حزب الله به بهانه ای برای گسترش حملات و تثبیت آزادی عمل نظامی رژیم صهیونیستی

تحولات ۲۴ ساعت گذشته در جنوب لبنان نشان می دهد تل آویو در حال تثبیت الگویی از «تشدید دائمی و کنترل شده» است که در آن، چه حزب الله واکنش نشان دهد و چه از پاسخ خودداری کند، فضای عملیاتی به سود رژیم صهیونیستی توسعه می یابد. پس از حمله پهپادی حزب الله به نیروهای اسرائیلی در محور علی الطاهر وزخمی شدن سه نظامی پس از روزها عملیات صهیونیست ها در جنوب، دفتر نتانیا هو بلافاصله این اقدام را «نقض آتش بس» خوانده و ارتش، حملات گسترده تری را علیه انصار، دیرالزهرانی و نبطیه انجام داد. این حملات دست کم ۱۱ کشته و ۱۹ زخمی برجای گذاشت و مرگبارترین روز از زمان توافق های ماه ژوئن بود.

چرخه ای که هر دو مسیر آن به تشدید ختم می شود

رژیم صهیونیستی از ماه های گذشته حملات، تخریب منازل و عملیات مهندسی جمعیت در جنوب لبنان را حتی در شرایط کاهش واکنش حزب الله ادامه داده است؛ بنابراین سکوت مقاومت عملاً به کاهش فشار منتهی نشده است. در مقابل، هر واکنش میدانی حزب الله اکنون به سرعت در ادبیات تل آویو به «نقض توافق» تبدیل می شود و مجوز حملات شدیدتر را فراهم می کند. بررسی مشترک «فایننشال تایمز» و «لایت هاوس ریپورتس» از تخریب گسترده منازل، زیرساخت ها و اراضی کشاورزی در جنوب لبنان و ایجاد شرایط دشوار برای بازگشت ساکنان حکایت دارد.

روند با مذاکرات تحت میانجی گری آمریکان نیز اصطکاک یافته است. واشنگتن ادامه حضور دائمی نظامی اسرائیل را ناسازگار با چارچوب توافق دانسته، اما تل آویو خروج را به خلع سلاح کامل حزب الله مشروط کرده و دامنه مخالفت های واشنگتن صرفاً به لفاظی محدود مانده و عملاً از هر گونه اقدامی جهت ممانعت از سیاست های جنگ افروزان رژیم پرهیز نموده است، سیاست واقعی کاخ سفید را میتوان در اظهارات مایک هاکی سفیر آمریکایی ها در سرزمین های اشغالی جستجو کرده که با هجمه علیه حزب الله لبنان، از حملات هوایی رژیم تل آویو به لبنان طی روز گذشته حمایت کرده است.

اهداف محتمل تشدید تدریجی جبهه لبنان از سوی تل آویو

- ❖ **فشار بر دولت لبنان در مذاکرات:** افزایش هزینه امنیتی و انسانی برای واداشتن بیروت به انعطاف بیشتر، به ویژه در موضوع خلع سلاح فوری مقاومت و پذیرش ترتیبات امنیتی مطلوب تل آویو.
- ❖ **تثبیت آزادی عمل نظامی:** تبدیل مفهوم «مقابله با تروریسم» و «اجرای آتش بس» به پوششی برای ترور فرماندهان، تخریب زیرساخت ها و عملیات مستمر در خاک لبنان ضمن القای ماندگاری آتش بس در این وضعیت.

❖ **و داشتن حزب الله به واکنش:** ایجاد وضعیتی که پاسخ مقاومت بتواند به عنوان سند «نقض آتش بس» و توجیه کننده موج تازه حملات معرفی شود.

❖ **تثبیت منطقه امنیتی حائل:** طولانی کردن حضور نظامی و تغییر تدریجی واقعیت جمعیتی و جغرافیایی جنوب لبنان ذیل بهانه دفاع از ساکنین شمال؛ موضوعی که حتی با اعتراض واشنگتن مواجه شده است.

❖ **بهره برداری انتخاباتی نتانیاهاو:** حفظ تصویر «ابتکار عمل امنیتی» در آستانه انتخابات ۱۲۷ اکتبر؛ بن کاسپیت نیز گزارش کرده نتانیاهاو از نظر سیاسی توان پذیرش عقب نشینی کامل از لبنان پیش از انتخابات را ندارد.

❖ **گسترش زنجیره تشدید تا ایران:** کشاندن حزب الله و در نهایت تهران به واکنش می تواند جبهه لبنان را دوباره در قالب رویارویی منطقه ای تعریف کرده و زمینه سیاسی و امنیتی برای حملات مجدد علیه ایران را تقویت کند.

در این چارچوب، جنوب لبنان در معرض شکل گیری یک «تله تشدید» قرار گرفته است: عدم پاسخ حزب الله، آزادی عمل تل آویورا افزایش می دهد و پاسخ آن نیز بهانه حملات گسترده تر می شود. خطر اصلی آن است که این الگو، توافق موجود را به جای سازوکار کاهش تنش، به پوششی برای تغییر تدریجی واقعیت میدانی و مقدمه ای برای دور تازه ای از جنگ تبدیل کند.

بحران نمایی از معیشت ایرانیان؛ با القای قرارگیری اقتصاد ایران در آستانه ورود به «چرخه فقر جنگی»

«ایندیندنت عربی» در گزارشی با عنوان «محاصره و سقوط ارزش پول؛ ایرانیان برای خرید غذا قرض می گیرند» کوشیده است تصویری از تبدیل فشارهای جنگ، تحریم و محاصره به بحران مستقیم معیشتی برای خانوارهای ایرانی ارائه کند. محور اصلی گزارش بر این گزاره استوار شده که اقتصاد ایران، پس از سال ها سازگاری با تحریم، اکنون در معرض مرحله ای قرار گرفته که فشارهای کلان اقتصادی به سطح زندگی روزمره منتقل شده و حتی خرید مواد غذایی نیز برای بخشی از جامعه به استفاده از اعتبار و خرید اقساطی وابسته شده است.

مؤلفه های مورد استناد برای تصویرسازی از بحران اقتصادی و القای فرسایش گسترده قدرت خرید و رفاه خانوار ایرانی

گزارش مدعی است تورم به حدود ۸۰ درصد رسیده، ارزش پول ملی نزدیک به ۳۰ درصد کاهش یافته و حدود ۷ درصد جمعیت در زمره اقشار فقیر یا آسیب پذیر قرار گرفته اند. همچنین با استناد به صندوق بین المللی پول، از احتمال انقباض ۶.۱ درصدی اقتصاد ایران در سال جاری و ثبت یکی از

شدیدترین دوره‌های رکودی چند دهه اخیر سخن می‌گوید.

«این‌دین‌دنت عربی» گسترش طرح‌های «اکنون بخر، بعداً پرداخت کن» برای مواد غذایی و کالاهای ضروری را به عنوان یکی از روشن‌ترین نشانه‌های فرسایش قدرت خرید طبقه متوسط و انتقال بحران از شاخص‌های اقتصادی به سفره خانوار برجسته کرده است.

در ادامه، گزارش مدعی می‌شود جنگ اخیر آمریکا و رژیم صهیونیستی، تخریب زیرساخت‌ها، محاصره دریایی بنادر، محدودیت صادرات نفت و تهدید تحریم‌های تازه آمریکا، اقتصاد ایران را به سمت «اقتصاد جنگی تمام عیار» سوق داده؛ وضعیتی که می‌تواند به کمبود مواد غذایی، سوخت، دارو، مواد اولیه صنعتی و ارز خارجی منجر شود.

از «تاب‌آوری» تا «تله تاب‌آوری»

یکی از خطوط مفهومی گزارش، بازتعریف مزیت دیرینه ایران در دورزدن تحریم‌ها به عنوان «تله تاب‌آوری» است. نویسنده استدلال می‌کند استفاده از تجارت غیررسمی، کنترل دولتی، کاهش واردات و مسیرهای جایگزین اگرچه مانع فروپاشی فوری شده، اما هم‌زمان هزینه آن را با تورم، بیکاری، فقر و کاهش رفاه به جامعه منتقل کرده است.

برآیند گزارش، ترسیم تصویری از اقتصادی در آستانه فرسایش اجتماعی عمیق است؛ با این حال خود متن نیز اذعان دارد فروشگاه‌ها همچنان از کالا خالی نشده‌اند، صادرات به طور کامل متوقف نشده و اقتصاد ایران هنوز ظرفیت سازگاری و حداقلی از تأمین رفاه را حفظ کرده است. بنابراین، «این‌دین‌دنت عربی» میان داده‌های واقعی فشار اقتصادی و سناریوی فروپاشی معیشتی، آگاهانه بر سویه دوم وزن بیشتری گذاشته و با تأکید به مکرر بودن سیاست فشار حداکثری، تلویحاً ایالات متحده را به تداوم و تشدید مسیر مذکور با هدف دستیابی به نتیجه غایی از طریق ورود فقر و آسیب دیدگان به شورش‌های شهری تشویق نموده است.

القای فروپاشی کارکرد هرمز و تأکید بر تشدید محاصره همه جانبه ایران

«جروزالم‌پست» در یادداشتی با عنوان «دزدی دریایی ایران در تنگه هرمز راهبردی بی‌ملاحظه و شکست خورده است» به قلم آموتز آسائل، تلاش کرده کنترل و محدودسازی کشتیرانی در هرمز از سوی ایران را نه یک اهرم ژئوپلیتیکی، بلکه «دزدی دریایی»، اخاذی اقتصادی و اقدامی از سر استیصال بازنمایی کند. نویسنده مدعی است تهران ممکن است در کوتاه مدت به دستاوردهای تاکتیکی برسد، اما در نهایت با شکست راهبردی، فشار اقتصادی داخلی و افزایش دشمنی خارجی مواجه خواهد شد.

مهم‌ترین گزاره‌های این روایت جروزالم‌پست عبارت‌اند از:

- ❖ تشبیه محدودیت عبور کشتی‌ها و دریافت هزینه عبور به «دزدی دریایی کلاسیک» و طرح ادعای گرفتارشدن حدود ۵۰۰ کشتی و ۶ هزار دریانورد در نتیجه سیاست ایران
- ❖ ناموفق جلوه دادن نهایی اهرم هرمز با این استدلال که مسیرهای جایگزین انرژی و خطوط لوله جدید، در میان مدت اهمیت این تنگه را کاهش خواهند داد
- ❖ القای شکل‌گیری اجماع جهانی علیه تهران با این ادعا که کشورهای آسیب‌دیده نهایتاً ایران را «اخلالگر جهانی» خواهند دید
- ❖ برجسته‌سازی شکاف ایران و کشورهای عربی و پیوند زدن تحولات کنونی به خصومت تاریخی عربی-فارسی و شکاف سنی-شیعی
- ❖ طرح ادعای استیصال جمهوری اسلامی و معرفی انسداد هرمز به عنوان اقدامی ناشی از فقدان گزینه‌های مؤثرتر.

در سطح عملیات روانی، گزارش «جروزالم‌پست» در حال تصویرسازی از جمهوری اسلامی به عنوان تهدیدی فراملی علیه تجارت، انرژی و نظم بین‌المللی است. نویسنده با مقایسه هرمز با دیگر آبراه‌های راهبردی، می‌کوشد این نگرانی را القا کند که عادی شدن رفتار ایران می‌تواند الگویی برای اخلال در سایر گذرگاه‌های جهانی شود.

برآیند این چارچوب، مشروعیت بخشی به ضرورت مقابله جمعی با ایران و القای آن است که استمرار فشار بر هرمز از سوی جمهوری اسلامی، به جای تقویت موقعیت تهران، به تشدید انزوای منطقه‌ای، افزایش فشار خارجی و در نهایت تضعیف قدرت ایران منجر خواهد شد؛ گزاره‌ای که بیش از آنکه صرفاً ارزیابی دریایی باشد، بخشی از نبرد روایت‌ها پیرامون کارآمدی اهرم هرمز است.

اولویت انتخابات بر توافق لبنان؛ روایت بن کاسپیت از تقابل نتانیاهاو با فشار ترامپ

بن کاسپیت، روزنامه‌نگار و تحلیلگر سرشناس اسرائیلی حوزه سیاست و امنیت، در گزارش تازه خود در «المانیتور» با عنوان «اسرائیل در لبنان در برابر ترامپ ایستادگی می‌کند؛ نتانیاهاو و کاتس انتخابات را در اولویت قرار داده‌اند» می‌نویسد با وجود هفت دور مذاکرات مورد حمایت آمریکا و برنامه‌ریزی برای دور بعدی در رم، انتخابات ۲۷ اکتبر اسرائیل به مانع اصلی پیشرفت سریع در مسیر توافق با لبنان تبدیل شده است.

به روایت کاسپیت، یسرائیل کاتس در بازدید از مواضع ارتش در جنوب لبنان صراحتاً اعلام کرده دستور آمادگی برای «حضور طولانی‌مدت» را داده است؛ موضعی که واکنش منفی واشنگتن را در پی داشت. وزارت خارجه آمریکا نیز تأکید کرده حضور دائمی نظامی اسرائیل با تعهدات توافق

چارچوب و امنیت بلندمدت دو طرف سازگار نیست.

این گزارش در کنار حملات اخیر به انصار و دیرالزهرانی که دست کم ۱۱ کشته برجای گذاشت، نشان می‌دهد شکاف میان منطق انتخاباتی تل‌آویو و دستورکار دیپلماتیک واشنگتن در حال تعمیق است. برآیند تحلیل کاسپیت بر این گزاره استوار شده که نتانیا هو و متحدانش در آستانه انتخابات، حفظ منطقه امنیتی و ادامه فشار نظامی بر حزب الله را از امتیازدهی در مذاکرات سودمندتر می‌دانند. در چنین فضایی، استمرار حملات، تعویق عقب‌نشینی و برجسته‌سازی تهدید حزب الله می‌تواند هم مذاکرات رافرسایشی کند و هم زمینه تشدید مجدد نزاع در جبهه لبنان را فراهم آورد.

برجسته‌سازی دوگانه «بمب یا بقا» در تحلیل راز زیمت؛ تلاش برای القای چرخش احتمالی دکترین هسته‌ای ایران پس از دو جنگ اخیر

«راز زیمت»، مدیر برنامه «ایران و محور شیعی» در مؤسسه مطالعات امنیت ملی رژیم صهیونیستی «آی‌ان‌اس‌اس» و از پژوهشگران شناخته‌شده حوزه ایران در رژیم صهیونیستی، در مقاله تفصیلی «از آستانه هسته‌ای تا سلاح هسته‌ای؟ بازنگری در دکترین هسته‌ای ایران» می‌کوشد مناظره جاری در تهران درباره آینده برنامه هسته‌ای را در قالب یک بحران بازدارندگی پس از دو جنگ اخیر بازنمایی کند. محور اصلی تحلیل او این است که فرسایش محور مقاومت، محدودیت بازدارندگی موشکی و پهبادی، آسیب به تأسیسات هسته‌ای، شهادت رهبر انقلاب، جانشینی آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای و افزایش وزن سپاه در ساختار قدرت، اردوگاه طرفدار عبور از «آستانه هسته‌ای» به سمت تولید واقعی سلاح را تقویت کرده است.

دوگانه‌سازی «بمب یا آسیب‌پذیری» برای بازنمایی بحران بازدارندگی ایران

زیمت سه جریان اصلی را در داخل ایران تفکیک می‌کند:

- ❶ نخست، جریانی که معتقد است تجربه حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی ثابت کرده تنها سلاح هسته‌ای می‌تواند بقای حکومت را تضمین کند.
 - ❷ دوم، طیفی که درباره کارآمدی واقعی بمب تردید دارد و تأکید می‌کند سلاح هسته‌ای نه مصونیت کامل ایجاد می‌کند و نه جایگزین قدرت اقتصادی، نظامی و انسجام داخلی می‌شود.
 - ❸ سوم، جریانی که تنگه هرمز، موشک‌ها، پهبادها و توان تحمیل هزینه بر اقتصاد جهانی را ابزار مؤثرتری برای بازدارندگی می‌داند.
- به روایت زیمت، هنوز هیچ‌یک از این سه دیدگاه به اجماع نهایی تبدیل نشده، اما وزن اردوگاه نخست افزایش یافته است.

القای فرسایش «معماری بازدارندگی» و زمینه سازی برای روایت عبور هسته ای

هسته اصلی استدلال زیمت بر این گزاره استوار است که از اکتبر ۲۰۲۳ به بعد، چند ستون بازدارندگی جمهوری اسلامی هم زمان دچار فرسایش شده اند. او مدعی است شبکه منطقه ای متحدان ایران تضعیف شده، حملات موشکی و پهپادی نتوانسته اند مانع حملات مستقیم شوند و تأسیسات هسته ای نیز در برابر عملیات آمریکا و رژیم صهیونیستی آسیب پذیر بوده اند.

در چنین بستری، زیمت به اظهارات نمایندگان مجلس، رسانه های نزدیک به ساختار قدرت و تحلیلگرانی اشاره می کند که خواستار تغییر دکترین، خروج از ان پی تی یا حتی انجام آزمایش هسته ای شده اند. در این روایت، سرنوشت عراق و لیبی، تجربه کره شمالی و جنگ اوکراین به عنوان شواهدی برای اثبات این گزاره به کار گرفته می شوند که کشور فاقد بازدارندگی نهایی، در برابر مداخله خارجی مصونیت ندارد.

برجسته سازی جانشینی آیت الله سید مجتبی خامنه ای و ادعای افزایش نفوذ سپاه به عنوان عامل تغییر دکترین هسته ای

یکی از مهم ترین بخش های مقاله، پیوند میان تحول در رأس رهبری و احتمال تغییر سیاست هسته ای است. زیمت استدلال می کند آیت الله علی خامنه ای، با وجود حفظ ظرفیت آستانه ای، طی سال ها از صدور دستور برای عبور نهایی به سمت بمب خودداری کرد؛ اما آیت الله مجتبی خامنه ای لزوماً به همان ملاحظات و محدودیت های پدر متعهد نیست.

به ادعای او، افزایش نفوذ سپاه، ریسک پذیری بیشتر در برابر آمریکا و احساس موفقیت ناشی از بقای حکومت در دو جنگ اخیر می تواند آمادگی بیشتری برای بازنگری در خطوط قرمز گذشته ایجاد کند. کنترل هرمز نیز از نگاه زیمت، به تهران نوعی اعتماد به نفس راهبردی تازه داده است.

برند سازی از تنگه هرمز به عنوان «بمب ژئوپلیتیکی» جایگزین سلاح هسته ای

زیمت در عین حال به دیدگاه هایی اشاره می کند که مسیر متفاوتی را پیشنهاد می دهند. مهم ترین نمونه، محسن رضایی است که اکنون بار دیگر در ساختار امنیت ملی جایگاه مهمی یافته و اهمیت تنگه هرمز را از «ده ها بمب اتمی» بیشتر دانسته است.

نویسنده این دیدگاه را بخشی از گذار ایران به سمت «بازدارندگی ژئوپلیتیکی-انرژی» می داند؛ یعنی تهران به جای تحمل هزینه های سیاسی و نظامی تولید بمب، از موقعیت جغرافیایی، انرژی، موشک ها و پهپادها برای انتقال هزینه جنگ به اقتصاد جهانی استفاده کند. زیمت این منطق را یکی از مهم ترین موانع تصمیم سریع برای عبور هسته ای ارزیابی می کند.

تضعیف کارآمدی بمب با برجسته‌سازی ضعف‌های فنی و راهبردی ایران

بخش دیگری از مقاله به استدلال مخالفان تغییر دکترین اختصاص دارد. زیمت با استناد به دیدگاه‌های منتشرشده در ایران یادآور می‌شود که هند و پاکستان با وجود سلاح هسته‌ای همچنان درگیر منازعه‌اند، روسیه از جنگ متعارف مصون نمانده و رژیم صهیونیستی نیز با وجود توان هسته‌ای نتوانسته همه تهدیدهای پیرامونی رامهار کند.

او همچنین به دیدگاه محمدرضا نقدی، شماری از دیپلمات‌های سابق و تحلیلگران ایرانی اشاره می‌کند که معتقدند بازدارندگی واقعی نیازمند قدرت اقتصادی، سامانه‌های فرماندهی و کنترل، دفاع هوایی، موشک‌های دقیق و قابلیت ضربه دوم است. از این منظر، داشتن یک یا چند بمب بدون زیرساخت کامل بازدارندگی، نه تنها مصونیت ایجاد نمی‌کند بلکه می‌تواند ایران را در معرض حمله پیش‌دستانه قرار دهد.

تهدیدسازی از «پنجره هسته‌ای» و القای نزدیک شدن ایران به تصمیم نهایی

جمع‌بندی زیمت این است که اردوگاه طرفدار عبور هسته‌ای تقویت شده، اما هنوز تصمیم نهایی در تهران اتخاذ نشده است. به باور او، فرسایش محور مقاومت، محدودیت بازدارندگی متعارف، ضربه به برنامه هسته‌ای، تغییر رهبری، افزایش نفوذ سپاه و اعتماد به نفس ناشی از کنترل هرمز، مجموعه‌ای از محرک‌ها را برای بازنگری دکترین ایجاد کرده‌اند.

با این حال، او هم‌زمان تأکید می‌کند جنگ‌های اخیر پیام دیگری نیز برای تهران داشته‌اند: آمریکا و رژیم صهیونیستی برای جلوگیری از تبدیل ایران به یک قدرت هسته‌ای نظامی، آمادگی استفاده مستقیم از زور را دارند. بنابراین، مسیر دستیابی به بمب می‌تواند به جای «بیمه بقا»، به عامل یک جنگ گسترده‌تر تبدیل شود.

خط‌ونشان برای تهران؛ تبدیل «گزینه هسته‌ای» از دارایی به تهدید بقا

توصیه نهایی زیمت ماهیتی کاملاً بازدارنده و تهدیدمحور دارد. او پیشنهاد می‌کند آمریکا و رژیم صهیونیستی به صورت صریح و باورپذیر به تصمیم‌گیران ایرانی بفهمانند که عبور به سمت سلاح هسته‌ای تحمل نخواهد شد و هرگونه حرکت در این مسیر می‌تواند با حملاتی بسیار گسترده‌تر علیه زیرساخت‌های حیاتی و دارایی‌های راهبردی حکومت پاسخ داده شود.

مقاله زیمت در ظاهر گزارشی درباره مناظره داخلی ایران است، اما در سطح راهبردی، هدف آن صورت‌بندی شکاف‌های درونی برای طراحی فشار آینده است. او می‌کوشد از یک سو احتمال چرخش هسته‌ای ایران را برجسته کند و از سوی دیگر، نسخه‌ای برای مهار آن ارائه دهد: القای این محاسبه که سلاح هسته‌ای نه ابزار تضمین بقا، بلکه می‌تواند به عاملی برای تهدید مستقیم بقای نظام تبدیل شود.

ارزیابی و تحلیل روند رسانه‌های غربی و آمریکایی

خلاصه مدیریتی - مهم‌ترین محورهای رسانه‌ای

- ❖ برجسته‌سازی واکنش تهران به ادعای ترامپ درباره «قلمرو آمریکا» در هرمز و تبدیل کنترل واقعی این آبراه به شاخصی برای سنجش نتیجه جنگ
- ❖ تشکیک در ادعای «کنترل کامل» آمریکا بر تنگه هرمز با تمرکز رسانه‌های غربی بر کاهش شدید تردد کشتی‌ها و تداوم ناامنی دریایی
- ❖ پررنگ‌سازی نقش پالایشگاه‌های خصوصی چین و «ناوگان سایه» در تداوم فروش نفت ایران و دشواری واشینگتن برای قطع کامل جریان درآمدی تهران
- ❖ فضا سازی درباره ورود آمریکا به مرحله «محاصره اقتصادی شبکه‌ای» با هدف هم‌زمان نفت، بانک، کشتیرانی، صرافی‌ها و شرکای تجاری ایران
- ❖ آینده‌هراسی از پیامدهای محاصره دریایی برای اقتصاد ایران با برجسته‌سازی افزایش هزینه تجارت زمینی و احتمال فرسایش بلندمدت فعالیت‌های اقتصادی
- ❖ بازنمایی هزینه‌های بازگشتی فشار بر ایران از مسیر افزایش قیمت انرژی، فرسایش توان دریایی آمریکا و دشواری حفظ محاصره برای دوره‌ای طولانی
- ❖ اعتبارزدایی از رهبری ترامپ با برجسته‌سازی تلاش او برای انتقال مسئولیت طولانی شدن جنگ ایران، گرانی انرژی و مشکلات اقتصادی به دولت‌های پیشین
- ❖ تداوم برجسته‌سازی فرسایش ذخایر راهبردی نفت آمریکا و افزایش قیمت بنزین برای پیوند زدن مستقیم جنگ ایران با فشار اقتصادی و سیاسی داخلی بر دولت ترامپ
- ❖ تصویرسازی منفی از وضعیت آزادی بیان در ایران در گزارش نیویورک تایمز با معرفی برنامه یوتیوبی «رسانه آزاد» به عنوان استثنایی شکننده در ساختاری محدود و کنترل شده
- ❖ تأکید بر عقب‌نشینی تدریجی دولت ترامپ از اهداف اولیه جنگ و آماده‌سازی افکار عمومی آمریکا برای پذیرش توافقی محدودتر با تهران
- ❖ برجسته‌سازی فرسایش بازدارندگی آمریکا در آسیا با پیوند زدن مصرف ذخایر نظامی در جنگ ایران به افزایش تردید متحدان آسیایی درباره توان واشینگتن در مهار هم‌زمان چین
- ❖ ادعای اکسیوس درباره ایجاد کانال پنهان میان دولت ترامپ و سپاه با میانجی‌گری نچيروان بارزانی برای بازنمایی افزایش وزن سپاه در تصمیم‌گیری امنیتی و سیاست خارجی ایران

تداوم برجسته‌سازی نبرد روایت‌ها بر سر کنترل هرمز با تمرکز بر واکنش متقابل تهران به

ترامپ

تداوم پوشش رسانه‌های بین‌المللی درباره اظهارات دونالد ترامپ پیرامون تنگه هرمز، طی روز گذشته از بحث درباره جدی یا شوخی بودن عبارت «قلمرو آمریکا» عبور کرده و بیشتر بر واکنش متقابل تهران، وضعیت واقعی تردد دریایی، بن بست مذاکرات و هزینه‌های اقتصادی و نظامی حفظ فشار بر ایران متمرکز شده است.

«یورونیوز»، «ان بی سی نیوز»، «فوربس»، «نیوزویک»، «تلگراف» و «سی ان ای» واکنش کاظم غریب‌آبادی را به محور اصلی پوشش خود تبدیل کردند. معاون وزیر خارجه ایران با تأکید بر اینکه تنگه هرمز «ایرانی بوده، هست و خواهد ماند»، ادعای ترامپ را در چارچوب «توهم پیروزی» قرار داد و اعلام کرد باز بسته شدن مسیر همچنان تابع اراده ایران خواهد بود. «فوربس» همچنین واکنش غیرمستقیم اسماعیل بقایی و استناد او به عبارتی از داستایفسکی درباره گرفتار شدن فرد در دروغ خود ساخته را برجسته کرد. در سطح میدانی، رسانه‌ها تناقض میان ادعای ترامپ درباره «کنترل کامل» تنگه و استمرار اختلال شدید در کشتیرانی را برجسته کرده‌اند.

«ان بی سی نیوز» به نقل از داده‌های «کپلر» گزارش داد روز جمعه تنها دو کشتی از هرمز عبور کرده و محموله نفت خام قابل مشاهده‌ای از مسیر عبور نکرده است. هم‌زمان گزارش اصابت پرتابه ناشناس به یک کشتی فله‌بر و اعلام امارات درباره حمله به یک شناور متعلق به «ادنوک»، بار دیگر نشان داد واشینگتن هنوز نتوانسته امنیت پایدار کشتیرانی را بازگرداند. «سی ان ای» نیز بازتاب داد که ابوظبی ایران را به «اقدامات دزدی دریایی» متهم کرده است.

خط تازه دیگر در پوشش رسانه‌ای، پیوند زدن مناقشه هرمز با بن بست سیاسی و اقتصادی جنگ است. عباس عراقچی اعلام کرده مذاکرات مستقیمی با آمریکا در جریان نیست و قطر و پاکستان صرفاً پیام‌ها را منتقل می‌کنند. در مقابل، دولت ترامپ بر ادامه نامحدود محاصره دریایی و فشار اقتصادی تأکید دارد؛ در حالی که افزایش قیمت بنزین در آمریکا و فرسایش ناو «آبراهام لینکلن» به بخشی از هزینه داخلی این راهبرد تبدیل شده است.

در همین فضا، انتشار تصویر تولید شده با هوش مصنوعی از سوی ترامپ که او را در حال تصرف یک نفتکش ایرانی نشان می‌دهد، به تشدید وجه نمادین و مالکیت محور روایت کاخ سفید کمک کرده است.

«نیوزویک» و «نیویورک پست» این اقدام را ادامه همان ادبیاتی ارزیابی کردند که پیش‌تر درباره تصاحب هرمز مطرح شده بود.

جمع‌بندی

ادامه بازتاب رسانه‌ای نشان می‌دهد مسئله اصلی دیگر صرفاً قابلیت اجرایی ادعای «قلمرو آمریکا» نیست؛ بلکه رقابت بر سر اثبات کنترل واقعی هرمرز به یکی از شاخص‌های سنجش نتیجه جنگ تبدیل شده است. تهران با تداوم محدودیت عبور و واشینگتن با محاصره بنادر، هر دومی کوشند طرف مقابل را فاقد کنترل مؤثر نشان دهند. استمرار اختلال کشتیرانی، رشد هزینه انرژی و نبود مذاکرات مستقیم، موجب شده ادعای پیروزی سریع آمریکا در روایت رسانه‌ای با پرسش‌های بیشتری مواجه شود؛ به‌ویژه آنکه توان حفظ محاصره برای مدت طولانی، خود به آزمونی برای ظرفیت نظامی و تحمل سیاسی واشینگتن تبدیل شده است.

تاکید بر نقش پالایشگاه‌های خصوصی چین در دورزدن تحریم نفتی ایران و تأمین جریان درآمدی تهران

وال استریت ژورنال در گزارشی با عنوان «این پالایشگاه عظیم چینی هزینه‌های تهران را تأمین می‌کند»، شرکت خصوصی هنگلی گروپ را به عنوان یکی از مهم‌ترین حلقه‌های شبکه خرید نفت تحریمی ایران در چین معرفی کرده است. این رسانه با استناد به وزارت خزانه‌داری آمریکا، داده‌های کشتیرانی و تحلیل فعالان بازار مدعی است واحد پالایشی هنگلی طی سال‌های اخیر میلیاردها دلار نفت ایران خریداری کرده؛ ادعایی که این شرکت آن را رد کرده و بر پایبندی خود به مقررات تأکید دارد.

محور اصلی گزارش، فراتر از یک شرکت، بر ساختار پالایشگاه‌های مستقل موسوم به «تی‌پات‌ها» متمرکز است؛ مجموعه‌ای که به دلیل وابستگی محدودتر به نظام مالی دلاری، آسیب‌پذیری کمتری در برابر تحریم‌های ثانویه آمریکا دارند. وال استریت ژورنال می‌نویسد چین در سال گذشته بیش از ۳۰ میلیارد دلار نفت ایران خریداری کرده و نفت ایران با تخفیف‌هایی تا حدود ۲۵ درصد، برای این پالایشگاه‌ها مزیت اقتصادی قابل توجهی ایجاد کرده است.

گزارش همچنین با تمرکز بر نفتکش «سیکر ۸» و قطع چندروزه سیگنال موقعیت‌یابی آن، می‌کوشد استفاده از ناوگان سایه و روش‌های پنهان‌سازی انتقال محموله را مستند کند. وب‌سایت اینوستینگ نیز در گزارشی عمدتاً همین چارچوب و داده‌های وال استریت ژورنال را بازتاب داده و هنگلی را در مرکز تلاش واشینگتن برای محدودسازی درآمد نفتی تهران قرار داده است.

جمع‌بندی

برجسته‌سازی فعالیت شرکت هنگلی نشان می‌دهد تمرکز رسانه‌ای آمریکا از صرف رصد صادرات نفت ایران، به آسیب‌پذیرسازی حلقه‌های چینی خریدار نفت منتقل شده است. با این حال،

مخالفت رسمی پکن با تحریم‌های یک‌جانبه و محدود بودن پیوند مالی برخی پالایشگاه‌های مستقل با آمریکا، نشان می‌دهد افزایش فشار تحریمی لزوماً به قطع سریع این شبکه منجر نخواهد شد.

برجسته‌سازی الگوی «خفه‌سازی اقتصادی» ایران از مسیر محاصره دریایی و انسداد مالی با هدف القای ناگزیری تهران از امتیازدهی

در روزهای اخیر، تمرکز رسانه‌های بین‌المللی و غربی بر ورود راهبرد آمریکا علیه ایران به مرحله‌ای تازه از «انزوای اقتصادی» افزایش یافته است. تهدید «اسکات بسنت»، وزیر خزانه‌داری آمریکا، درباره اقداماتی «بی‌سابقه در تاریخ انزوای اقتصادی» در کنار تداوم محاصره دریایی، زمینه‌ساز انتشار مجموعه‌ای از گزارش‌ها درباره چگونگی تبدیل فشارهای موجود به محاصره‌ای چندلایه در حوزه نفت، بانک، تجارت، کشتیرانی و دارایی‌های خارجی شده است.

گذار از تحریم‌های متعارف به محاصره اقتصادی چندلایه

بلومبرگ، فرست‌پست، ساوت‌چاینا مورنینگ پست و تایمز ژاپن مرحله احتمالی بعدی رافتر از افزودن چند نام به فهرست تحریم‌ها ارزیابی کرده‌اند. در روایت این رسانه‌ها، واشینگتن در پی آن است که به‌طور هم‌زمان درآمد ارزی ایران، دسترسی به نظام مالی، مسیرهای انتقال پول و امکان جابه‌جایی کالا را هدف قرار دهد تا هزینه‌های دور زدن محدودیت‌های موجود به شدت افزایش یابد.

محاصره بنادر به عنوان لایه فیزیکی فشار

در این الگو، محاصره دریایی و محدودسازی رفت‌وآمد به بنادر ایران نخستین حلقه فشار تلقی می‌شود. هدف، صرفاً جلوگیری از صادرات نفت نیست؛ بلکه افزایش هزینه واردات، اختلال در زنجیره تأمین و دشوار کردن تجارت خارجی است. رسانه‌ها این بخش را مکمل تحریم‌های مالی می‌دانند؛ به گونه‌ای که حتی در صورت یافتن خریدار یا واسطه، انتقال فیزیکی کالا با موانع و هزینه‌های بیشتری مواجه شود.

نفت و بانک‌های چین؛ مهم‌ترین گلوگاه مورد نظر واشینگتن

بخش مهمی از گزارش‌ها بر چین به عنوان مقصد اصلی صادرات نفت ایران تمرکز دارد. سناریوی مطرح شده، عبور از تحریم پالایشگاه‌های کوچک و نزدیک شدن به بانک‌های بزرگ چینی است که تأمین مالی معاملات را انجام می‌دهند. هدف احتمالی، تهدید دسترسی این نهادها به نظام مالی آمریکا و قرار دادن آنها در برابر انتخاب میان تجارت با ایران یا حفظ ارتباط با بازارهای غربی است.

چین؛ هم‌زمان نقطه فشار و محدودیت آمریکا

رسانه‌ها در عین حال هشدار داده‌اند که فشار گسترده بر بانک‌ها و شرکت‌های بزرگ چین می‌تواند

پرونده ایران رابه رقابت راهبردی واشینگتن و پکن پیوند بزند. محدود شدن نفت ایران همچنین ممکن است عرضه جهانی را کاهش و قیمت انرژی را افزایش دهد. از این منظر، هرچه آمریکا برای قطع درآمد نفتی ایران جلوگیری کند، احتمال افزایش هزینه های اقتصادی و دیپلماتیک برای خود واشینگتن نیز بیشتر خواهد شد.

هدف گیری صرافی ها و مسیر دسترسی ایران به درآمدها

یکی دیگر از حلقه های مورد توجه، صرافی ها و واسطه های مالی مستقر در امارات و دیگر کشورهای منطقه است. استدلال رسانه ها این است که فروش نفت تنها زمانی برای تهران مؤثر است که امکان تبدیل درآمدهای دریافت شده، از جمله یوان، به ارزهای قابل استفاده وجود داشته باشد. بنابراین وزارت خزانه داری می تواند بر مسدودسازی شبکه هایی تمرکز کند که وظیفه تبدیل، انتقال و بازگرداندن منابع مالی به ایران را برعهده دارند.

افزایش هزینه دورزدن به جای قطع کامل مبادلات

بلومبرگ و رسانه های بازنشرکننده گزارش آن اذعان دارند که حذف یک صرافی یا واسطه الزاماً جریان پول را متوقف نمی کند. تجربه چند دهه تحریم موجب شکل گیری کانال های جایگزین شده و معاملات ممکن است به واسطه های جدید، ارزهای دیگر یا دارایی های دیجیتال منتقل شود. بنابراین، کارکرد اصلی اقدامات جدید می تواند نه توقف کامل تجارت، بلکه افزایش مستمر هزینه، ریسک و پیچیدگی فعالیت اقتصادی با ایران باشد.

تحریم های ثانویه و انتقال هزینه به شرکای تجاری ایران

سناریوی دیگر، تشدید تحریم های ثانویه علیه شرکت ها و بانک های طرف معامله با ایران است. چنین رویکردی می تواند دایره فشار را از چین و روسیه به کشورهای همسایه از جمله ترکیه گسترش دهد. تهدید پیشین ترامپ به وضع تعرفه علیه کشورهای دارای رابطه تجاری با ایران نیز در همین چارچوب تفسیر شده است؛ یعنی تبدیل ارتباط اقتصادی با ایران به یک هزینه بالقوه برای بازیگران ثالث.

ناوگان سایه؛ حرکت از تحریم کشتی به تحریم شبکه

رسانه ها احتمال داده اند واشینگتن به جای تمرکز صرف بر کشتی های منفرد، زنجیره پشتیبان ناوگان موسوم به «سایه» را هدف قرار دهد؛ از شرکت های مالک و مدیر گرفته تا پایانه ها، واسطه ها و ارائه دهندگان خدمات. این رویکرد قرار است امکان فروش و انتقال نفت را نه در یک نقطه، بلکه در چند مرحله مختل کند و هزینه همکاری شرکت های خارجی با شبکه حمل و نقل ایران را افزایش دهد.

دارایی های خارجی؛ گزینه ای پرهزینه و حقوقی

احتمال حرکت از مسدودسازی به مصادره دارایی های دولتی ایران نیز در گزارش ها مطرح شده

است. با این حال، رسانه‌ها تأکید دارند که بخش محدودی از این دارایی‌ها مستقیماً در دسترس واشینگتن قرار دارد و قسمت عمده آنها در کشورهای ثالث نگهداری می‌شود. از این رو، توقیف گسترده دارایی‌ها مستلزم همراهی دولت‌های دیگر است و می‌تواند با موانع حقوقی، دیپلماتیک و سیاسی قابل توجهی روبه‌رو شود.

محاصره‌ای که هزینه آن می‌تواند به آمریکا بازگردد

«بیزنس استاندارد» در مطلب «آمریکا تا چه زمانی می‌تواند محاصره ایران را حفظ کند؟» بررسی دیگری معادله تمرکز دارد. تداوم فشار نیازمند چرخش ناوها، تعمیرات، بازیابی نیروی انسانی و پشتیبانی گسترده لجستیکی است. هم‌زمان، محدود شدن صادرات نفت و اختلال در تنگه هرمز می‌تواند قیمت انرژی را افزایش داده و بخشی از هزینه اقتصادی تقابل را به بازار جهانی و مصرف‌کنندگان آمریکایی منتقل کند.

جمع‌بندی

برآیند پوشش رسانه‌ای اخیر نشان می‌دهد واشینگتن در حال آزمودن الگویی برای اتصال فشار نظامی، مالی، نفتی و تجاری در قالب یک «محاصره اقتصادی شبکه‌ای» است. هدف این رویکرد، نه صرفاً کاهش صادرات ایران، بلکه دشوار کردن هم‌زمان فروش کالا، دریافت پول، تبدیل ارز، حمل و نقل و همکاری شرکای خارجی است. با این حال، هر مرحله از تشدید فشار، آمریکا را با محدودیت تازه‌ای مواجه می‌کند؛ از اصطکاک با چین و افزایش قیمت نفت تا فشار بر شرکای منطقه‌ای و فرسایش توان دریایی. از این رو، دوام این راهبرد به همان اندازه که به میزان فشار بر ایران وابسته است، به توان واشینگتن برای کنترل هزینه‌های بازگشتی آن نیز بستگی خواهد داشت.

وزن دهی به ادعای «فلج‌سازی اقتصاد» ایران از مسیر بازتاب هشدار یک فعال تجاری و القای پرهزینه‌تر بودن محاصره نسبت به جنگ

فورچن با استناد به اظهارات مجید رضا حریری، رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و چین، تلاش کرده تصویری از اثرات عمیق‌تر محاصره دریایی آمریکا نسبت به جنگ مستقیم بر اقتصاد ایران ارائه کند. این رسانه برجسته کرده است که انتقال هر کانتینر میان ایران و چین از مسیر دریایی حدود ۳ هزار دلار هزینه دارد، اما دور زدن محاصره از مسیر زمینی می‌تواند این رقم را به حدود ۱۲ هزار دلار افزایش دهد؛ رقمی که با احتساب حجم تجارت، سالانه میلیارد دلار هزینه اضافی ایجاد می‌کند. فورچن همچنین بر این گزاره تمرکز دارد که اتکا به مسیرهای جایگزین تنها امکان بقا در کوتاه‌مدت را فراهم می‌کند و در بلندمدت می‌تواند اقتصاد را با اختلال جدی مواجه سازد. بازتاب اظهارات حریری درباره فساد و ضعف اقتصادی ناشی از سازوکارهای دور زدن تحریم‌ها نیز در خدمت تقویت

این روایت قرار گرفته که ادامه محاصره، تهران را در برابر انتخاب میان مذاکره، تشدید تقابل یا پذیرش فرسایش اقتصادی فزاینده قرار می دهد.

اعتبارزدایی از الگوی رهبری ترامپ از مسیر برجسته سازی انتقال مسئولیت جنگ ایران و بحران اقتصادی به دولت های پیشین

آسوشیتد پرس در گزارشی با عنوان «مسئولیت جایی دیگر متوقف می شود؛ نگاهی به گرایش ترامپ برای فرار از تقصیر هنگام بروز مشکلات» می گوشت الگوی رفتاری رئیس جمهور آمریکا را در انتقال مسئولیت پیامدهای منفی سیاست ها به دولت های پیشین، کنگره یا عوامل بیرونی برجسته کند. این رسانه، وضعیت اقتصاد، تورم و به ویژه جنگ ایران را مهم ترین مصادیق این رویکرد معرفی کرده است.

آسوشیتد پرس تأکید می کند ترامپ که ابتدا پایان سریع جنگ ایران را وعده داده بود، اکنون پس از شش ماه و در شرایط افزایش قیمت نفت، افت محبوبیت و نبود چشم انداز روشن برای پایان درگیری، جنگ را «انحرافی کوچک» توصیف و مسئولیت وضعیت موجود را متوجه رؤسای جمهور پیشین می کند.

گزارش با مقایسه ترامپ با رؤسای جمهور پیشین، این رفتار را در آستانه انتخابات میان دوره ای نوامبر به یک آسیب سیاسی برای جمهوری خواهان تبدیل می کند؛ زیرا می تواند تصویر دولتی را تثبیت کند که قدرت تصمیم گیری را در اختیار دارد، اما هزینه نتایج آن را نمی پذیرد.

برجسته سازی فرسایش ذخایر راهبردی نفت و پیوند جنگ ایران با تشدید فشار اقتصادی بر ترامپ

ایندپندنت با تمرکز بر افت ذخایر راهبردی نفت آمریکا به پایین ترین سطح در چهار دهه، جنگ ایران را از یک بحران خارجی به تهدیدی برای امنیت انرژی و حتی زیرساخت ذخیره سازی آمریکا پیوند می زند. این رسانه می نویسد ادامه برداشت ها، ذخیره راپس از تکمیل آزاد سازی جاری به حدود ۲۴۳ میلیون بشکه می رساند؛ سطحی که به گفته برخی کارشناسان، می تواند خطر آسیب به غارهای نمکی و کاهش توان برداشت سریع را افزایش دهد. هم زمان، متوسط قیمت بنزین به ۴۰۷ دلار رسیده و فشار مستقیم بر مصرف کنندگان تشدید شده است.

این تصویر با گزارش یا هوفاینس از افت محبوبیت ترامپ هم پوشانی دارد؛ جایی که تورم، هزینه زندگی و جنگ ایران به مهم ترین عوامل منفی در ارزیابی اقتصادی دولت تبدیل شده اند. برآیند دو گزارش، شکل گیری چرخه ای از فرسایش ذخایر، گرانی سوخت و انتقال هزینه جنگ به عرصه سیاسی داخلی آمریکا را برجسته می کند.

بازنمایی برنامه یوتیوبی «رسانه آزاد» به عنوان استثنایی شکننده در فضای محدود آزادی بیان ایران

نیویورک تایمز در گزارش «[برنامه یوتیوبی ایرانی که پرسش هایی را مطرح می کند که کمتر کسی جرئت طرح آن را دارد](#)»، «رسانه آزاد» را نمونه ای کم سابقه از گسترش مرزهای گفت و گوی عمومی در ایران معرفی می کند؛ اما این استثناء را در بستری از «اقتدارگرایی»، «سانسور و محدودیت آزادی های مدنی قرار می دهد». روایت گزارش برای این دوگانه استوار است که در ایران، بحث درباره موضوعاتی چون حجاب، ولایت فقیه، همه پرسی برای تغییر نظام یا حتی بازگشت سلطنت امکان بروز یافته، اما استمرار چنین فضایی همچنان شکننده و وابسته به عبور محتاطانه از خطوط قرمز است.

نیویورک تایمز با اشاره به مسدود بودن یوتیوب و وبسایت «رسانه آزاد»، بازجویی مهدی احمدی بنیان گذار این برنامه، توقیف تجهیزات و قطع اینترنت، تصویری از آزادی بیان «محدود، کنترل شده و پرهزینه» در ایران ارائه می دهد. هم زمان، حضور منتقدان و چهره های نزدیک به حاکمیت در این رسانه، به عنوان نشانه ای از وجود سطحی از تکرر در فضای سیاسی و رسانه ای ایران بازنمایی می شود.

در مجموع، گزارش می کوشد برنامه «رسانه آزاد» را نه نشانه وجود آزادی کامل رسانه ای، بلکه استثنایی درون یک ساختار محدود کننده معرفی کند؛ استثنایی که در عین حال، روایت «انسداد مطلق» فضای گفت و گوی عمومی در ایران را نیز تا حدی پیچیده می کند.

تاکیدسی انان بر زمینه سازی دولت برای پذیرش توافقی محدود تر از اهداف اولیه جنگ و کاهش تدریجی سطح انتظارات از ترامپ

[سی ان ان](#) با استناد به اظهارات اخیر جی دی ونس، معاون رئیس جمهور آمریکا، مدعی است دولت ترامپ در حال جابه جایی مستمر خطوط پایان جنگ و تعدیل اهداف اولیه خود در قبال ایران است. ونس «پایین نگه داشتن قیمت نفت و گاز» و جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته ای را دو هدف اصلی جنگ معرفی کرده؛ در حالی که تغییر حکومت، تسلیم کامل ایران، توقف حمایت از گروه های منطقه ای و نابودی برخی توانمندی های نظامی، پیش تر در فهرست اهداف واشینگتن قرار داشت.

سی ان ان این تغییر را نشانه ای از آماده سازی افکار عمومی برای پذیرش توافقی بسیار محدود تر از مطالبات آغاز جنگ ارزیابی می کند. به زعم این رسانه، اگر بازگشت جریان عادی انرژی از تنگه هرمز اکنون «هدف شماره یک» باشد، واشینگتن عملاً یکی از مهم ترین دستاوردهای مطلوب

خود را بازگشت به وضعیت پیش از جنگ تعریف کرده است؛ امری که سی‌ان‌ان آن را قرینه‌ای بر محدود بودن دستاوردهای شش ماه نبرد می‌داند.

تاکید نیویورک تایمز بر فرسایش بازدارندگی آمریکا در آسیا زیر سایه تمرکز ترامپ بر جنگ ایران

نیویورک تایمز در گزارشی با عنوان «هم‌زمان با تلاش چین برای گسترش نفوذ در آسیا، ترامپ بر ایران متمرکز است» می‌نویسد، تداوم جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران به تدریج اعتبار تعهدات امنیتی واشینگتن در شرق و جنوب شرق آسیا را زیر سؤال برده است. به نوشته این روزنامه، تشدید برخوردهای چین و فیلیپین در دریای جنوبی چین، هم‌زمان با کاهش ذخایر تسلیحاتی و پدافندی آمریکا در جنگ ایران، نگرانی متحدان آسیایی درباره توان واقعی واشینگتن برای ورود به یک بحران هم‌زمان با چین را افزایش داده است.

نیویورک تایمز تأکید می‌کند که تخلیه یا آسیب دیدن برخی پایگاه‌های آمریکا در خاورمیانه بر اثر حملات موشکی و پهپادی ایران، برای متحدان آسیایی به شاخصی از آسیب‌پذیری نیروهای آمریکایی تبدیل شده است؛ آن هم در برابر چین که از ظرفیت نظامی به مراتب گسترده‌تری برخوردار است. در چنین فضایی، تعطیلی برخی کنسولگری‌های آمریکا، جنگ تجاری ترامپ و حرکت او به سوی الگوی موسوم به «گروه دو» یا G۲ با چین - یعنی مدیریت مسائل مهم جهانی از مسیر تفاهم مستقیم میان واشینگتن و پکن به عنوان دو قدرت اصلی - این برداشت را تقویت کرده که آسیا در حال تبدیل شدن به اولویت درجه دوم سیاست خارجی آمریکا است.

ادعای اکسیوس درباره ایجاد کانال پنهان میان واشینگتن و سپاه با میانجی‌گری نچیروان بارزانی

«اکسیوس» در گزارشی اختصاصی مدعی شده است که دولت ترامپ در میانه مذاکرات اردیبهشت ماه، به این جمع‌بندی رسید که محمد باقر قالیباف و عباس عراقچی ممکن است اختیار نهایی برای توافق نداشته باشند و از این رو، با میانجی‌گری نچیروان بارزانی، مستقیماً به فرماندهی سپاه متوسل شد.

براساس این روایت، تولسی گابارد از بارزانی خواست موضع احمد وحیدی را درباره مذاکرات جویا شود و فرمانده کل سپاه نیز ضمن تأیید هماهنگی با مذاکره‌کنندگان ایرانی، بر ترجیح حل بحران از مسیر مذاکره تأکید کرده است. اکسیوس همچنین می‌گوید واشینگتن پس از این تماس، پیشنهاد برگزاری مذاکرات محرمانه در اربیل را مطرح کرد که به دلیل نگرانی تهران از نفوذ اطلاعاتی رژیم صهیونیستی و احتمال ترور مذاکره‌کنندگان ایرانی عملی نشد.

این گزارش در سطحی فراتر، تصویری از افزایش وزن سپاه در تصمیم‌گیری امنیتی و سیاست خارجی ایران ارائه می‌کند و دشواری اصلی واشینگتن را نه صرفاً یافتن میانجی، بلکه تشخیص مرکز واقعی تصمیم‌گیری در تهران معرفی می‌کند.

جمع‌بندی نهایی

برآیند مجموعه تحولات نشان می‌دهد که مهم‌ترین ویژگی مقطع کنونی، **فرسایشی و چندجبهه‌ای شدن رقابت ایران و آمریکا** است.

❶ در حوزه نظامی، پوشش مداوم وضعیت «آبراهام لینکلن»، جابه‌جایی ناوها، فشار بر ذخایر پاتریوت و آشکارشدن آسیب‌پذیری‌های اطلاعاتی نیروهای آمریکایی، تصویری از افزایش هزینه حفظ حضور طولانی مدت واشینگتن ارائه می‌کند. در مقابل، تداوم نقش هرمز و برجسته‌شدن مفهوم «ممانعت دریایی بدون تسلط بر دریا» موجب شده فاصله میان برتری عملیاتی و تحقق اهداف سیاسی جنگ به یکی از محورهای اصلی تحلیل‌ها تبدیل شود. این مسئله با نگرانی متحدان عرب درباره اعتبار چتر امنیتی آمریکا و تردید متحدان آسیایی نسبت به توان واشینگتن برای مدیریت هم‌زمان بحران ایران و رقابت با چین پیوند خورده است.

❷ در سطح سیاسی و دیپلماتیک نیز دو خط متعارض به‌طور هم‌زمان تقویت می‌شود. از یک سو، بخشی از فضای سیاسی آمریکا همچنان از «پیروزی راهبردی»، تشدید حملات و حتی حمایت از مخالفان جمهوری اسلامی سخن می‌گوید؛ از سوی دیگر، روایت‌های رسانه‌ای از کاهش تدریجی اهداف اعلامی دولت ترامپ و آماده‌سازی افکار عمومی برای توافق محدودتر حکایت دارد. ادعای وجود کانال غیرعلنی میان واشینگتن و سپاه نیز نشان می‌دهد که حتی در شرایط استمرار فشار، جست‌وجو برای شناسایی مسیرهای مؤثر مذاکره متوقف نشده است. هم‌زمان، کشمکش بر سر جنوب لبنان و اولویت‌های انتخاباتی نتانیاهو خطر تبدیل «تشدید کنترل شده» به دور تازه‌ای از درگیری منطقه‌ای را حفظ کرده است.

❸ بعد سوم، اقتصاد و محیط اجتماعی است. انباشت فشار در حوزه بنزین، انرژی، کالاهای اساسی، دارو، دستمزد، قطعات و هزینه تولید در کنار تجمعات پراکنده صنفی، هنوز در گزارش به معنای شکل‌گیری یک موج سراسری ارزیابی نشده، اما ظرفیت اتصال نارضایتی‌های جداگانه را افزایش داده است. نقطه حساس زمانی شکل می‌گیرد که مشکلات روزمره از معنای اقتصادی خود خارج و در روایت رسانه‌ای به جنگ، سیاست خارجی و کارآمدی ساختار اداره کشور پیوند داده شوند؛ مسیری که رسانه‌های معاند به‌طور فعال در پی تقویت آن هستند.

در مجموع، روندهای موجود به سوی یک **آزمون متقابل تاب‌آوری** حرکت می‌کنند: ایران با مسئله حفظ انسجام داخلی، مدیریت فشار اقتصادی و تبدیل اهرم‌های میدانی به دستاورد سیاسی مواجه است و آمریکا با چالش استمرار محاصره، هزینه انرژی، فرسایش ذخایر و توزیع قدرت میان چند جبهه. بنابراین، مسیر آینده بیش از یک نقطه پایان نظامی مشخص، به این وابسته خواهد بود که کدام طرف بتواند **هزینه‌های انباشته جنگ را بهتر مدیریت کرده، روایت موفقیت خود را معتبر نگه دارد و فشار میدانی را به نتیجه سیاسی پایدار تبدیل کند.**

مرکز رصد و پایش ق. رسانه